

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ




درنامه

مناسک حنفی

ویژه اهل سنت

مدیریت اهل سنت
بعثه مقام معظم رهبری



شناسنامه

فهرست مطالب

مقدمه	۱۷
درس اول: کلیات	۱۸
۱. حج در لغت و اصطلاح:	۱۹
۲. تاریخچه حج و کعبه:	۱۹
• حج پیش از اسلام:	۱۹
• بنیانگذار کعبه (زیدت مهابتها):	۱۹
• تجدید بنای کعبه (زیدت مهابتها):	۲۰
• حج‌گزاری انبیاء:	۲۱
• تشریح حج در اسلام:	۲۱
• سال تشریح حج:	۲۲
• حجه الوداع:	۲۲
۳. اهمیت و جایگاه حج:	۲۳
۴. فوائد حج:	۲۳
۵. فوری بودن حج:	۲۴
۶. اتمام حج:	۲۵
۷. تکرار حج:	۲۵
۸. تجارت در حج:	۲۶
۹. اقسام حج:	۲۷
• الف) به لحاظ نیت و مناسک:	۲۷
۱. حج تمتع:	۲۷
۲. حج افراد:	۲۷
۳. حج قرآن:	۲۷
۴. حج افضل:	۲۸



- (ب) به لحاظ حکم شرعی تکلیفی: ۲۸
- ۱. حج واجب: ۲۸
- ۲. حج مستحب: ۲۸
- (ج) حج به لحاظ شخص انجام دهنده: ۲۸
- ۱. حج مباشرتی: ۲۸
- ۲. حج نیابتی: ۲۹
- (د) به لحاظ استطاعت و زمان آن: ۲۹
- ۱. حج بذلی: ۲۹
- ۲. حج مستقر: ۲۹
- ۱۰. عمره در لغت و اصطلاح: ۲۹
- ۱۱. اقسام عمره: ۲۹
- عمره مفرده: ۲۹
- عمره تمتع: ۳۰
- پرسش: ۳۱

- درس دوم: آداب مقدماتی سفر** ۳۲
- آمادگی برای سفر حج ۳۳
- ۱. استخاره: ۳۳
 - ۲. اخلاص در عمل: ۳۳
 - ۳. فراگیری مناسک حج: ۳۴
 - ۴. تأمین توشه حج: ۳۵
 - ۵. گشاده‌دستی: ۳۵
 - ۶. دعا و یاد خدا در سفر حج: ۳۶
 - ۷. کاربرد مال حلال: ۳۶
 - ۸. کسب رضایت صاحبان حق: ۳۶
 - ۹. تعجیل در رفتن به حج: ۳۷
 - ۱۰. تودیع و طلب حلیت: ۳۷

۱۱. توبه و استغفار: ۳۸
۱۲. نوشتن وصیت‌نامه: ۳۸
۱۳. ترک گناه و معصیت: ۳۸
۱۴. اخلاق نیک و تحمل سختی‌ها در سفر حج: ۳۸
۱۵. توجه به اهداف، آثار و اسرار حج: ۳۹
- پرسش: ۴۳
- درس سوم: شرایط حج ۴۴**
۱. حجه الاسلام ۴۵
- اصطلاحات بکار رفته در شرایط حج عبارتند از: ۴۵
۱. شرایط وجوب حج: ۴۷
۲. شرایط اداء حج: ۴۹
۳. شرایط صحت حج ۵۱
۴. شرائط وقوع حجه الاسلام: ۵۲
- پرسش: ۵۳
- درس چهارم: احرام ۵۴**
۱. واجبات احرام: ۵۶
۱. پوشیدن جامه احرام: ۵۵
۲. نیت: ۵۷
۳. تلبیه یا بدل آن: ۵۸
۲. مستحبات احرام: ۶۰
۳. مکروهات احرام: ۶۱
۴. محرمات احرام ۶۲
- الف) محرمات مشترک: ۶۲
- ب) محرمات اختصاصی مردان: ۶۳
- ج) محرمات اختصاصی زنان: ۶۳



۵. مباحات احرام: ۶۳

• پرسش: ۶۵

درس پنجم: میقات ۶۶

۱. میقات: ۶۷

• الف) میقات زمانی: ۶۷

• ب) میقات مکانی: ۶۸

۱. آفاقی: ۶۸

۲. اهل حِلّ: ۷۰

۳. اهل حرم: ۷۰

۲. احکام ورود به مکه ۷۳

• آداب و احکام ورود به حرم: ۷۳

۱. واجبات: ۷۳

۲. مستحبات: ۷۴

• برخی از محرمات و مکروهات در حرم و مکه: ۷۵

• پرسش: ۷۷

درس ششم: طواف و نماز طواف ۷۸

۱. طواف: ۷۹

• واجبات طواف: ۷۹

۱. نیت: ۷۹

۲. شروع طواف از حجرالاسود: ۷۹

۳. قرار گرفتن کعبه در طرف چپ: ۸۰

۴. داخل کردن تمام کعبه در مطاف: ۸۰

۵. هفت مرتبه دور زدن: ۸۰

• شرایط طواف: ۸۰

۱. طهارت از حدث: ۸۰

۲. طهارت از نجاست: ۸۱
۳. پوشاندن عورت: ۸۱
۴. پیاده بودن: ۸۲
- سنت‌ها و مستحبات طواف: ۸۲
۱. تکبیر گفتن هنگام شروع طواف: ۸۲
۲. رو کردن به حجرالاسود: ۸۲
۳. استلام و تقبیل حجرالاسود و رکن یمانی: ۸۳
۴. موالات: ۸۳
۵. اضطباع: ۸۳
۶. رمل: ۸۴
۷. رفتن به ملتزم: ۸۴
۸. نوشیدن از آب زمزم: ۸۴
۹. دعا و ذکر هنگام طواف: ۸۵
۱۰. از سرگیری طواف: ۸۶
۱۱. ترک کلام و اعمال منافی خشوع: ۸۶
- اقسام طواف: ۸۶
۱. طواف تحیت: ۸۶
۲. طواف قدوم (ورود): ۸۷
۳. طواف عمره: ۸۷
۴. طواف زیاره (افاضه): ۸۷
۵. طواف صدر (وداع): ۸۸
۶. طواف تطوع (نفل): ۸۸
۷. طواف نذری: ۸۸
- مکروهات طواف: ۸۸
۲. نماز طواف: ۹۰
- مستحبات نماز طواف: ۸۹
- پرسش: ۹۱



- درس هفتم: سعی، تحلل ۹۲
۱. سعی ۹۳
- آداب سعی: ۹۳
 - ۱. شروع سعی: ۹۳
 - ۲. برکوه صفا: ۹۴
 - ۳. به هنگام پیمودن مسعی: ۹۴
 - ۴. هروله: ۹۴
 - ۵. بر کوه مروه: ۹۵
 - واجبات و شرایط سعی: ۹۶
 - سنت‌های سعی: ۹۷
 - مستحبات سعی: ۹۷
 - مکروهات سعی: ۹۸
 - ۲. حلق یا تقصیر: ۹۸
 - مکان تحلل: ۹۹
 - زمان تحلل: ۹۹
 - برخی احکام حلق و تقصیر: ۹۹
 - پرسش: ۱۰۱
- درس هشتم: حج تمتع (۱) ۱۰۲
۱. حج تمتع ۱۰۳
- فاصله زمانی بین عمره تمتع تا شروع حج: ۱۰۳
 - احرام حج: ۱۰۳
 - وقوف در منا: ۱۰۴
 - وقوف در عرفات: ۱۰۵
 - ۱. اهمیت و جایگاه وقوف عرفات: ۱۰۵
 - ۲. حدود عرفات: ۱۰۶
 - ۳. حرکت به سمت عرفات: ۱۰۶



۴. وقوف در عرفات: ۱۰۷
۵. تنها واجب عرفات: ۱۰۷
۶. مقدار وقوف(واجب - رکن): ۱۰۸
۷. وقت اضطراری وقوف: ۱۰۸
۸. خروج از عرفات پیش از پایان وقت: ۱۰۸
۹. اشتباه در تعیین روز عرفه: ۱۰۸
۱۰. اختلاف در رؤیت هلال ذیحجه: ۱۰۹
۱۱. جمع بین دو نماز در عرفات: ۱۰۹
۱۲. آداب و سنن وقوف: ۱۱۰
- پرسش: ۱۱۲
- درس نهم: حج تمتع(۲) ۱۱۳
- وقوف در مشعر الحرام(مزدلفه): ۱۱۴
۱. آداب ورود به مزدلفه: ۱۱۴
۲. حدود مزدلفه: ۱۱۴
۳. وقوف در مزدلفه: ۱۱۴
۴. واجبات مزدلفه: ۱۱۵
۵. برخی آداب و احکام مزدلفه: ۱۱۷
۶. آداب خروج از مزدلفه: ۱۱۸
- رمی جمره عَقَبَه: ۱۱۸
۱. مکان جمرات: ۱۱۹
۲. زمان رمی جمره عقبه: ۱۱۹
۳. واجبات رمی: ۱۱۹
۴. شرایط سنگ ریزه‌ها: ۱۲۰
۵. برخی احکام رمی: ۱۲۰
۶. مستحبات رمی: ۱۲۲
- قربانی(دم شکر): ۱۲۲



۱. زمان شکرانه: ۱۲۳
۲. مکان قربانی: ۱۲۳
۳. شرایط حیوان قربانی: ۱۲۳
۴. احکام قربانی: ۱۲۳
۵. مصرف قربانی: ۱۲۴
۶. نیابت در ذبح: ۱۲۴
۷. رعایت احکام ذبح: ۱۲۵
۸. خواندن دعا: ۱۲۵
- تحلیل (حلق یا تقصیر): ۱۲۵
۱. زمان تحلل: ۱۲۵
۲. مکان تحلل: ۱۲۶
۳. مستحبات حلق و تقصیر: ۱۲۶
۴. برخی احکام تحلل: ۱۲۶
- برخی مستحبات منا: ۱۲۷
- پرسش: ۱۲۸
- درس دهم: حج تمتع (۳)، حج قران، حج افراد ۱۲۹
- طواف زیارت ۱۳۰
۱. زمان طواف زیارت: ۱۳۰
۲. برخی احکام طواف: ۱۳۰
۳. نماز طواف زیارت: ۱۳۲
- سعی: ۱۳۳
- بیتوته در منا: ۱۳۳
۱. مستحبات منا: ۱۳۴
- رمی جمرات سه گانه: ۱۳۴
۱. زمان رمی: ۱۳۴
۲. مستحبات رمی جمرات: ۱۳۴



۳. برخی احکام رمی: ۱۳۵
- خروج از منا: ۱۳۷
 - طواف وداع و نماز آن: ۱۳۷
 - ۱. زمان طواف وداع: ۱۳۸
 - ۲. برخی احکام طواف وداع: ۱۳۸
 - آداب پس از طواف وداع: ۱۳۹
 - ۲. حج قرآن: ۱۴۰
 - شرایط حج قرآن: ۱۴۰
 - ۳. حج افراد: ۱۴۲
 - برخی احکام حج افراد: ۱۴۲
 - ۱. احرام حج افراد: ۱۴۲
 - ۲. عدم وجوب قربانی: ۱۴۳
 - ۳. جواز حج افراد بر آفاقی: ۱۴۳
 - ۴. طواف قدوم: ۱۴۳
 - پرسش: ۱۴۴
- درس یازدهم: مناسک اختصاصی بانوان و کودکان ۱۴۵**
- ۱. مناسک اختصاصی بانوان و کودکان ۱۴۶
 - بخش اول: مناسک بانوان ۱۴۶
 - ۱. استطاعت ۱۴۶
 - ۲. احکام حائض و مستحاضه در حج: ۱۴۸
 - ۳. احکام اختصاصی بانوان در محرمات احرام: ۱۵۳
 - ۴. احکام اختصاصی بانوان در مناسک: ۱۵۴
 - بخش دوم: حج کودکان ۱۵۶
 - ۱. کیفیت اعمال در کودکان غیر ممیز: ۱۵۷
 - ۲. ارتکاب محرمات احرام و حرم: ۱۵۸
 - پرسش: ۱۵۹



درس دوازدهم: جنایات (۱) ۱۶۰

۱. جنایات ۱۶۱

• کلیات جنایات: ۱۶۱

۱. توضیح برخی از اصطلاحات: ۱۶۱

۲. وجوب کفاره در همه‌ی حالات: ۱۶۲

۳. انجام محرمات در صورت عذر: ۱۶۲

۴. پرداخت کفاره: ۱۶۳

• تقسیم‌بندی جنایات: ۱۶۳

۱. به لحاظ اسباب وجوب کفارات: ۱۶۳

۲. به لحاظ کفاره‌ی جنایات: ۱۶۴

• جنایات إحرام و کفاره‌ی آن‌ها: ۱۶۵

۱. مواد خوشبوکننده: ۱۶۵

۲. پوشیدنی‌ها: ۱۶۸

۳. گرفتن ناخن: ۱۷۰

۴. کوتاه کردن، تراشیدن و کندن مو: ۱۷۱

۵. آمیزش (همبستری): ۱۷۳

۲. مباحات احرام: ۱۷۴

• پرسش: ۱۷۵

درس سیزدهم: جنایات (۲) ۱۷۶

• جنایات حرم و کفاره‌ی آن‌ها: ۱۷۷

۱. قطع گیاهان و درختان: ۱۷۷

۲. شکار حیوانات: ۱۷۸

• جرائم ترک واجبات عمره و حج: ۱۸۰

۱. احرام: ۱۸۰

۲. طواف: ۱۸۱

۳. سعی: ۱۸۳

۴. وقوف‌ها: ۱۸۳
۵. رمی جمرات: ۱۸۴
۶. قربانی: ۱۸۵
۷. حلق و تقصیر: ۱۸۵
- پرسش: ۱۸۶
- درس چهاردهم: احصار، نیابت ۱۸۷**
۱. احصار ۱۸۸
- پیشینه‌ی احصار: ۱۸۸
- برخی احکام احصار: ۱۸۸
۱. موجبات حصر: ۱۸۸
۲. خارج شدن از احرام: ۱۸۹
۳. وجوب قضای حج یا عمره: ۱۸۹
۴. احصار پس از وقوف عرفات: ۱۸۹
۵. احصار پیش از وقوف عرفات: ۱۹۰
۶. عادت ماهیانه در حج تمتع: ۱۹۰
۲. حج یا عمره نیابتی: ۱۹۰
- شرایط صحت حج نیابتی: ۱۹۱
۱. وجوب حج: ۱۹۱
۲. عجز از انجام حج توسط خود شخص: ۱۹۱
۳. عمل بر طبق وصیت: ۱۹۱
۴. عدم تعیین دستمزد: ۱۹۱
۵. پرداخت تمام هزینه‌های سفر: ۱۹۲
۶. فرستادن نایب از وطن منوب‌عنه: ۱۹۲
۷. نیت: ۱۹۲
۸. شرایط نایب: ۱۹۳



- برخی احکام نیابت: ۱۹۳
- ۱. حکم کفارات: ۱۹۳
- ۲. بهبودی پس از فرستادن نایب: ۱۹۴
- ۳. واگذاری نیابت: ۱۹۴
- ۴. عدم جواز حج تمتع: ۱۹۴
- ۵. نیابت در حج و عمره مستحبی: ۱۹۵
- ۶. ناتوانی نایب از انجام حج: ۱۹۵
- ۷. تاخیر در انجام حج: ۱۹۵
- ۸. انجام حج با مال حرام: ۱۹۵
- پرسش: ۱۹۶

- درس پانزدهم: مدینه النبی(ص) ۱۹۷
- مدینه النبی(ص) ۱۹۸
- فضیلت مدینه: ۱۹۸
- آداب حرکت به سوی مدینه: ۱۹۹
- آداب ورود به مدینه: ۱۹۹
- امکان مقدسه: ۲۰۰
- ۱. مسجد النبی: ۲۰۰
- ۲. قبرستان بقیع(جنت البقیع): ۲۰۳
- ۳. کوه أُحُد: ۲۰۴
- ۴. مسجد قُبا: ۲۰۴
- وداع با مدینه: ۲۰۵
- پرسش: ۲۰۶

40120

درس اول: کلیات

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

۱. معنای لغوی و اصطلاحی حج و عمره
۲. حج در ادیان پیشین و در جاهلیت
۳. تشریح حج در اسلام و اهمیت و جایگاه آن
۴. فوری بودن فریضه حج و استحباب تکرار آن
۵. جواز تجارت در حج

۱. حج در لغت و اصطلاح:

حج از ریشه «ح ج ح» و در لغت به معنای قصد کردن، قصد امر عظیم، روی آوردن، بازداشتن، زیاد رفت و آمد کردن آمده است. برخی لغت‌پژوهان معنای اصلی این ریشه را قصد همراه با عمل، یا قصد همراه با استقامت دانسته و معنای اصطلاحی حج را مطابق با آن تفسیر کرده‌اند.

حج در اصطلاح فقها، عبارت است از قصد کردن خانه خدا و انجام دادن مناسک مخصوص، در زمان خاص آن؛ البته برخی حج اصطلاحی را به معنای مجموع مناسک انجام گرفته در سفر حج می‌دانند. به کسی که حج را ادا می‌کند «حاج» گفته می‌شود.

۲. تاریخچه حج و کعبه:

• حج پیش از اسلام:

قرآن کریم، از کعبه با تعبیری مانند خانه‌ی کهن «الْبَيْتِ الْعَتِيقِ»^۱ و یا نخستین خانه‌ای که برای انسان‌ها قرار داده شده، «أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ»^۲ یاد کرده است، همچنین در آیات مربوط به مناسک حج، همه امت‌ها را دارای مناسک و عباداتی شمرده است «و لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا»^۳ که مجموع این آیات بیانگر قدمت خانه کعبه و مناسک حج و رواج آن پیش از اسلام است.

• بنیانگذار کعبه (زیدت مهابتها)

درباره‌ی بنای کعبه و اینکه اعمال حج از چه زمانی آغاز شده، روایات مختلفی وجود دارد:

۱. حج، ۳۳.

۲. آل عمران، ۹۶.

۳. تفسیر قرطبی، ج ۱۲، ص ۵۸.



برخی از این روایات حاکی از آن است که فرشتگان بنیانگذار کعبه و اولین حج گزاران بوده‌اند مانند روایتی که انس بن مالک از رسول خدا(ص) گزارش کرده است، که ایشان فرمودند: هنگامی که فرشتگان آرزوی قبولی حج آدم را کردند، از ادای حج خود در دو هزار سال قبل گزارش کردند.^۴

برخی دیگر از روایات، حضرت آدم(ع) را بنیانگذار خانه کعبه و نخستین حج گزار خوانده‌اند؛^۵ که شاید مراد آنان، اولین بنیانگذار و حج گزار از آدمیان بوده است. بنابر روایات، پس از فرود آدم(ع) به زمین و بنای کعبه، جبرئیل مناسک حج را به حضرت آدم(ع) آموزش داد؛ و آن حضرت مناسک را همراه با جبرئیل به جا آورد.^۶

• تجدید بنای کعبه (زیدت مهابتها)

در طوفان نوح، بنای کعبه از بین رفت، تا آن که در زمان حضرت ابراهیم(ع)، خداوند جایگاه خانه کعبه را به آن حضرت نشان داد: «وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ».^۷ سپس حضرت ابراهیم(ع) با کمک فرزندش اسماعیل(ع)، خانه کعبه را تجدید بنا کرد: «وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ».^۸

پس از بنای دوباره‌ی کعبه، حضرت ابراهیم(ع) مأمور گردید تا مردم را برای ادای مناسک حج به مکه فرا بخواند «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالًا وَ عَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ».^۹

بنابر روایات، آن حضرت با استقرار بر روی سنگی این مأموریت را انجام داد و مردم برای ادای حج عازم خانه خدا شدند؛ و به موجب برخی روایات، مخاطب ندای ابراهیم(ع)

۴. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۱۲؛ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۲۱.

۵. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۱۰.

۶. الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۰.

۷. حج، ۲۶.

۸. بقره، ۱۲۷.

۹. حج، ۲۷.

همه کسانی بودند که در شرق و غرب عالم ساکن بودند و نیز کسانی که هنوز به دنیا نیامده بودند و همگی به ندای آن حضرت پاسخ مثبت داده و لبیک گفتند.

• حج‌گزاری انبیاء:

علاوه بر حضرت آدم (که اولین انسان حج‌گزار بود)، حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسماعیل (ع) و شماری از موحدان نیز مناسک حج را به‌جا آوردند.^{۱۰} در ادوار بعد، بر پایه روایات، پیروان شریعت حضرت ابراهیم (ع) و دیگر پیامبران از جمله حضرت موسی (ع)، عیسی (ع)، یوسف (ع) و سلیمان (ع) حج را به‌جا می‌آوردند.^{۱۱} در عصر جاهلیت، اعراب که خود را پیرو شریعت حضرت ابراهیم (ع) می‌شمردند، اصل مناسک حج را حفظ کردند و به شماری از تعالیم آن حضرت ملتزم بودند؛ ولی انحرافات در آن پدید آوردند و بسیاری از احکام و آداب حج را تغییر دادند؛^{۱۲} طواف با بدن عریان^{۱۳} و کف زدن و هل‌هله کردن در مسجدالحرام^{۱۴} بنابر آیه ۳۵ سوره‌ی انفال از جمله این انحرافات بود.

• تشریح حج در اسلام:

«وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا».

وجوب حج بر کسانی که توان انجام دادن آن را دارند، بنا به تصریح آیات قرآن و روایات فراوان، در میان همه‌ی فرق اسلامی از مسلمات و ضروریات است؛ به‌گونه‌ای که انکار آن مساوی با خروج از دین است. بنا بر روایاتی از پیامبر (ص)، حج، یکی از ارکان اسلام است؛ که همه‌ی مسلمانان بدان فراخوانده شده‌اند.^{۱۵}

۱۰. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۱۸۳؛ الکامل، ج ۱، ص ۱۰۷.

۱۱. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۶۰.

۱۲. احکام القرآن، جصاص، ج ۳، ص ۳۰۲؛ التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۹۳.

۱۳. تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۲۱۷.

۱۴. جامع البیان، ج ۹، ص ۳۱۶.

۱۵. مسند احمد، ج ۲، ص ۵۰۸؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۲.



• سال تشریح حج:

درباره این که تشریح حج در اسلام در چه سالی بوده، آراء گوناگونی وجود دارد. برخی تشریح وجوب حج را پیش از هجرت دانسته‌اند؛^{۱۶} که از جمله مستندات آنان روایاتی است که از حج پیامبر(ص) قبل از هجرت حکایت می‌کند. از جمله روایاتی از ابن عباس که سه بار حج گزاردن پیامبر(ص) یا حج گزاردن هر ساله آن حضرت را گزارش کرده^{۱۷} یا احادیثی که از دو بار حج گزاردن پیامبر(ص) یا حج گزاردن مکرر آن حضرت^{۱۸} یاد کرده‌اند.

در برابر دیدگاه فوق، بسیاری از عالمان، تشریح حج را پس از هجرت دانسته‌اند؛ هر چند در این باره که در چه سالی بوده، متفق نیستند.

به نظر برخی، حج در سال سوم هجری، با نزول آیه ۹۷ آل عمران تشریح شد؛ ولی پیامبر(ص) ادای آن را تا سال دهم به تأخیر انداخت.^{۱۹}

نظر دیگر آن است که، حج در سال پنجم^{۲۰} یا ششم هجری^{۲۱} با نزول آیه ۱۹۶ بقره تشریح گردید.

برخی نیز تشریح حج را در سال نهم یا دهم دانسته‌اند.^{۲۲}

درباره هر یک از سال‌های دیگر، از سال نخست تا دهم هجرت نیز، آرای نقل شده است.^{۲۳}

• حجه الوداع:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.»

۱۶. تلخیص التجرید، ج ۷، ص ۳؛ السیرة الحلبیه، ج ۳، ص ۳۰۸؛ روح المعانی، ج ۲۸، ص ۱۰۰.

۱۷. فتح الباری، ج ۸، ص ۸۰.

۱۸. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۰۲۷؛ سنن الترمذی، ج ۲، ص ۱۵۵.

۱۹. تفسیر قرطبی، ج ۴، ص ۱۴۴.

۲۰. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۸؛ عمدة القاری، ج ۹، ص ۱۲۲.

۲۱. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۴؛ اضاءة البیان، ج ۴، ص ۳۳۹؛ التفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۹۸.

۲۲. احکام القرآن، ج ۳، ص ۳۰۲؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲۳. تفسیر آلوسی، ج ۲۸، ص ۱۰۰.

پیامبر اعظم(ص) در سال دهم هجری، با نزول آیه‌ی فوق مأمور به فراخوان مسلمانان به ادای مناسک حج شد؛ بنابراین به همه‌ی مسلمانان در سرزمین‌های اسلامی اعلام شد که هر کس، قصد ادای حج و فراگیری مناسک آن را دارد، در مدینه با پیامبر(ص) همراه شود. این سفر حج، که آخرین حج آن حضرت بود، به حجة الوداع شهرت یافت، و بیش از صد هزار مسلمان آن حضرت را همراهی کردند.^{۲۴}

۳. اهمیت و جایگاه حج:

حج، که از ارکان پنجگانه‌ی اسلام می‌باشد، در شریعت اسلام از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. در اهمیت حج، همین بس که خداوند دو پیامبر بزرگ الهی، یعنی حضرت ابراهیم(ع) و حضرت اسماعیل(ع) را مکلف به آماده‌سازی مسجدالحرام برای عبادت حج‌گزاران می‌کند. «وَعَهْدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».

در آیات قرآن و روایات، کسانی که به قصد ادای حج، عازم این سرزمین می‌شوند، کاروان خدا و میهمان ویژه خداوند خوانده شده^{۲۵} و مسلمانان از تعرض به آنان و حتی حیواناتی که برای حج علامت‌گذاری گردیده، منع شده‌اند. در روایاتی دیگر، زمان انجام این عبادت یعنی دهه ذیحجه، از پاک‌ترین زمان‌ها، و اعمال آن دارای برترین پاداش،^{۲۶} و از محبوب‌ترین اعمال صالح نزد خداوند^{۲۷} به شمار رفته است.

۴. فوائد حج:

حاجیان در موسم حج، با جدا شدن از مظاهر دنیوی و پوشیدن لباس احرام و گفتن

۲۴. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۴.

۲۵. المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۴۴۱.

۲۶. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۵۵۰.

۲۷. من لا یحضر، ج ۲، ص ۷۴؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۸.



تلبیه در حج، به یاد خدا، مرگ، آخرت و معاد می‌افتند. بسیاری از فروع دین نیز، در عبادت حج گنجانده شده است؛ مانند نماز طواف که حاجیان بدان مکلف‌اند، و روزه که به عنوان کفارهٔ برخی اعمال در حج مقرر شده است. در برخی روایات، حج نوعی جهاد در راه خدا و جهاد مقبول خوانده شده است.^{۲۸} اعمال نیک فراوانی در قالب مناسک حج دیده می‌شود، مانند قربانی کردن در راه خدا، اطعام به فقیران، هجرت در راه خدا، توبه و استغفار، دعا و درخواست حاجت از خدا و ...

۵. فوری بودن حج:

در صورت حصول شرایط وجوب حج، رفتن به حج فوری است یعنی به تأخیر انداختن آن از سال استطاعت جایز نیست. در احادیث بسیاری، ترک حج و نیز به تأخیر انداختن آن تا زمان مرگ، مذمت شده و آن را به مثابه‌ی کفر و مردن بر دین یهود و نصارا شمرده، و موجب هلاکت، محروم شدن از شفاعت پیامبر(ص)، پشیمانی، نابینایی در قیامت و ثبت در زمره‌ی زیانکاران دانسته‌اند. پیامبر اکرم(ص)^{۲۹} صراحتاً به تعجیل و عدم تساهل در حج فرمان داده و حتی تأخیر آن را موجب خروج از اسلام شمرده است. از جمله‌ی ادله در فوریت اداء حج، آیاتی است که به وجوب حج فرمان می‌دهد؛ چرا که اصل اولیه در امر کردن، فوریت اطاعت است. در فقه شافعی^{۳۰} و برخی از مذاهب دیگر، تأخیر حج جایز است ولی انجام دادن فوری آن مستحب است.^{۳۱}

۲۸. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۴۱؛ سنن الکبری، ج ۹، ص ۲۱.

۲۹. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۹۵.

۳۰. المجموع، ج ۷، ص ۱۰۲.

۳۱. همان: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۶۴.

۶. اتمام حج:

«واتموا الحج و العمرة لله».^{۳۲}

با شروع حج، اتمام و کامل کردن آن بر حج گزار واجب است؛ هر چند حجی که به جا می آورد مستحبی باشد؛ بر این اساس، حج گزار حق ندارد برخی از اعمال حج را انجام دهد و برخی را رها نماید. مهمترین دلیل این حکم، آیه فوق است که مسلمانان را به اتمام حج فرمان داده است.^{۳۳}

فقیهان به استناد آیه مذکور و احادیث گفته اند که اگر حج گزار حج را فاسد کند نیز باید حج فاسد را به اتمام رساند و نمی تواند از آن خارج شود.^{۳۴}

در صورتیکه پس از شروع به اعمال حج به سبب پدید آمدن موانعی مانند بیماری یا منع دشمن، ادامه مناسک بسیار دشوار گردد، خروج از احرام با شرائطی جائز است.

۷. تکرار حج:

حج تنها یک بار در عمر واجب است؛^{۳۵} که مستند این حکم، اجماع مسلمانان،^{۳۶} روایات و سیره پیامبر اکرم (ص)^{۳۷} و مفاد آیه ۹۷ سوره آل عمران است که مسلمانان را به ادای حج فرمان داده است و امر خداوند نیز با یک بار انجام دادن محقق می شود.^{۳۸}

روایاتی هم بر وجوب تکرار حج دلالت دارد؛^{۳۹} که بر همین اساس شماری از فقها بر لزوم تکرار حج فتوا داده اند.^{۴۰} ولی به نظر مشهور فقیهان این دیدگاه، شاذ و مخالف اجماع

۳۲. بقره، ۱۹۶.

۳۳. المجموع، ج ۷، ص ۳۸۸.

۳۴. المغنی، ج ۳، ص ۳۷۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۸۸؛ الاقناع، ج ۱، ص ۲۴۰.

۳۵. المجموع، ج ۷، ص ۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۱۲؛ المبسوط، ج ۳، ص ۱۵۹.

۳۶. المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۶؛ منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۱۶.

۳۷. المجموع، ج ۷، ص ۹؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۵۹.

۳۸. فتح العزیز، ج ۷، ص ۲-۴.

۳۹. کنز العمال، ج ۵، ص ۵.

۴۰. المجموع، ج ۷، ص ۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۱۲.



مسلمانان^{۴۱} است و روایات مذکور غیر قابل عمل یا بر استحباب^{۴۲} حمل شده است. استحباب تکرار حج مورد اتفاق همه فقیهان مذاهب اسلامی است؛^{۴۳} و روایات متعدد و سیره پیامبران و مسلمانان بر استحباب آن دلالت می‌کند. از جمله شواهد استحباب تکرار حج، آیه‌ی «واذ جعلنا البيت مثابه للناس...»^{۴۴} می‌باشد چرا که عبارت «مثابه» در آیه به معنای مکانی است که مردم هر سال به آن رجوع می‌کنند یا مکانی که هیچ‌کس از آن رویگردان نیست.^{۴۵}

۸. تجارت در حج:

«لیس علیکم جناح ان تبتغوا...»^{۴۶}

تجارت و خرید و فروش و کسب منافع مادی در حج برای حج‌گزار و دیگران به تصریح آیه فوق جایز می‌باشد.

شان نزول آیه فوق مربوط به مسلمانان صدر اسلام می‌باشد؛ که همچون دوران جاهلیت، تجارت در حج را ممنوع می‌شمردند ولی با نزول این آیه، این کار مباح اعلام شد.^{۴۷}

در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره حج، یکی از اغراض حج را دستیابی انسان‌ها به منافع دانسته است؛ و در روایات، یکی از مصادیق «منافع»، سودهای ناشی از تجارت برای حج‌گزاران و دیگران ذکر شده است. با این حال اگر زائر بتواند نیت خود را فقط و فقط ادای فریضه حج قرار دهد و از همه اموری که او را از ذکر خدا غافل می‌کند بپرهیزد، بهتر است.

۴۱. همان.

۴۲. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۰.

۴۳. همان؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۱۵؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۲.

۴۴. بقره، ۱۲۵.

۴۵. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۳۹؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۷۸.

۴۶. بقره، ۱۹۸.

۴۷. جامع البیان، ج ۲، ص ۳۸۵؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۷.



۹. اقسام حج:

• الف) به لحاظ نیت و مناسک:

۱. حج تمتع:

در حج تمتع، حج گزار نخست اعمال عمره را به جا می آورد؛ و پس از آن از لباس احرام خارج می شود و محرمات احرام بر او حلال می شود؛ تا روز هشتم ذیحجه که دوباره لباس احرام می پوشد و مناسک حج را انجام می دهد. در حج تمتع، دم شکر بر حج گزار واجب است.

به کسی که حج «تمتع» به جا می آورد «متمتع» می گویند. در مواردی مانند ضیق وقت و یا عادت ماهیانه زن ها، امکان عدول از حج تمتع به حج افراد وجود دارد.

۲. حج افراد:

در حج افراد، حج گزار تنها به نیت حج محرم می شود، اعمال حج را به جا می آورد و عمره را، بصورت جداگانه انجام می دهد. در حج افراد، دم شکر واجب نیست. به کسی که حج افراد به جا می آورد «مفرد» می گویند.

۳. حج قران:

حجی است که در آن، حج گزار، اعمال عمره و حج را با یک نیت و یک احرام از میقات شروع می کند و تا روز عید قربان که حلق یا تقصیر می کند در لباس احرام باقی می ماند.

نزد احناف، در حج قران نیز مانند حج تمتع قربانی کردن به عنوان دم شکر واجب است؛ از همین رو خوردن از آن را برای احرام گزار جایز شمرده اند.

فقیهان شافعی قربانی حج قران را جبران نقض مناسک، به دلیل انجام دادن حج و عمره با یک احرام دانسته و خوردن از آن را برای حج گزار جایز شمرده اند.



در حج قران، بر ارتکاب هر یک از محرمات احرام و نیز در صورت احصار دو دم لازم می‌آید؛ ولی بر ترک هر یک از واجبات حج و عمره فقط یک دم واجب می‌گردد. به کسی که حج قران به جا می‌آورد «قارن» می‌گویند.

۴. حج افضل:

نزد احناف، حج قران از حج تمتع؛ و حج تمتع از حج افراد افضل است. ترتیب اولویت نزد شوافع عبارت است از: افراد، تمتع و قران. برخی نیز حج تمتع را افضل دانسته‌اند، صاحبان این دیدگاه‌ها، هر یک برای نظر خود به ادله‌ای از جمله سیره پیامبر اکرم (ص) استناد کرده‌اند.

• (ب) به لحاظ حکم شرعی تکلیفی:

۱. حج واجب:

حج واجب آن است که یا به سبب فراهم شدن شرایط وجوب بر کسی واجب شود، که از آن به «حجۃ الاسلام» تعبیر می‌شود، یا با اسباب عارضی مانند نذر، عهد، قسم و نیابت بر کسی فرض شود.

۲. حج مستحب:

حج غیر واجبی است که فاقد اسباب وجوب باشد، که «حج النفل» و «حج التطوع» هم خوانده می‌شود.

• (ج) حج به لحاظ شخص انجام دهنده:

۱. حج مباشرتی:

شخصی که حج به جا می‌آورد اگر آن حج را به نیت خودش انجام دهد به آن حج مباشرتی گفته می‌شود.



۲. حج نیابتی:

شخصی که حج به جا می‌آورد اگر آن حج را به نیت فرد دیگر و به نیابت از او انجام دهد، به آن حج نیابتی (استنابه‌ای) گفته می‌شود. حج نیابتی گاهی «تبرعی» یعنی بدون دریافت اجرت است و گاهی «استیجاری»، یعنی در مقابل دریافت اجرت است.

• (د) به لحاظ استطاعت و زمان آن:

۱. حج بذلی:

به حجی که هزینه‌ی آن را دیگری پرداخت کند «حج بذلی» گفته می‌شود.

۲. حج مستقر:

به حجی که وجوب آن بر مکلف در سال‌های پیش استقرار یافته و موفق به انجام آن نشده است، «حج مستقر» گفته می‌شود.

۱۰. عمره در لغت و اصطلاح:

عمره در لغت به معنای زیارت است و در اصطلاح فقه، زیارت خانه خدا با آداب ویژه است.

۱۱. اقسام عمره:

• عمره مفرده:

عمره مفرده، عبادتی مستقل است که در صورت وجود شرایط آن، تنها بر اهل مکه واجب است.

برخی مذاهب اسلامی عمره مفرده را بر آفاقی هم واجب می‌دانند.

عمره مفرده، مستحب مؤکد است و زمان معینی ندارد و در همه سال می‌توان آن را انجام داد؛ هرچند انجام دادن آن در ماه رمضان افضل است و به فرموده‌ی پیامبر(ص) عمره‌ی رمضان برابر با حجی است که کسی در معیت ایشان انجام بدهد.



اعمال مفرده عبارت است از: احرام، طواف، نماز طواف، سعی، حلق یا تقصیر.

• عمره تمتع:

عمره تمتع، همراه با حج تمتع است و به صورت جداگانه انجام نمی‌شود. این عمره از لحاظ احکام و چگونگی انجام دادن آن، با عمره مفرده یکسان است؛ جز آنکه این عمره را در ماه‌های حج به جا می‌آورند.

تذکر:

۱- از آن جا که امروزه اغلب حج‌گزاران ایرانی حج تمتع به جا می‌آورند، تنظیم این درسنامه به ترتیب مناسکی است که حج‌گزار در حج تمتع (مناسک عمره تمتع و مناسک حج تمتع) انجام می‌دهد.

یادآوری می‌شود همه مناسک عمره تمتع با مناسک عمره مفرده یکسان است و هیچگونه تفاوتی ندارد؛ لذا فصل مستقلی به بیان عمره مفرده اختصاص داده نشده است.

۲- مناسک مشترک اقسام سه‌گانه حج مانند احرام، طواف، نماز طواف، سعی، و... در ذیل حج تمتع بیان خواهد شد و فقط احکام اختصاصی حج قران و افراد، بصورت مستقل در انتهای حج تمتع ارائه خواهد شد.

● پرسش:

۱. حج در لغت و اصطلاح به چه معناست؟
۲. به حج‌گزار حج تمتع، افراد و قران چه می‌گویند؟
۳. ترتیب افضلیت حج نزد احناف کدام است؟
۴. صریح‌ترین آیه دال بر وجوب حج کدام است؟ در این آیه وجوب حج مشروط به چه امری است؟
۵. مستند کسانی که تشریح وجوب حج را پیش از اسلام می‌دانند چیست؟
۶. پنج وجه از وجوه اهمیت و جایگاه حج را توضیح دهید.
۷. ادله فوری بودن حج کدام است؟
۸. مستند جواز تجارت در سفر حج چیست؟

درس دوم: آداب مقدماتی سفر

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

۱. استخاره و طلب خیر از خداوند در سفر حج
۲. اخلاص در عمل و منزّه بودن نیت از همه اغراض دنیوی و نفسانی
۳. فراگیری مناسک حج
۴. کسب رضایت صاحبان حق، نوشتن وصیت‌نامه و تودیع و طلب حلیت
۵. تأمین توشه حج، گشاده‌دستی و هزینه از مال حلال
۶. یاد خدا، توبه و استغفار و ترک گناه
۷. فراگیری مناسک حج و نیز آشنایی با اسرار و اهداف حج
۸. اخلاق نیکو

آمادگی برای سفر حج

در متون اسلامی آداب متعددی برای حج‌گزاری بیان شده که برخی درباره اقدامات پیش از ادای حج و شماری مربوط به آداب انجام دادن اعمال حج است. به آداب ناظر به مناسک در ضمن بیان هر یک از اعمال، پرداخته می‌شود. اما آداب پیشینی و مقدماتی که عمدتاً برای آمادگی سفر حج است، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ به گونه‌ای که شماری از آنها شرط قبولی حج به حساب می‌آید؛ و بسیاری از آنها جزء مستحبات حج می‌باشد. مهمترین این آداب عبارت‌اند از:

۱. استخاره:

طلب خیر و به تعبیر دیگر، استخاره، از آداب اولیه سفر حج به حساب می‌آید. استخاره به این مفهوم است که، بنده از خداوند بخواهد که آنچه خیر است (مانند بهترین کاروان و بهترین همراهان و بهترین و خالص‌ترین اعمال) را برای او مقدر کند و دل او را به سوی اموری که خیر او در آن است سوق دهد و او را از انتخاب امور ناخوشایند بازدارد. برای استخاره، ابتدا دو رکعت نماز ادا کند و در رکعت اول حمد و کافرون و در رکعت دوم حمد و توحید بخواند و پس از آن دعای مأثور استخاره را بخواند. استخاره برای اصل سفر حج نیست، زیرا پس از تحقق شرایط وجوب و اداء، حج فوری است و باید بدون فوت وقت آن را به جا آورد.

۲. اخلاص در عمل:

یکی از عمده‌ترین آداب حج آن است که، تنها برای رضای خدا انجام شود و کسی که اراده حج دارد باید نیت خود را از همه اغراض و انگیزه‌های دنیوی و نفسانی پاک کند و سفر حج خود را با اخلاص کامل و فقط برای رضای خداوند متعال انجام دهد.



لزوم اخلاص در انجام دادن حج، از آیه «واتمواالحج والعمرة لله»^{۴۸} و نیز از روایت انس بن مالک از پیغمبر که پس از انجام حج فرمودند: «اللهم حجّه لا رياء فيها و لا سمعة»^{۴۹} و همچنین از روایاتی که بخشیدن شده گناهان و واجب شدن بهشت و حرام شدن جهنم منوط به اخلاص در حج‌گزاری شده،^{۵۰} قابل برداشت و استناد می‌باشد. در حدیثی نبوی، حج‌گزاردن بر پایه مقاصد غیر الهی، از جمله تفریح، تجارت و خودنمایی مذموم به‌شمار رفته است.^{۵۱} بنابراین پیش از شروع حج، باید بکوشد که نیت خود را خالص کند و همه مقدمات را هم با خلوص کامل به‌جا آورد.

۳. فراگیری مناسک حج:

لازم است که حج‌گزاران، پیش از سفر حج، احکام آن را یاد بگیرند؛ و شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسک و نیز مطالعه کتب مناسک را جدی بگیرند. در غیر اینصورت ممکن است به دلیل اخلاص در واجبات و ارکان، حج صحیحی را انجام ندهند و تکلیف از گردن آنها ساقط نشود.

پیامبر(ص) مسلمانان را به فراگیری مناسک حج از ایشان توصیه می‌فرمود^{۵۲} و یادگیری این مناسک را بخشی از دین می‌شمارد «تعلموا مناسککم، فانها من دینکم».^{۵۳} پیامبر اسلام(ص) پیش از حجة الوداع در میان مسلمانان اعلام کردند که هرکس قصد فراگرفتن حج را دارد با رسول خدا همراه شود. آن حضرت در روز هشتم ذیحجه، قبل از اعمال حج، و نیز روز یازدهم در منا، برای حج‌گزاران خطبه خواند و مناسک حج

۴۸. بقره، ۱۹۶.

۴۹. «خدائوندا حج خود را عاری از ریا و سمعه انجام دادم». سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۶۵.

۵۰. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۹.

۵۱. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۲۹۵.

۵۲. کنز العمال، ج ۵، ص ۱۱۶.

۵۳. همان، ص ۲۳؛ الجامع الصغير، ج ۱، ص ۵۱۰.

را به آنان تعلیم داد.^{۵۴}

بنا بر روایات، انبیاء گذشته نیز در پی فراگیری مناسک حج بودند؛ از جمله حضرت ابراهیم(ع) که از خداوند درخواست کرد، مناسک حج را به آن حضرت تعلیم دهد؛^{۵۵} و در پی این درخواست، خداوند جبرئیل را برای تعلیم مناسک به سوی آن حضرت فرستاد.^{۵۶} حضرت آدم(ع) نیز پیش از انجام دادن اعمال حج، مناسک را از جبرئیل آموخت.

۴. تأمین توشه حج:

کسی که عازم سفر حج است، باید پول و دیگر وسائل سفر را به اندازه نیاز و کفایت به همراه بردارد و در صورت امکان با قصد کمک به همسفران بیش از نیاز به همراه داشته باشد.

به نظر برخی مفسران، آیه‌ی ۱۹۷ سوره بقره «و تزودوا فان خیر الزاد التقوی» به تهیه زاد و توشه مادی سفر حج اشاره دارد.^{۵۷} بر اساس شأن نزول این آیه، برخی از حج‌گزاران با تمسک به لزوم توکل به خدا بدون برداشتن توشه عازم سفر حج می‌شدند که این آیه نازل شد.^{۵۸}

۵. گشاده‌دستی:

در سفر حج، گشاده‌دستی در هزینه کردن و سخت نگرفتن بر خود و دیگر همسفران و نیز پرهیز از فریب و دروغ و چانه‌زنی غیرمتعارف به هنگام خرید، توصیه شده است. در روایتی از چانه‌زنی در چند چیز از جمله پول قربانی و اجرت رفتن به مکه نهی شده است.

۵۴. الحج و العمرة فی الكتاب و السنة، ص ۲۴۶.

۵۵. بقره، ۱۲۸.

۵۶. فتح الباری، ج ۶، ص ۲۸۹.

۵۷. مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۵؛ تفسیر قرطبی، ج ۲، ص ۴۱۱.

۵۸. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۸۹-۳۹۰؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۵.



۶. دعا و یاد خدا در سفر حج:

از دیگر آداب حج، خواندن دعا و نماز هنگام خروج از منزل برای سفر حج است.^{۵۹} بنا بر روایات، خواندن دو رکعت نماز، خواندن سوره قدر و آیه الکرسی و نیز دعای مأثور هنگام بیرون آمدن از منزل است و نیز هنگام سوار شدن بر مرکب، دعاهاى مأثور را بخواند و نیز استغفار، تسبیح، تهلیل، تکبیر و صلوات بر محمد و آل محمد را زیاد بر زبان جاری کند.

۷. کاربرد مال حلال:

هزینه و توشه حج، باید از مال حلال و پاک باشد. اگر با مال حرام حج به جا آورد، حج او مقبول نخواهد بود و ثوابی برای او نیست اگر چه فرض را ادا کرده است. در روایات بر رفتن به حج با مال حلال تأکید شده است؛ انس از رسول خدا(ص) روایت کرده است که فرمود: «من حج من مال حلال او من تجارة او میراث لم یخرج من عرفه حتى تغفر ذنوبه و اذا حج من مال حرام فلیبی. قال الرب: لا لیبک و لا سعدیک ثم یلفّ و یضرب بها وجهه».^{۶۰}

اگر کسی جز مال حرام و یا مشکوک ندارد و قصد حج دارد؛ شایسته است که از دیگری قرض کرده به حج برود و بعد از انجام حج بدهی خود را پرداخت نماید.

۸. کسب رضایت صاحبان حق:

از دیگر آداب حج، پرداخت حقوق دیگران پیش از ادای حج است.^{۶۱} بنابراین اگر در گذشته گناهی مرتکب شده که حقوقی از افراد ضایع شده است، توبه و استغفار به تنهایی کافی نیست، بلکه باید حقوق آنان را ادا کند و نگذارد که حق انسانی به ذمه‌اش باقی بماند و یا از آنها طلب عفو و رضایت کند.

۵۹. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۴۱؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۴۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۳۷-۱۴۷.

۶۰. الحج فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشیعة، ص ۴۶۳.

۶۱. الفقه علی مذاهب الاربعة، ص ۸۸۸.

اگر آن کسی که حق او به ذمه‌اش مانده است، از دنیا رفته حق وی را به وارثان اداء کند و اگر وارثی ندارد و یا آنان را نمی‌شناسد از طرف صاحب حق صدقه بدهد تا ذخیره او در روز قیامت باشد.

اگر با تهمت، افترا و یا غیبت، آبروی کسی را ریخته و به او ستم کرده باید این کار خود را افزون بر توبه با اعتراف به خطای خود و طلب حلالیت جبران کند و اگر صاحب حق مرده است برای او دعا و استغفار کند.

سزاوار است از کسانی که با آنها دشمنی داشته و قهر بوده است، طلب عفو و حلالیت کند.

۹. تعجیل در رفتن به حج:

با قطع نظر از حکم فقهی وجوب یا عدم وجوب فوری بودن حج، از جمله آداب حج، تعجیل در حج‌گزاری است.^{۶۲}

بنا بر روایتی، پیامبر اکرم(ص) مسلمانان را به تعجیل در حج فرمان داد.^{۶۳} در روایتی دیگر، حکمت این کار وقوع حوادثی چون بیماری حج‌گزار، یافت نشدن مرکب یا پدید آمدن نیازهای جدید ذکر شده، که ممکن است مانع حج‌گزاردن شود.^{۶۴} «عَجِّلُوا الْخُرُوجَ إِلَى مَكَّةَ، فَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَا يَدْرِي مَا يَعْزُضُ لَهُ مِنْ مَرَضٍ أَوْ حَاجَةٍ».^{۶۵}

۱۰. تودیع و طلب حلیت:

شایسته است حج‌گزار برای خداحافظی و طلب حلالیت، نزد خویشاوندان و دوستان برود و از اعضای خانواده نیز خداحافظی کند و از آنان تقاضای دعای خیر کند؛ آنان نیز به هنگام حرکت او را بدرقه کنند.

در خصوص کسب رضایت و طلب حلیت از والدین، تأکید ویژه‌ای شده است. بر اساس

۶۲. حج و عمره در قرآن و حدیث، ص ۲۶۰.

۶۳. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۱۴.

۶۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۶۲.

۶۵. سنن الکبری، ج ۴، ص ۵۵۵.



روایتی رسول خدا(ص) فرمود: «اذا خرج احدکم الی سفر فلیودّع اخوانه» هرگاه کسی از شما قصد سفر کند، لازم است از برادرانش خداحافظی کند.

۱۱. توبه و استغفار:

لازم است از همه گناهان و مخالفت‌هایی که با فرامین الهی داشته توبه واقعی کند؛ یعنی از انجام دادن گناهان در گذشته پشیمان باشد و قصد و اراده ارتکاب به آنان را در آینده نداشته باشد و اگر واجباتی را ترک کرده باید افزون بر توبه، آنها را جبران کند؛ مثلاً نمازها و روزه‌های قضا شده را ادا کند.

سزاوار است حج‌گزار خود را مانند کسی بداند که در حال احتضار و کوچیدن از دنیا به آخرت است.

۱۲. نوشتن وصیت‌نامه:

شایسته است، مکلف پیش از سفر حج، ضمن رسیدگی به امور مالی وصیت‌نامه‌ای تنظیم کند و مجموعه طلبکاری‌ها و دیونی که امکان پرداخت آنها در حال حاضر نبوده و دیگر توصیه‌های لازم به ورثه را بنویسد و شخص امین و عادل را جهت عمل به وصیت‌نامه، وصی خود قرار دهد.

۱۳. ترک گناه و معصیت:

به نظر برخی فقها و مفسران، مراد از اجتناب از فسق که در آیه ۱۹۷ سوره بقره توصیه شده، پرهیز از هرگونه گناه از جمله دروغ، فحش، تفاخر، لقب بد دادن و خارج شدن از حدود شرعی و ارتکاب گناه است.^{۶۶} «الحج اشهر معلومات فمن فرض فیهن الحج فلا رفث و لا فسوق و لا جدال فی الحج و ما تفعلوا من خیر یعلمه الله».

۱۴. اخلاق نیک و تحمل سختی‌ها در سفر حج:

از دیگر آداب سفر حج، داشتن اخلاق نیک هنگام سفر است. حج‌گزار باید در طول

مدت سفر، بردباری و خوش خلقی خود را هرگز از دست ندهد و از غیظ و غضب و منازعه با همسفران خودداری کند.

نقل شده که پیامبر اکرم(ص) در یکی از سفرهای حج، افراد بداخلاق را از همراه شدن با کاروان نهی کرد.^{۶۷} احادیث متعدد دیگری نیز در این باره روایت شده است.^{۶۸} از دیگر توصیه‌ها به حج‌گزاران، پرهیز از راحت‌طلبی و تحمل کردن سختی‌هاست. امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) یکی از حکمت‌های قرار دادن خانه کعبه را در زمینی سخت، تحمل مشقت بیشتر و استحقاق بالاتر دانسته است.^{۶۹}

۱۵. توجه به اهداف، آثار و اسرار حج:

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تَوَكَّرِجَالاً... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^{۷۰}

مناسک حج دارای اغراض و حکمت‌های مهمی است؛ و نیز برکات و فوائد فراوانی در دنیا و آخرت در پی دارد. در آیهی فوق، غرض از تکلیف به حج، وجود منافع برای انسان‌ها ذکر شده است، که مراد از این منافع، اعم از برکات دنیوی و اخروی است.^{۷۱} توجه به آثار و اسرار حج از سوی حج‌گزار، شرط کمال حج شمرده شده است؛ زیرا در این صورت، مناسک حج را با معرفت و شناخت بیشتری انجام می‌دهد، و بهره‌مندی بیشتری نصیب خود می‌کند. از این رو شایسته است که حج‌گزار با مطالعه و نیز شرکت در کلاس‌های آموزشی هرچه بیشتر با فواید و حکمت‌های حج آشنا شود. برخی از مهمترین اهداف و آثار حج عبارتند از:

الف) آموزش گناهان:

بنابر روایتی، سبب اصلی بنای کعبه، توبهٔ فرزندان آدم و پاکی آنان از گناه است؛

۶۷. مکارم الاخلاق، ص ۲۵۱؛ بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۷۳.

۶۸. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۶-۲۹۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹-۱۳.

۶۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۹۹.

۷۰. حج، ۲۷ و ۲۸.

۷۱. تفسیر قرطبی، ج ۱۰، ص ۱۷۵.



همچنان که خداوند بیت‌المعمور را محلی برای توبه آفرید.^{۷۲} بر اساس روایتی از رسول خدا(ص)، حج‌گزاری که پس از حج به گناه آلوده نشود، مانند نوزادی که از مادر زاییده شده از همه گناهان پاک شده است «من حج لله فلم یرفت و لم یفسق رجع کیوم ولدته امه».^{۷۳}

بر اساس روایتی که ابن‌مسعود از رسول خدا(ص) نقل کرده است، حج و عمره، فقر و گناهان را از بین می‌برند؛ همچنانکه کوره ناخالصی‌های فلزات را از بین می‌برد.^{۷۴} بر پایهٔ روایتی، یکی از مصادیق «منافع» در آیهٔ ۲۸ سوره حج، مغفرت و بخشش الهی است.^{۷۵}

ب) تهذیب نفس و تقوا:

یکی دیگر از اهداف و آثار حج، خودسازی و زدودن رذایل اخلاقی از نفس و تقرّب به خداوند است. در حدیثی از امام علی(ع)، یکی از اغراض عبادت حج، بیرون راندن تکبر از قلوب و جایگزینی خشوع و فروتنی به جای آن ذکر شده است.^{۷۶} به نظر برخی از مؤلفان در آیه ۱۹۷ سوره بقره، تعبیر «لا رفث» به کنترل قوای شهوانی، و عبارت «لا فسوق» به تطهیر قوهٔ غضب، و تعبیر «لا جدال» به تهذیب قوای فکری ناظر است.^{۷۷}

هدف مهم دیگر در تشریح حج که در قرآن بدان تصریح شده، ایجاد ملکه تقوا در انسان است، «الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ... تَزُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ».^{۷۸} افزون بر این، در آیات ۱۸۹ و ۱۹۶ سوره بقره، و ۹۶ سوره مائده نیز این نکته

۷۲. الحج فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشیعة، ص ۹۵.

۷۳. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۵۳، حدیث ۱۴۴۹.

۷۴. سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۵۳، حدیث ۸۰۷.

۷۵. فرهنگنامه اسرار و معارف، ص ۴۰-۴۱.

۷۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۰۱؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷۷. فرهنگنامه اسرار و معارف حج، ص ۴۰-۴۱.

۷۸. بقره، ۱۹۷.

مطرح شده است.

در احادیث هم ضرورت رعایت تقوا از سوی حج‌گزاران از هنگام احرام تا پایان مناسک تأکید گردیده است.^{۷۹}

ج) برپاداشتن دین و تقویت ایمان:

از دیگر اهداف حج، اقامه دین خداوند و تقویت آن است: «جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ». ^{۸۰} در احادیث، تعبیر «قیاماً للناس» در آیه، به اقامه دین تفسیر شده است.^{۸۱}

بر پایه روایاتی دیگر، قیام ذکر الله منوط به حج، طواف، سعی و رمی شده است.^{۸۲}

د) دوری از شیطان و دشمنان خدا(تبری):

از دیگر اهداف حج را باید، دوری از شیاطین جن و انس دانست؛ که مهم‌ترین نماد آن در حج، رمی جمرات است، که حاجیان بدان مکلف‌اند.^{۸۳} برخی احادیث یکی از مصادیق «قضاء تفت» را در آیه ۲۹ سوره حج، رمی جمرات دانسته‌اند.^{۸۴}

موضوع مهم دیگر، دوری از شیاطین انسانی است که با برائت از مشرکان محقق می‌شود و پیامبر اکرم(ص) در آیات نخست سوره توبه، مأمور به اجرای آن در حج شد. بر این اساس، در آیاتی از قرآن، حضرت ابراهیم(ع) و پیامبر عظیم الشان(ص)، مهم‌ترین الگوهای مسلمانان در همه امور، از جمله در عرصه تبری جستن از دشمنان خدا معرفی شده‌اند.^{۸۵}

ه) منافع دنیوی:

از دیگر اهداف حج، بهره‌مندی حج‌گزاران و افراد دیگر از منافع دنیوی و مادی است

۷۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۳۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۹۶.

۸۰. مائده، ۹۷.

۸۱. تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۹۴.

۸۲. مستند احمد، ج ۶، ص ۷۵.

۸۳. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۸۱-۲۸۲.

۸۴. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۳۷۲؛ بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۳۱۲.

۸۵. ممتحنه، ۴؛ احزاب، ۲۱.



که در آیه ۲۸ سوره حج بدان تصریح شده است: «...لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ».

تعبیر منافع در آیه مذکور، که بدون هرگونه قید آمده است، افزون بر منافع اخروی، شامل بهره‌های مادی و دنیوی هم می‌شود؛ و از جمله منافع مادی سفر حج، قربانی است که نصیب حج‌گزاران و فقیران می‌شود.^{۸۶}

بنا بر روایاتی دیگر، حج موجب غنای مادی حج‌گزاران، از میان رفتن فقر و ورشکستگی و نیز موجب سلامتی بدن می‌گردد.^{۸۷}

(و) پاداش اخروی:

از دیگر آثار مهم حج، پاداش بزرگ اخروی است. منافع در آیه ۲۸ سوره حج، اطلاق دارد و منافع اخروی را هم شامل می‌شود.

قرار گرفتن حج‌گزار در زمره پیامبران، صدیقین، شهدا، صالحین و شفاعت، از جمله آثار اخروی حج است.

در پاره‌ای از احادیث، پاداش حج مقبول، نوری دانسته شده که صاحبش را از ظلمت و تاریکی بیرون می‌آورد.^{۸۸}

امام علی(ع) سبب قرار دادن کعبه را در سرزمینی سخت و خشک، گشودن ابواب فضل و عفو الهی بر حج‌گزاران دانست.^{۸۹}

در احادیثی دیگر، به میزان پاداش اخروی حج‌گزار، از جمله هر گامی که او در سفر حج بر می‌دارد، اشاره شده است.^{۹۰}

در حدیثی، حج‌گزاری که همه گناهان او بخشوده شده باشد و خدا او را از عذاب محفوظ دارد، بهره‌مندتر از دیگر حج‌گزاران شمرده شده است.^{۹۱}

۸۶. حج، ۲۸ و ۳۶.

۸۷. الحج فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشيعة، ج ۱، ص ۶۱.

۸۸. کنز العمال، ج ۱۵، ص ۹۲۶.

۸۹. نهج البلاغة، خطبه ۱۹۲؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۹۹.

۹۰. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۴.

۹۱. الحج فی الاحادیث المشتركة بین السنة و الشيعة، ج ۱، ص ۵۰.

● پرسش:

۱. استخاره به چه معناست؟
۲. اهمیت فراگیری مناسک حج را توضیح دهید.
۳. برداشتن توشه حج از کدام آیه قابل استفاده است؟
۴. گشاده‌دستی در سفر حج به چه معناست؟
۵. آداب مقدماتی سفر حج کدام است؟ (حداقل ۱۰ مورد)
۶. برخی از اسرار و اهداف حج را توضیح دهید.

درس سوم: شرایط حج

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- چهار اصطلاح شرط وجوب، شرط اداء، شرط صحت و شرط وقوع در فقه و به تبع آن در حج.
- ۲- شرایط وجوب حج، که عبارتند از اسلام، بلوغ، حریت، و استطاعت.
- ۳- این که چرا در مواردی حج واجب می‌شود بدون آن که مکلف قدرت مباشرت داشته باشد.
- ۴- اینکه برخی از شرایط وجوب، شرط صحت نیز به شمار می‌آید.

۱. حجه الاسلام

«فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مِّمَّا يُبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ».^{۹۲}

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ».^{۹۳}

بنا بر تصریح آیات قرآن و روایت فراوان، بر هر مسلمانی واجب است که در طول عمر خویش، با حصول شرایطی که بیان خواهد شد فقط یکبار به حج برود؛ چرا که این واجب الهی از چنان جامعیتی برخوردار است که دیگر نیاز به تکرار آن نیست؛ و اگر کسی توفیق یابد این تکلیف الهی را به درستی انجام دهد، در همان یکبار آن قدر می‌تواند توشه بردارد که سعادت دنیا و آخرت او را تضمین کند، ولی انجام مکرر آن نیز بسیار استحباب دارد و بدان تأکید فراوان شده است.

• اصطلاحات بکار رفته در شرایط حج عبارتند از:

- شرایط وجوب
- شرایط اداء
- شرایط صحت
- شرایط وقوع

۱- **شرایط وجوب:** شروطی است که واجب شدن حجة الاسلام موكول به تحقق آنهاست؛ یعنی باید همه‌ی آن شروط موجود باشد تا حج واجب شود و در صورت فقدان هر یک از شروط، حج بر مکلف واجب نخواهد شد؛ بنابراین نایب گرفتن و وصی قرار دادن در انجام حج نیز بدون وجه خواهد بود.

۹۲. در آنجاست آیات روشن و مقام ابراهیم و هر که بدان داخل شود ایمن است، برای خدا، حج آن خانه بر کسانی که قدرت رفتن به آن را داشته باشند واجب است و هر که راه کفر پیش گیرد، بداند که خدا از جهانیان بی نیاز است. آل عمران، ۹۷.

۹۳. و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سوار بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می‌آیند به سوی تو روی آورند. حج، ۲۷.



- ۲- **شرائط اداء:** شروطی است که مباشرت و اقدام مکلف بر انجام حج، منوط به تحقق آنهاست؛ به تعبیر دیگر شرط اداء هر شرطی است که در اصل واجب شدن حج هیچگونه دخالتی ندارد، لکن به جا آوردن حج به صورت مباشرتی بر آن متوقف است؛ بنابراین اگر شرایط اداء حج برای کسی فراهم شود، اداء حج باید توسط خود او انجام شود و فرستادن نایب یا وصیت صحیح نمی باشد.
- اگر برای مکلفی پس از تحقق شرایط وجوب حج، شرایط اداء آن هیچگاه فراهم نشد، بر او واجب است نایب بگیرد یا وصیت کند و مرتکب معصیتی هم نشده است؛ اما در صورتی که شرایط اداء محقق شود و مکلف به خاطر سهل انگاری سفر حج را به تأخیر بیندازد تا اینکه شروط اداء از او منتفی شود، در این زمان معصیت نموده و باید برای اداء حج نایب بگیرد یا وصیت کند.
- در اینکه برخی از شروط از شرایط وجوب حج است یا از شرایط اداء، فقیهان اختلاف نظر دارند که توضیح آن در ادامه می آید.
- ۳- **شرائط صحت:** شروطی است که صحیح بودن حج متوقف بر آن باشد، و شرایط صحت منوط به اصل وجوب حج نیست، بنابراین شخصی که شرایط وجوب حج را ندارد، اما شرایط صحت حج را داشته باشد، حج او صحیح بوده و برایش استحباب دارد.
- برخی از شرایط صحت حج، با شرایط وجوب حج اشتراک دارد.
- ۴- **شرائط وقوع حجة الاسلام:** شروطی است که وقوع حجة الاسلام و ساقط شدن آن از ذمه مکلف، منوط به حصول آنها باشد.
- باید توجه داشت که شرایط وقوع، غیر از شرایط وجوب و صحت حج است؛ بنابراین ممکن است حجتی صحیح باشد اما بخاطر کامل نبودن شرائط وقوع، کفایت از حجة الاسلام نکند، مانند به جا آوردن حج توسط کودک که بر او واجب نیست، ولی صحیح می باشد و ثواب دارد، ولی کفایت از حجة الاسلام نمی کند و بعد از بلوغ باید دوباره حج به جا آورد؛ چرا که بلوغ، شرط وقوع می باشد.

چنانچه شخصی همه‌ی شرائط وقوع حج را دارد، حتی اگر شرایط وجوب حج برای او محقق نشده باشد، حجی که به‌جا می‌آورد کفایت از حجة الاسلام خواهد کرد مانند فقیری که شرایط وجوب حج را ندارد اما حج او کفایت از حجة الاسلام می‌کند، چراکه استطاعت، شرط وقوع حجة الاسلام نمی‌باشد.

۱. شرایط وجوب حج:

۱- اسلام: نخستین شرط از شرایط وجوب حج، داشتن اسلام واقعی و باطنی است؛ از این روی بر شخص کافر اعم از حربی و ذمی و منافق^{۹۴} حج واجب نمی‌شود. افزون بر اینکه اسلام، شرط وجوب است، شرط صحت حج نیز می‌باشد؛ بنابراین اگر کافر یا منافقی حج به‌جا آورند و بعد از آن اسلام را بپذیرند در صورت استطاعت باید دوباره حج به‌جا آورده و حج قبلی آنان صحیح نمی‌باشد.

۲- بلوغ: از شرایط وجوب حج بلوغ (گذر از مرحله کودکی و رسیدن به سن بلوغ)^{۹۵} است، از این رو حج بر کودکان واجب نمی‌باشد.

حج کودک غیر بالغ صحیح است و دارای پاداش و ثواب می‌باشد؛ چرا که بلوغ از شرایط صحت حج محسوب نمی‌شود؛ با این حال کودک حج‌گزار، پس از بلوغ، در صورت استطاعت باید حج به‌جا آورد و حج زمان کودکی، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند؛ زیرا بلوغ افزون بر اینکه شرط وجوب است شرط وقوع نیز می‌باشد.

حج‌گزاری و عمره‌گزاری کودکان ممیز و غیر ممیز شرایطی دارد که در درس حج و عمره بانوان و کودکان به این موضوع پرداخته می‌شود.

۹۴. منافق: من یظهر الایمان و یبطن الکفر.

۹۵. بلوغ مرحله‌ای از رشد انسان است که باعث گذار از کودکی و رسیدن به بزرگسالی می‌شود. سن بلوغ در دختران و پسران متفاوت است که در کتب فقهی جزئیات آن بیان شده است.



۳- **عقل:** از جمله شرایط وجوب حج، داشتن عقل است،^{۹۶} و بر دیوانه حج واجب نیست؛ ولی اگر دیوانه توانایی نیت احرام و تلفظ تلبیه را داشت، در این صورت حج او صحیح است و ثواب دارد.

اشخاص کم‌عقلی که تعادل روحی لازم را نداشته و گاهی همانند عقلاء و گاهی به شیوهی دیوانگان سخن می‌گویند، و درعین حال ضرب و شتم نمی‌کنند و کارهایشان بدون ارداد نیست^{۹۷} در حکم دیوانه می‌باشند. شخص سفیه در حکم عاقل می‌باشد.

از آنجایی که عقل، شرط وقوع حج نیز می‌باشد، در صورتیکه دیوانه پس از اداء حج، سلامتی خود را باز یابد و مستطیع شود، لازم است حجة الاسلام خود را دوباره انجام دهد.

۴- **حریت (عبد نباشد):** از شرایط وجوب حج، حریت است؛ یعنی شخص مکلف عبد و مملوک^{۹۸} نباشد. از این روی اگر عبدی با اجازه مولی حج به‌جا آورد، حج او صحیح است و ثواب دارد لکن کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند و اگر زمانی آزاد شد و شرایط وجوب حج را داشت، باید مجدد حج به‌جا آورد؛ زیرا حریت شرط وقوع هم می‌باشد.

۵- **استطاعت:** یکی از مهمترین شرایط وجوب حج استطاعت است که از اختصاصات این واجب الهی محسوب می‌شود، و در قرآن هم بدان تصریح شده است «لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً»^{۹۹}.

استطاعت بر دو گونه است:

الف) مالی: منظور از استطاعت مالی یعنی:

۹۶. العاقل من یستقیم کلامه و افعاله الا نادراً.

۹۷. به این شخص در اصطلاح فقهی معنوه گفته می‌شود.

۹۸. در عبد بودن تفاوتی بین اقسام آن نمی‌باشد (سواء كان قنّاً او مکاتباً او مدبراً او ام ولد).

۹۹. آل‌عمران، ۹۷.

- ۱- دارا بودن تمام هزینه‌های رفت و برگشت سفر؛
- ۲- داشتن راحله (وسیله سواری)؛
- ۳- دارا بودن ضروریات زندگی از قبیل مسکن، لوازم منزل، پوشاک و...؛
- ۴- دارا بودن شغل یا راه درآمدی که پس از بازگشت از سفر حج، در زندگی خود دچار سختی و مشقت نشود.

استطاعت مالی فقط از شرایط وجوب حج است، و شرط صحت و شرط وقوع نمی‌باشد، بنابراین اگر فقیر غیر مستطیعی با زحمت و تکلف حج به جا آورد حج او صحیح است و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

شخص مستطیع اگر پول ندارد ولی ملک دارد، باید آن را بفروشد و به حج برود حتی اگر به قیمت اندکی از او خریداری کنند مگر آنکه فروش زیر قیمت موجب حرج یا مشقت او شود.

اگر انسان شک کند مالی که دارد به اندازه استطاعت است یا نه، احتیاط آن است که تحقیق کند.

زنی که خودش مخارج سفرش را دارد، مستطیع است و باید به حج برود هر چند شوهرش برای مخارج زندگی به زحمت می‌افتد؛ چرا که به زحمت افتادن شوهر مانع استطاعت زن نمی‌شود.

زنی که مهریه‌اش به مقدار مخارج حج یا بیشتر از آن است، ولی شوهرش قدرت پرداخت آن را ندارد مستطیع نیست.

ب) زمانی: یعنی داشتن زمان کافی برای عزیمت به مکه و انجام مناسک حج در زمان مشخص آن؛ که عبارت است از ماه شوال و ذیقعد و دهه‌ی اول ذیحجه؛ بنابراین اگر پس از استطاعت مالی، زمان کافی برای رسیدن به اعمال حج را ندارد، حج بر او واجب نمی‌شود.

۲. شرایط اداء حج:

- ۱- سلامت جسمانی: یکی از شرایط واجب شدن اداء حج، داشتن توان و قدرت



جسمانی بر پیمودن این سفر است؛ بنابراین شخص نابینا، زمین گیر، فلج، بیمار و کهنسالی که سفر برای او موجب حرج باشد، اداء حج بنفسه برای او واجب نیست و باید نایب بگیرد یا وصیت کند.

برخی این شرط را با عنوان استطاعت بدنی از شرایط وجوب حج شمرده‌اند که در این صورت حج بر کسانی که توانائی بدنی ندارند اساساً واجب نمی‌شود و به تبع عدم وجوب، نیابت و وصیت هم لازم نیست.

۲- **امنیت طریق:** از دیگر شرایط اداء حج، باز بودن راه و داشتن امنیت لازم برای انجام دادن حج است؛ بنابراین اگر راه بسته باشد یا امنیت نداشته باشد اداء حج بر او واجب نیست.^{۱۰۰}

برخی امنیت طریق را با عنوان استطاعت طریقی از شرایط وجوب حج شمرده‌اند.

۳- **جواز خروج:** از دیگر شرایط وجوب اداء حج، این است که شخص مکلف برای خروج منعی نداشته باشد؛ مانند زندانی و کسی که ممنوع الخروج است.

۴- **همراه بودن یکی از محارم یا همسر:** یکی از شرائط اداء حج که مختص به بانوان است، همراهی یکی از محارم و یا همسر وی می‌باشد.

مراد از محارم یعنی هر مرد عاقل بالغی که ازدواج آن زن با او حرمت ابدی داشته باشد؛ و تفاوتی ندارد که محرمیت از طریق خویشاوندی یا شیردهی (رضاعه) باشد و یا سببی باشد مانند داماد.

زن برای همراه شدن محارم و همسر نمی‌تواند آنان را اجبار کند. همچنین بر خویشاوندان همراهی با وی واجب نیست.

هزینه‌ی سفر همراه برعهده‌ی زن می‌باشد.

۵- **در عده نباشد:** از دیگر شرایط مخصوص بانوان برای اداء حج، این است که

۱۰۰. ملاک در امنیت طریق، در نظر گرفتن غالب است؛ لذا اگر راهی غالباً همراه با امنیت و سلامت بود اداء حج واجب می‌شود؛ حتی اگر

گاهی هلاکت و ناامنی در پی دارد.

هنگام حرکت کاروان در عده‌ی وفات یا طلاق نباشد.

۳. شرایط صحت حج

۱ و ۲- اسلام - عقل: این دو مورد با شرایط وجوب حج مشترک بوده و توضیح آن بیان شد.

۳- زمان: یعنی علاوه بر لزوم انجام همه‌ی اعمال در ماه‌های مخصوص حج، باید یکایک مناسک حج مانند وقوف، بیتوته، حلق، قربانی و... را در زمان معین خودش انجام دهد؛ مثلاً نمی‌تواند قبل از روز عرفه در عرفات وقوف کند.

۴- مکان: یعنی حضور در مکان‌هایی که مناسک حج باید در آنجا باشد؛ از قبیل حضور در مطاف، مسعی، عرفات، مزدلفه، و منا.

۵- احرام: نخستین عمل و ورودی حج و عمره است که بدون مُحرم شدن حج و عمره‌ای محقق نخواهد شد؛ همانگونه که نمازی بدون طهارت وجود ندارد.

۶- تمییز: کسی که مناسک حج را به‌جا می‌آورد لزومی ندارد بالغ باشد و همین که ممیز^{۱۰۱} باشد کفایت می‌کند. در صورتیکه به حد تمییز نرسیده است، ولیّ کودک بر تن او لباس احرام می‌پوشاند و از طرف او نیت و تلبیه می‌گوید، و او را به طواف و سعی می‌برد و مویش را تقصیر یا حلق می‌کند.

۷- مباشرت در اعمال (در صورت عدم عذر): در انجام شماری از مناسک حج مانند طواف و نماز طواف، نمی‌تواند نایب بگیرد و مباشرت شرط صحت آن است بنابراین باید خودش شخصاً آن را انجام دهد.

۸- عدم جماع: پرهیز از ارتکاب آمیزش جنسی قبل از وقوف به عرفات شرط صحت حج است، و در صورت ارتکاب، حج او باطل می‌شود؛ با این حال باید حج خود را تمام کند و سال آینده آن را قضا کند.

۱۰۱. به شخصی ممیز گفته می‌شود که خوب و بد خود را تشخیص دهد.



۴. شرائط وقوع حجه الاسلام:

۱- اسلام

۲- عقل

۳- بلوغ

۴- حریت

۵- مباشرت در اعمال در صورت قدرت

۶- عدم نیت استحباب

شخصی که استطاعت مالی ندارد و رفتن حج بر او واجب نیست چنانچه به نیت حج مستحبی حج برود در این صورت حج او کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

۷- نیت نیابت نکند

چنانچه نیت نیابت از دیگری کند حجی که به‌جا می‌آورد کفایت از حجة الاسلام خودش نخواهد کرد.

۸- عدم جماع قبل از وقوف در عرفات

● پرسش:

- ۱- تفاوت شرط وجوب و شرط صحت را بیان کنید؟
- ۲- اگر (سلامت جسمانی) را از شرایط وجوب حج دانستیم ثمره‌ی آن چیست؟
- ۳- اقسام استطاعت را توضیح دهید؟
- ۴- شروط وجوب حج را بیان کنید؟
- ۵- چرا حج کودک و دیوانه از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند ولی حج فقیر کفایت می‌کند، توضیح دهید؟
- ۶- چرا حج کودک و دیوانه ثواب دارد، ولی حج منافق یا کافر هیچ اثری ندارد؟

درس چهارم: احرام

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- تعریف لغوی و اصطلاحی احرام و تحقق آن با پوشیدن جامه احرام، نیت، تلبیه
- ۲- مستحبات و مکروهات احرام
- ۳- تفاوت لباس احرام زن و مرد و بیان محرمات مشترک و مختص هر کدام
- ۴- هرآنچه به سبب احرام باید از آنها پرهیز نمود
- ۵- احرام بستن کودکان



احرام، نخستین عمل از مناسک عمره و حج و از مهمترین واجبات و ارکان عمره و حج محسوب می‌شود.

تعریف احرام:

احرام در لغت به معنای منع کردن و بازداشتن و در آمدن به حریمی که هتک حرمت آن روا نیست می‌باشد؛ مانند ورود به حرم یا ماه حرام؛ و در اصطلاح به معنای ورود به اعمال عمره و حج، با نیت حج یا عمره و گفتن تلبیه است.

ورود به حج و عمره را از آن رو احرام گفته‌اند، که شخص محرم برخی کارهایی که پیش‌تر بر وی حلال بوده یا کارهایی که با اعمال حج و عمره ناسازگار است را بر خود حرام می‌کند.

احرام بستن مشتمل است بر:

۱- پوشیدن جامه احرام

۲- نیت حج یا عمره یا هر دو (در حج قران)

۳- تلبیه گفتن

۱. واجبات احرام:

۱. پوشیدن جامه احرام:

زائر مهمان خداست و در مهمانی خداوند نمی‌تواند به دلخواه خود لباس بپوشد؛ بلکه باید لباس شهرت و مقام و لباس تفاخر و معصیت را از تن بدر کند و لباس طاعت و بندگی که انسان را متوجه کفن و قبر و قیامت می‌کند بپوشد.

جامه احرام برای مردان و زنان متفاوت است؛ از این روی توضیحات آن جداگانه ارائه

می‌شود:

الف) لباس احرام آقایان:

مردها باید تمام لباس‌های دوخته حتی لباس زیر و کوچک و جوراب و کلاه را از تن بیرون آورند و دو پارچه غیر دوخته و پاک را بر تن کنند؛ که یکی را مانند لنگ بر کمر



ببندند که بدان اِزار گفته می‌شود و دیگری را بر شانه‌ها اندازند که بدان رداء گفته می‌شود.

بهتر است لباس احرام دو تکه باشد و همچنین سفید و نو و یا تمیز باشد؛ اگرچه با یک تکه و یا سه تکه و همچنین با پارچه‌های رنگی و کثیف نیز احرام بستن جایز است. کفش محرم باید طوری باشد که بر آمدگی روی پاها پوشیده نشود. پوشاندن تمام سر یا بعضی از آن بوسیله عمامه یا هرچه که پوشاننده به حساب آید، چه دوخته باشد، چه غیر دوخته، جایز نیست؛ اما استفاده از سایه‌بان یا چتر اشکال ندارد.

اضطباع نکند (بیرون آوردن شانه‌ی راست از زیر لباس احرام)؛ هنگام بستن احرام اضطباع می‌کنند، درحالی‌که این کار از هنگام احرام سنت نمی‌باشد و فقط در زمان طواف سنت است.

در پوشیدن لباس احرام می‌تواند پارچه‌ی دور کمرش را با گره سفت کند و یا با طناب یا کمر بند آن را ببندد، این کار موجب فدیة نمی‌شود؛ اگرچه بهتر است آن را ترک کند. در مورد گره زدن پارچه‌ای که بر روی دوش است اختلاف است. در لباس احرام باید رعایت شود هر آنچه در لباس مصلی شرط است؛ از قبیل اینکه حریر خالص نباشد، از اجزاء حیوان حرام گوشت در آن نباشد، طلا کاری نباشد، طاهر باشد و غصبی نباشد.

در اِزار معتبر است که بدن را از روی ناف تا زیر زانو بپوشاند. احوط آن است که پوشیدن لباس احرام قبل از نیت و گفتن تلبیه باشد.

ب) بانوان:

خانم‌ها برای احرام بستن می‌توانند لباس دوخته بپوشند، که بهتر است سفید و تمیز باشد. پوشاندن صورت بر خانم‌ها حرام است و اگر برقع (رو بند) دارند طوری باشد که رو بند با پوست صورت آنها تماس نداشته باشد و با فاصله‌ای بالای صورت قرار گیرد. بر خانم‌ها پوشاندن پاها واجب است؛ بنابراین استفاده از جوراب و کفش مانعی ندارد. استفاده از زیور آلات برای زنان مانعی ندارد.

پوشیدن دستکش در فقه حنفی برای زنان مانعی ندارد، اما در فقه شافعی طبق قول اصح جایز نیست.

حالت حیض و نفاس مانع محرم شدن نیست و زن حائض تمام مناسک حج را باید انجام دهد. فقط طواف و نماز طواف را ترک کند، تلبیه را آهسته ادا و وارد مسجد نشود.

۲. نیت:

اموری که در نیت احرام معتبر است عبارتند از:

الف) قصد قربت:

محرم شدن، مانند نماز و وضو واجبی عبادی است، از این روی در شکل‌گیری آن قصد قربت شرط می‌باشد.

در تحقق نیت، لازم نیست قصد قربت را بر زبان جاری کند و همینکه بداند آنچه انجام می‌دهد برای خشنودی خداوند است و قصد ریاء و سمعه ندارد، کفایت می‌کند.

ب) همزمانی نیت با تلبیه:

با صرف نیت احرام، کسی محرم نمی‌شود و فایده‌ای در پی ندارد، از این رو، لازم است نیت همزمان با افعال احرام، از قبیل تلبیه گفتن باشد.^{۱۰۲}

ج) توجه اجمالی به متعلق نیت:

در هنگام نیت، افزون بر قصد قربت، نوع حج و یا عمره‌ی خود را مشخص کند؛ مثلاً اجمالاً بداند که برای انجام مناسک حج یا عمره محرم می‌شود.

در صورتیکه اجمالاً هم نداند برای چه محرم می‌شود، نیت او کالعدم است و فایده‌ای ندارد.

در نیت، صرف اراده‌ی قلبی کفایت می‌کند ولی بهتر است بر زبان نیز جاری کند و لازم نیست به زبان عربی باشد، بنابراین اگر نیت عمره دارد بگوید.

برخی احکام نیت:

۱۰۲. ابو حنیفه: لا ینعقد بمجرد النية حتى یضاف إليها التلبیه.



شخصی که بصورت نامشخص نیت احرام کرده و عمره یا حج را تعیین نکرده است، احرام او صحیح است و اگر این احرام در غیر ماه‌های حج باشد، احرام او برای عمره محسوب می‌شود و اگر ماه‌های حج بود، می‌تواند هر کدام از حج یا عمره را که خواست اختیار کند.

اگر شخصی که قصد تعیین نکرده است، شروع به طواف کند در این زمان احرام او عمره محسوب می‌شود و اگر قبل از طواف وقوف در عرفه کرد احرام او حج محسوب می‌شود.

اگر شخصی به نیت مطلق حج احرام ببندد و وجوب یا استحباب آن را تعیین نکند، احرام او واجب محسوب می‌شود.

اگر به گمان اینکه بر او حج واجب است، (مثلاً گمان کند نذر کرده یا حجة الاسلام بر ذمه اوست) به نیت حج محرم شود، لکن بعد از آن خلافتش ثابت شود، بر او واجب است حجتش را به اتمام رساند و اگر حجتش باطل شد واجب است قضاء آن را نیز به جا آورد. اگر شخصی بعد از احرام نیت خود را فراموش کرد و ندانست کدامیک از حج یا عمره یا قران را نیت کرده و گمان او به هیچ کدام رجحان نیافت، در این زمان از جهت احتیاط واجب است نیت قران کند.

۳. تلبیه یا بدل آن:

گفتن تلبیه^{۱۰۳} در احرام حج و عمره واجب است و بدون آن احرام صحیح نخواهد بود، به عبارت واضح‌تر گفتن تلبیه در احرام مانند تکبیره الاحرام در نماز می‌باشد. تلبیه‌ای که از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده است و بین تمام فرق اسلامی مشترک بوده این چنین است: «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

۱۰۳. تلبیه یعنی گفتن لبیک و کلمه «لَبَّيْكَ» یعنی اجابت کردن از روی محبت و اشتیاق به دعوت کسی که تو را فراخوانده است.

برخی احکام تلبیه:

واجبات تلبیه:

شرط درستی تلبیه، جاری کردن آن بر زبان است؛ بنابراین اگر در دل بگویند اعتبار ندارد.

گفتن تلبیه تنها یک مرتبه، آن هم هنگام بستن احرام واجب است. در تحقق تلبیه هرگونه ذکر که شامل تعظیم پروردگار باشد؛ مانند تسبیح و تهلیل و تحمید و... و به هر زبانی که باشد؛ عربی، فارسی، ترکی و... کفایت می‌کند؛ هر چند گفتن همان الفاظ مأثور، سنت است و کاستن از آن کراهت دارد.

مستحبات و آداب تلبیه:

تکرار هر چه بیشتر تلبیه، سنت است و استحباب دارد، و در هنگام پیش آمدن حالات جدید مثل صبح شدن و شب شدن، ورود و خروج، بالا رفتن از بلندی و پایین آمدن از آن، ایستادن و نشستن، سوار شدن و پیاده شدن، راه رفتن و توقف کردن، ملاقات افراد و مفارقت از آنان، هنگام مواجه شدن با سایر کاروان‌ها، بعد از هر نماز مستحب یا واجب و... استحبابش مؤکد است.

افزودن در اول و آخر تلبیه با الفاظی که مأثور باشد مستحب است؛ مانند این جمله «اله الخلق لیبک» و یا «لیبک، لیبک و سعیدک و الخیر بیدک و الرغباء الیک و العمل» افزودن اذکار غیر مأثور نیز جایز است هر چند استحباب ندارد.

بهتر آن است که تلبیه بصورت جهری اداء شود و بر مردان مستحب است با صدای بلند تلبیه بگویند؛ ولی زیاد غوغا کردن و صدا را بیش از حد متعارف بلند کردن خصوصاً در مسجد، شایسته نیست.

بر خانم‌ها واجب است در حضور مردان تلبیه را آهسته بگویند.

مستحب است هرگاه تلبیه می‌گویند سه مرتبه پشت سر هم ذکر را تکرار کند، و در خلال آن با کسی حرف نزند، و به دیگران سلام هم نکند، چراکه در این حال مکروه است، ولی اگر کسی سلام کرد جوابش واجب است.



مستحب است بعد از هر نوبت گفتن تلبیه، بر پیغمبر(ص) صلوات بفرستد و هر چه می‌خواهد دعا کند، ولی دعای مأثور اینچنین است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ غَضَبِكَ وَالنَّارِ».^{۱۰۴}

کسی که برای عمره احرام بسته است، با دیدن خانه خدا و یا شروع طواف، تلبیه را ترک کند، و کسی که برای حج احرام بسته، با شروع رمی جمرات، تلبیه را ترک کند.

۲. مستحبات احرام:

آنچه در احرام استحباب دارد عبارت است از:

۱- شستشو و تمیز کردن بدن قبل از احرام، گرفتن ناخن‌ها، کوتاه کردن شارب، ازاله موهای زائد بدن.

۲- غسل کردن و یا وضو گرفتن در میقات قبل از احرام؛ هر چند غسل کردن بهتر است.

۳- خوشبو کردن بدن با عطر؛ هرچند استفاده از مشک بهتر است ولی به گونه‌ای استفاده کند که جرم آن بر لباس احرام نماند.

۴- مستحب است دو رکعت نماز احرام به‌جا آورد و در رکعت اول قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم قل هو الله بخواند.

۵- مستحب است هنگامی که نماز احرام را سلام داد، در همان حالتی که رو به قبله نشسته است، قبل از آنکه بایستد، نیت احرام خود را بر زبان آورد؛ بنابراین اگر نیت عمره دارد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي».

و اگر نیت حج افراد دارد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ فَيَسِّرْهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي»

و اگر نیت حج قرآن دارد بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ وَالْحَجَّ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي»

و اگر نیت حج یا عمره‌ی نیابتی دارد، بگوید از طرف فلانی آن را انجام می‌دهم.

۳. مکروهات احرام:

آنچه در احرام کراهت دارد عبارت است از:

- ۱- احرام بستن با لباس چرکین، لباس سیاه و یا لباس مخطط (راه راه).
- ۲- حمام رفتن در حالت احرام.
- ۳- شستن سر بوسیله چیزهایی که تمییز کننده باشد؛ مانند سدر ختمی شامپوی بی بو البته بی آنکه مویی کنده شود.
- ۴- شانه زدن موی سر و ریش.
- ۵- خاراندن بدن.
- ۶- انداختن عبا یا قبا یا لباده و یا هرگونه ردائی بر دوش، بدون آنکه دست در آستین آن‌ها بکند.
- ۷- گره زدن إزار و رداء به یکدیگر و همچنین سفت کردن آن‌ها با استفاده از طناب یا کمر بند و ...
- ۸- بخور دادن لباس احرام (بعد از محرم شدن) به گلاب و هر آنچه موجب خوش بویی آن شود.
- ۹- بوئیدن هر آنچه خوش بو است؛ مانند گل‌ها، سبزی‌ها، میوه‌ها، غذاها و ... و همچنین لمس کردن آن‌ها. البته در صورتی که ذره‌ای از آن‌ها بر بدن نچسبد؛ زیرا اگر بر بدن بماند استعمال طیب محسوب می‌شود و حرام است.
- ۱۰- بستن بدون دلیل جایی از بدن (بغیر از سر)؛ مثلاً شکم یا کمر یا پای خود را با چیزی ببندد. اما در صورت عذر کراهت ندارد. بستن سر و یا صورت از محرمات است.
- ۱۱- با تمام صورت بر بالشت خوابیدن، ولی خوابیدن بر گونه‌ها کراهت ندارد.
- ۱۲- رفتن به زیر پرده‌ی کعبه، در صورتیکه به سر یا صورت اصابت می‌کند.
- ۱۳- نوشیدن و خوردن هر خوراکی خوش بویی که پخته شده نباشد؛ مانند زعفران ولی غذای پخته شده کراهت ندارد.



۱۴- محرم شدن قبل از ماه‌های حج؛ در صورتیکه توان بر ترک محرمات احرام را داشته باشد.

۱۵- ترک هر کدام از سنت‌های احرام؛ مانند احرام بستن بدون غسل یا وضوء.

۴. محرمات احرام

کسی که زائر بیت‌الله است، پس از آنکه در میقات احرام بست، لازم است تا پایان اعمال حج و عمره از کارهایی که خداوند بر محرم حرام کرده، پرهیز کند. از میان محرمات احرام، تنها آمیزش پیش از وقوف عرفات در حج و پیش از طواف در عمره، حج و عمره را فاسد می‌کند ولی سایر محرمات با کفاره جبران می‌شود. از مجموع کارهای حرام در حالت احرام، بعضی از آنان مختص مردان و بعضی مختص زنان و بعضی دیگر میان آن دو مشترک است.

• الف) محرمات مشترک:

- ۱- به تأخیر انداختن احرام از میقات.
- ۲- استعمال عطریات؛ هرگونه که باشد.
- ۳- رفت^{۱۰۵}: بحث و گفتگوی آمیزش با زنان و هر آنچه مربوط به این موضوع باشد.
- ۴- فسوق: یعنی تمام معاصی مانند استمناء و... چراکه در حال احرام قبیح‌تر است.
- ۵- جدال: یعنی نزاع‌های ناپسند و سخنی که ناراحتی طرف مقابل را در پی دارد.
- ۶- آمیزش و مقدمات آن مانند بوسه و لمس.
- ۷- مالیدن روغن بر بدن.
- ۸- سرمه کشیدن (در صورتیکه معطر باشد).
- ۹- کوتاه کردن و زدودن موی بدن خود یا دیگران از هر کجای بدن که باشد.

۱۰۵. رفت، طبق صریح آیه قرآن حرام است و چند معنا دارد؛ ۱- جماع؛ ۲- صحبت از آنچه مربوط به جماع است؛ ۳- هر کلام فحش و باطل.



- ۱۰- گرفتن ناخن.
- ۱۱- حنا زدن موی سر یا ریش و یا سایر اعضای بدن.
- ۱۲- کشتن جانورانی که در بدن ساکن می‌شوند (مانند شپش و کنه) به هر روشی که تصور شود، توسط خودش یا درخواست از دیگران.
- ۱۳- کشتن و گرفتن ملخ و امثال آن.
- ۱۴- شکار حیوانات صحرائی و همکاری با شکارچی؛ مثلاً ننگه داشتن شکار او یا راهنمایی شکارچی به شکار.
- ۱۵- کندن درخت و یا گیاهی که در محدوده حرم روئیده باشد، برای محرم و غیر محرم عمومیت دارد.
- ۱۶- کندن مو و یا پَر و همچنین دوشیدن شیر و شکستن تخم حیوان.
- ۱۷- طبخ کردن شکار و همچنین خرید و فروش آن.

• (ب) محرمات اختصاصی مردان:

- ۱- پوشیدن هرگونه لباس دوخته.
- ۲- پوشیدن چیزی که روی پا را بگیرد.
- ۳- پوشاندن سر با عمامه، کلاه و

• (ج) محرمات اختصاصی زنان:

فقط پوشاندن روی خود با نقاب و روبنده. البته در صورت ضرورت و جلوگیری از نگاه نامحرمان می‌تواند بصورت موقت از نقابی که با صورت فاصله دارد استفاده کند و سپس آن را بردارد.

۵. مباحات احرام:

مباحات یعنی تمام اعمالی که انجام و ترک آن برابر است و غیر از آنچه در واجبات و محرمات و مستحبات و مکروهات بیان شد، بقیه‌ی افعال مباح محسوب می‌شوند و از جهت نمونه به برخی از موارد آن که اختلافی است اشاره شده است:



- ۱- غسل کردن و یا فرو رفتن در آب.
- ۲- ازدواج کردن، بر خلاف شافعی که حرام می‌داند.
- ۳- ذبح شتر، گاو، گوسفند و مرغ و هر حیوان اهلی بر خلاف حیوانات وحشی که صید محسوب می‌شود.
- ۴- استفاده از انگشتر اگر به نیت خاص آن باشد.
- ۵- به کمر بستن هر نوع سلاحی.
- ۶- رفتن به زیر سایه؛ مانند رفتن به زیر سقف خانه یا زیر خیمه یا هرگونه سایبانی.
- ۷- سرمه کشیدن با آنچه معطر نباشد.
- ۸- نگاه در آینه.
- ۹- مسواک کردن.
- ۱۰- کشیدن دندان.
- ۱۱- گرفتن ناخن شکسته.
- ۱۲- فصد و حجامت بی آنکه مویی قطع شود.
- ۱۳- گرفتن دست‌ها بر روی سر؛ چرا که مانند کلاه حکم سائر را ندارد.
- ۱۴- خوردن آنچه که شخص غیرمحرّم شکار کرده است.
- ۱۵- خوردن غذای معطری که حرارت دیده است.
- ۱۶- بریدن درخت‌هایی که خارج از حرم است.
- ۱۷- کشتن حیوانات موذی مانند پشه، مگس، مار و عقرب.
- ۱۸- خاراندن سر با روی انگشتان در صورت کنده نشدن مو هر چند شدید باشد.

● پرسش:

- ۱- واجبات احرام را بیان کنید؟
- ۲- مراد از محرمات احرام چیست؟ چند نمونه از آن را نام ببرید.
- ۳- محرم شدن کودک نابالغ را تشریح کنید.
- ۴- هر کدام از موارد ذیل در حال احرام چه حکمی دارد؟
الف) نگاه کردن در آینه
ب) گرفتن ناخن‌های شکسته
ج) حنا کردن
د) سفت کردن لباس احرام با کمر بند
ه) به تأخیر انداختن احرام از میقات‌ها
- ۵- محرمات اختصاصی احرام برای زنان کدامند؟
- ۶- واجبات تلبیه را بیان کنید.

درس پنجم: میقات

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- انواع میقات‌ها
- ۲- محدوده‌ی حرم
- ۳- احکام هر یک از اهل آفاق و اهل حلّ و حرم
- ۴- آداب ورود به مکه و مسجد الحرام
- ۵- احکام و ویژگی‌های حرم و مکه مکرمه



۱. میقات:

میقات در فرهنگ حج، به معنای زمان معین و مکان معین برای بستن احرام به کار رفته است.^{۱۰۶}

• الف) میقات زمانی:

جهت محرم شدن برای عمره تمتع، حج تمتع، حج قرآن و حج افراد زمان محدودی در نظر گرفته شده که از آن تعبیر به میقات زمانی شده است؛ این زمان خاص عبارت است از ماه‌های شوال، ذیقعد و دهه‌ی اول ذیحجه که در قرآن نیز به وجوب حج در این ماه‌ها اشاره شده است «الحج شهر معلومات».^{۱۰۷}

اشهر معلومات به معنای ماه‌های مشهور است، و در اصطلاح، این ترکیب بر ماه‌های مخصوص حج دلالت دارد؛ بنابراین «اشهر معلومات» معادل «اشهر حج» است.

از این آیه استفاده می‌شود که اعمال حج، همچون نماز، اوقات مخصوص به خود دارد؛ مالکی‌ها با استدلال به اینکه سیغهی جمع «اشهر» حداقل بر سه ماه دلالت دارد، کل ذیحجه را از ماه‌های حج برشمرده‌اند اما به‌هرحال از آن‌جا که با طلوع فجر روز دهم، زمان وقوف به عرفات که از ارکان حج است به پایان می‌رسد؛ بنابراین مکلف تنها می‌تواند تا طلوع فجر دهم محرم شود تا عرفات را درک نماید.

۱۰۶. میقات که از ریشه لغوی «وقت» گرفته شده؛ در اصل «مَوَاقِت» بوده و واو به جهت قواعد صرفی تبدیل به یاء شده است؛ این واژه در قرآن هم بکار رفته است «إنَّ یومَ الفِصلِ کانَ میقاتاً» و در تجزیه‌ی آن سه قول است:

الف) میقات اسم آلت است؛ مانند مفتاح. بنابراین میقات چیزی است که بوسیله آن، چیز دیگری معین می‌شود؛ از جهت زمان و مکان.

ب) میقات اسم مکان و زمان است؛ زیرا اسم زمان و مکان از ثلاثی مجرد بر وزن مفعال آمده است؛ مانند میلاد؛ یعنی زمان ولادت و یا میعاد؛ یعنی وعده‌گاه.

ج) میقات مصدر الوقت است؛ یعنی وقت داشتن.

اما کاربرد واژه میقات در مکان، بخاطر قرابت مفهومی آن با زمان و یا به جهت کاربرد استعاره‌ای آن در مکان، به معنای لزوم امری در مکان مشخص است.

۱۰۷. بقره، ۱۹۷.



• (ب) میقات مکانی:

به جایی که احرام بستن، در آن مکان مشخص ضرورت دارد، میقات مکانی گفته می‌شود.

بنابر نظر تمام مذاهب اسلامی، عبور بدون احرام از میقات را برای ورود به مکه جایز ندانسته‌اند؛ هر چند می‌توان پیش‌تر از میقات احرام بست؛ آغاز مناسک حج و قدم نهادن در حرم امن الهی ضرورتاً از میقات آغاز می‌گردد.

میقات مکانی، به حسب موقعیت مکانی حاجیان، به سه قسم میقات اهل آفاق (آفاقی)، میقات اهل حلّ و میقات اهل حرم تقسیم می‌شود.

۱. آفاقی:

به همهی کسانی که خارج از محدوده‌ی میقات‌ها زندگی می‌کنند، و از راه‌های دور به مکه مشرف می‌شوند، اصطلاحاً اهل آفاق یا آفاقی گفته می‌شود. بر اساس همهی مذاهب اسلامی، آفاقی برای ورود به مکه باید در میقات‌های خاص محرم شود.

همچنین فقیهان حنفی، آفاقی بودن را از شرایط وجوب طواف وداع دانسته‌اند. برای اهل آفاق، متناسب با مسیر آنان، ۵ میقات بیان شده است:

- ۱- ذوالحلیفه: میقات اهل مدینه و هر کسی است که از آن مسیر داخل حرم می‌شود. در این میقات مسجد معروفی بنام شجره وجود دارد که غالباً از آنجا احرام می‌بندند. این میقات با فاصله ۴۵۰ کیلومتر با مکه، دورترین میقات است.^{۱۰۸}
- ۲- جُحَفه: میقات اهل شام، لبنان، مصر و مغرب است؛ و در شمال غربی مکه واقع شده است.

برخی گفته‌اند بهتر آن است که از منطقه‌ای بنام رابغ که قبل از جحفه می‌باشد، احرام ببندد چرا که یقین به مکان قطعی جحفه نداریم. رابغ در فاصله‌ی ۱۸۳ کیلومتری مکه واقع شده است.

۱۰۸. این میقات، دورترین مواقیت می‌باشد.

- ۳- قرن المنازل (قرن الثعالب - السیل الکبیر): میقات اهل نجد یمن و اهل نجد عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس می باشد؛ و این میقات در شمال شرقی مکه در نزدیکی شهر طائف واقع شده است و ۷۵ کیلومتر با مکه مکرمه فاصله دارد.
- ۴- یلملم (الملم): نام کوهی است در جنوب مکه و میقات کسانی است که از تهمه‌ی یمن^{۱۰۹} و کشورهای جنوب آسیا می آیند، هر چند در زمان کنونی، حاجیان از السعودیه (که در ۹۲ کیلومتری مکه مکرمه واقع شده است) احرام می بندند.
- ۵- ذات عرق: میقات کسانی است که از طرف مشرق مانند ایران و عراق وارد می شوند و در فاصله ۹۴ کیلومتری با مکه مکرمه واقع شده است.
- البته برای کسانی که از این سمت وارد می شوند بهتر آن است که از جهت احتیاط، قبل از رسیدن به ذات عرق در منطقه‌ای به نام عقیق محرم شوند.^{۱۱۰}

برخی از احکام اهل آفاق:

- کسانی که در محدوده‌ی مواقیت زندگی می کنند اما در هنگام احرام، خارج از محدوده‌ی مواقیت حضور دارند در حکم اهل آفاق می باشند.
- در احرام بستن، عین مواقیت شرط نیست؛ بلکه حاجی می تواند در محاذات این‌ها نیز محرم شود.
- کسی که می تواند خود را از ارتکاب آنچه بر محرم منع شده، حفظ کند افضل آن است که پیش از رسیدن به میقات احرام ببندد.
- اگر کسی با هواپیما به مکه مشرف می شود، واجب است قبل از عبور از میقات یا در محاذات آن محرم شود.
- اگر حاجی به میقاتی رسید که بعد از آن میقات دیگری وجود ندارد واجب است در

۱۰۹. یمن شامل دو قسمت است؛ یکی نجد و دیگری تهمه.

۱۱۰. عده‌ای نام این میقات را عقیق می‌دانند نه ذات عرق؛ و در حقیقت، عقیق، بیابانی است که دارای سه بخش است:

اول: مسلخ، که نام ابتداء آن است؛

دوم: غمره، که نام وسط آن است؛

سوم: ذات عرق، که نام انتهای آن است و وادی عقیق در آنجا تمام می‌شود.



همان میقات محرم شود و اگر از آنجا گذشت معصیت کرده و باید به میقات بازگردد و محرم شود؛ مگر اینکه ترس از راه یا کمبود وقت یا ترس از جاماندن از همراهان را داشته باشد که در این صورت از همان جا محرم شود و ادامه مناسک را انجام دهد، لکن بر او فدیة واجب می‌شود.

اگر حاجی از میقاتی که می‌بایست در آن محرم شود گذر کرد، چنانچه به میقات دیگری برود و در آنجا محرم شود، فدیة از او ساقط می‌شود و بازگشت به میقات مخصوص خودش، لازم نیست.

در خصوص کسانی که از مدینه وارد می‌شوند، کراهت دارد بدون احرام از ذوالحلیفه گذر کنند و در جحفه احرام ببندد، ولی فدیة بر آنان واجب نمی‌شود.^{۱۱۱}

۲. اهل حِلّ:

مراد از اهل الحل کسانی است که در خود میقات‌ها یا حد فاصل میقات تا مرز حرم ساکن هستند.

این افراد اگر اراده‌ی حج یا عمره کنند می‌توانند تا قبل از وارد شدن به محدوده‌ی حرم در هر جا که خواستند احرام ببندد؛ لکن مستحب است از دورترین فاصله محرم شده و احرام را تا رسیدن به مرز حرم به تأخیر نیندازند. کسانی که در این نواحی زندگی می‌کنند، اگر نیت حج یا عمره را ندارند، می‌توانند بدون احرام داخل مکه شوند.

۳. اهل حرم:

مراد از اهل حرم، کسانی هستند که در مکه مکرمه یا در حدود حرم سکونت دارند. این افراد چنانچه اراده‌ی حج کنند لازم نیست از حرم خارج شوند و می‌توانند از منزل خود یا هر نقطه‌ای از حرم، احرام ببندند لکن بر ایشان استحباب دارد در یوم الترویبه (روز هشتم ذیحجه) در مسجدالحرام یا مسجد دیگری در نزدیکی منزل مُحرم شوند.

۱۱۱. علت کراهت، وجود روایتی است که حمل بر نهی آن را حمل بر کراهت می‌کنند.

برخی از احکام اهل حرم:

اگر اهل حرم اراده‌ی عمره کنند، واجب است از حرم بیرون رفته و احرام ببندند^{۱۱۲} و بهتر آن است که در تنعیم محرم شوند. کسانی که ساکن مکه نیستند، اما به هر دلیلی در مکه حضور دارند، مانند کسانی که جهت انجام عمره‌ی مفرده وارد مکه شده‌اند، حکم اهل مکه را دارند؛ یعنی اگر بخواهند حج به‌جا آورند از مکه محرم می‌شوند و اگر اراده‌ی عمره کنند، باید از حرم خارج شوند و به ادنی‌الحل بروند.

کسی که ساکن مکه نیست و به قصد انجام حج به مکه سفر کرده، چنانچه بخاطر سهو و نسیان و یا از روی عمد، احرام را در مواقیت ترک کند و داخل مکه شود، این شخص حکم اهل مکه را ندارد و واجب است برای محرم شدن به میقات برگردد.

کسی که در مکه زندگی می‌کند، اما به هر دلیلی به شهر دیگری که از مکه دور است و آفاقی محسوب می‌شود سفر کرده، در این زمان چنانچه اراده‌ی حج کند، حکم اهل آفاق را دارد و باید از مواقیت معین احرام ببندد؛ و اگر امکان برگشت به میقات را ندارد، یک گوسفند ذبح کند.

حرم

- تعریف حرم:

حرم، در لغت به معنای حرمت و منع است و در اصطلاح فقه، به شهر مکه و بخشی از اطراف آن گفته می‌شود که خداوند متعال همه‌ی آن مساحت را برای مردم بعنوان منطقه‌ای امن قرار داده و احکام خاصی را برای آن نیز وضع کرده است؛ بعنوان مثال شکار کردن، بریدن گیاه تر و تازه، شکستن چوب، زندگی کردن غیرمسلمان و... در این محدوده حرام است.

- پیشینه حرم:

خداوند متعال حرمت کعبه را صرفاً به مسجدالحرام و یا شهر مکه منحصر نکرده است، بلکه از جهات چهارگانه، مساحت وسیعی را بعنوان حرم آمن الهی قرار داده است و

۱۱۲. برخی گفته‌اند دلیل این حکم این است که برای آنان نوعی از سفر اتفاق افتاده باشد.



بدین گونه عظمت و اهمیت بیت الله را بر ما آشکار کرده است. بنا بر روایتی از پیغمبر اکرم (ص)، این منطقه از زمان خلقت آسمانها و زمین، حرم شده است.^{۱۱۳} در روایت دیگری بیان شده که حضرت جبرئیل امین (ع) حضرت ابراهیم (ع) را به حدود حرم راهنمایی کرده و دستور داد که آنحضرت بر حدود معینه سنگ نصب نماید و لذا این سعادت نخستین بار نصیب وی گردید.

در زمان پیامبر (ص) مسئولیت تعیین حدود حرم به تمیم ابن اسد الخزائی واگذار شد تا حدود حرم را بار دیگر تجدید نماید و بعد از پیغمبر نیز در ادوار خلفاء و حاکمان مسلمان، این محدوده با تجدید نشانها و نصب ستونچه‌هایی حفظ می‌شد. تعداد کل این نشانها بالغ بر ۹۴۳ عدد بود.

- حدود حرم

محدوده‌ی حرم، با در نظر گرفتن خط مستقیمی بین شش موضع اطراف آن، پدیدار می‌شود، و می‌توان گفت شکل هندسی آن شبیه دوزنقه می‌باشد. البته همانطور که گفته شد، از زمان‌های گذشته مابین این نقاط شش‌گانه نیز ستون‌هایی نصب می‌شد تا محدوده‌ی حرم به وضوح مشخص باشد.

لازم به ذکر است، محیط حرم یکصد و بیست و هفت کیلومتر و مساحت حرم پانصد و پنجاه کیلومتر مربع می‌باشد.

- حدود ششگانه حرم عبارتند از:

- ۱- تنعیم: فاصله تا کعبه ۵/۷ کیلومتر
- ۲- نخله: فاصله تا کعبه ۱۳ کیلومتر
- ۳- اضاه لبن: فاصله تا کعبه ۱۶ کیلومتر
- ۴- جعرانه: فاصله تا کعبه ۲۲ کیلومتر
- ۵- حدیبیه: فاصله تا کعبه ۲۲ کیلومتر
- ۶- عرفات: فاصله تا کعبه ۲۲ کیلومتر

۲. احکام ورود به مکه

سرزمین مقدس مکه و محدوده‌ی آن، که حرم امن الهی است^{۱۱۴} و هر ساله بزرگ‌ترین و شکوهمندترین اجتماع مسلمانان و موحدان در آن رخ می‌دهد، به‌خاطر وجود بیت‌الله‌الحرام، نخستین خانه توحیدی، از منزلت و شرافت ویژه‌ای برخوردار است.^{۱۱۵}

این مکان مقدس که جایگاه نزول رحمت و برکات پروردگار است، از گذشته‌های خیلی دور مورد توجه انبیاء و اولیاء الهی بوده^{۱۱۶} و اهمیت خاصی داشته است؛ اما با ظهور اسلام، از این مکان مقدس و قرار گرفتن بیت‌الله و شهر مکه بعنوان قبله‌ی مسلمین و همچنین بخاطر وجوب سفر به این سرزمین برای همه‌ی کسانی که شرایط آن را دارند، بر اهمیت آن افزوده شد.

از این رو احکام و آدابی ویژه، اعم از واجب و مستحب، برای کسانی که وارد حرم می‌شوند قرار داده شده است.

• آداب و احکام ورود به حرم:

۱. واجبات:

محرم بودن تنها چیزی است که برای ورود به حرم واجب می‌باشد. یعنی کسی که نیت حج یا عمره دارد بر او لازم است با احرام داخل حرم شود و در غیر این صورت معصیت کرده است.

۱۱۴. «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا؛ هر کس داخل آن (مکه) شود در امان خواهد بود».

۱۱۵. «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه‌ای که برای پرستش مردم نهاده شد همان است که در بکه

است؛ آنجا موجب برکت و راهنمایی برای جهانیان است».

۱۱۶. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا؛ هنگامی که ابراهیم گفت: خدایا! این شهر را محل امن قرار بده».

۲. مستحبات:

- ۱- هنگامی که به اول حرم رسید، با آرامش و نهایت وقار گام بردارد.
- ۲- دعا کردن برای قضاء حاجت‌های دنیوی و اخروی.
- ۳- زیاد استغفار کردن.
- ۴- با پای پیاده و برهنه داخل حرم شود؛ همانگونه که در قرآن نیز بدان تصریح شده؛ «فاخلع نعلیک آنک بالواد المقدس طوی».
- ۵- گفتن ذکر حمد و تسبیح پروردگار.
- ۶- مداومت بر تلبیه تا ورود به مسجدالحرام و مشاهده خانه خدا.
- ۷- صلوات و تحیت بر محمد و آل محمد.
- ۸- یاد کردن والدین و خویشان و نزدیکان و دیگر مؤمنان.
- ۹- غسل کردن قبل از ورود به مکه.
- ۱۰- وارد شدن به مکه در روز.
- ۱۱- وارد شدن از باب المعلى که در بالای مکه و مُشرف بر حرم است و بیرون رفتن از باب السفلى.
- ۱۲- خواندن دعا هنگام نمایان شدن مکه. از جمله:
 - «اللهم اجعل لی بها قرارا وارزقنی فیها رزقا حالالا»
 - «ربنا آتنا فی الدنيا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار اللهم انی اسئلك من خیر ما سئلك منه نبیک محمد و اعوذ بک من شر ما استعاذک منه نبیک محمد»
- ۱۳- رفتن به مسجد الحرام پیش از هر عمل دیگری.
- ۱۴- ورود از باب السلام به مسجدالحرام.
- ۱۵- ورود با پای برهنه و مقدم داشتن پای راست بر پای چپ و با دلی آماده و با توجه به اینکه در چه مکان شریفی قرار گرفته است وارد «بیت الله» شود و تلبیه بگوید و دعا کند و بر پیغمبر صلوات بفرستد و بهتر است بخواند:
 - «اعوذ بالله العظیم و بوجهه الکریم و سلطانه القدیم من الشیطان الرجیم، بسم الله و الصلاة»



والسلام علی رسول الله، اللهم اغفر لی جميع ذنوبی و افتح لی أبواب رحمتک».

۱۶- تکبیر، تهلیل، صلوات و دعا هنگام نمایان شدن «بیت الله».

پس بنابراین سه بار بگوید الله اکبر لا اله الا الله سپس بر پیغمبر صلوات بفرستد و دست‌هایش را به سمت آسمان بلند کند و هر آنچه می‌خواهد دعا کند؛ چرا که بنا بر روایاتی لحظه‌ی رؤیت خانه‌ی کعبه، هنگام استجابت دعا بیان شده است.

و همچنین بخواند این دعا را:

«اللهم انت السلام ومنک السلام فحینا ربنا بالسلام اللهم زد بیتک هذا تعظیما و تشریفا و

تکریم و مهابة و زد من حجه او اعتمر تشریفا و تکریم و تعظیما و برأ» پروردگارا تویی سلام و از توست سلامتی، پس زنده بدار ما را با سلامتی، پروردگارا عظمت، شرف و کرامت و بزرگی این خانه‌ات را بیشتر کن و هر کس که حج یا عمره به‌جا آورد را عظمت و مکرمت و نیکوکاری و شرافتش بیشتر بفرما.

۱۷- طواف کردن؛ (در صورتی که از او واجبی فوت نشود) چرا که تحیة مسجد الحرام طواف است.

۱۸- خواندن نمازهای واجب و مستحبی در مسجد الحرام؛ زیرا هر رکعت نماز در مسجد الحرام فضیلتی برابر با صد هزار نماز در جای دیگر دارد.

• برخی از محرمات و مکروهات در حرم و مکه:

۱- عدم جواز عبور جُنُب و حائض از مسجد الحرام:

برای کسی که جنب یا حائض شده است، نشستن و بطور کلی درنگ کردن در کلیه مساجد حرام است، ولی عبور کردن از مساجد جایز است مگر مسجد الحرام و مسجد النبی، که حتی عبور کردن از این دو مسجد برای او حرام است.

۲- کراهت ساخت بنائی بلندتر از کعبه در اطراف مسجد الحرام.

۳- حرام بودن فروش زمین‌های مکه؛ اما فروش بناء جایز است.



- ۴- پاداش چندین برابری کارهای نیک و همینطور کیفر چندین برابری انجام گناه.^{۱۱۷}
- ۵- کفار و مشرکان حق ورود به آن را ندارند.
- ۶- ممنوعیت شکار حیوانات و قطع، شکستن و کندن درخت و گیاه در آنجا.
- ۷- جاری نکردن حد در حرم، بر کسی که در خارج از حرم مرتکب جنایتی شده است و به آن پناه برده است، لکن واجب است با او خرید و فروش و تعامل نکنند تا مجبور به خارج شدن از مکه شود.

۱۱۷. «وَمَنْ يَرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدِقُهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ؛ هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود، از عذابی دردناک به او می‌چشانیم».

گفته‌اند مراد از «الحاد» در اینجا هر نوع گناهی است؛ چه فسق باشد، چه حرام شمردن حلالی، چه احتکار طعامی، چه آزار و رنجش مردم، و چه هر معصیتی دیگر. مفسران با توجه به فراز «وَمَنْ يَرِدْ»، بر این باورند که آیه، هشدار سختی را در خود دارد؛ یعنی در زمین مکه، حتی اراده‌ی گناه هم گناه به شمار می‌رود، به‌عکس جاهای دیگر که تصمیم بر گناه، معصیت نیست.

**• پرسش:**

- ۱- میقات زمانی و مکانی را تعریف کنید؟
- ۲- مراد از اهل الحل چه کسانی است و میقات آنان کجاست؟
- ۳- وظیفه‌ی کسی که بدون بستن احرام از میقات گذر کرد چیست؟
- ۴- میقات اهل ایران، زمانی که از مدینه به مکه مشرف شوند، کجاست؟
- ۵- چند نمونه از احکام حرم را نام ببرید؟

درس ششم: طواف و نماز طواف

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- کیفیت طواف و احکام آن
- ۲- واجبات و شرایط طواف
- ۳- سنتها، مستحبات و مکروهات طواف
- ۴- دعاها و اذکار طواف
- ۵- اقسام طواف (طواف قدوم، زیارة، وداع و...)

۱. طواف:

«وَلِيْطُوْفُوْا بِالْبَيْتِ الْعَتِيْقِ».

طواف دومین عمل از مناسک عمره پس از احرام است که در قرآن نیز بدان تصریح شده است.

طواف یعنی شخص محرم به نیت طواف، از مقابل حجرالاسود هفت مرتبه (هفت شوط) بر خلاف عقربه‌های ساعت به دور خانه کعبه بگردد.

طواف دارای اقسام گوناگونی است که بیان خواهد شد، اما باید توجه داشت که علیرغم یکسان بودن کیفیت طواف در همه‌ی اقسام آن، نیت‌ها و همچنین آثاری که بر هر یک از اقسام طواف مترتب است، با یکدیگر تفاوت دارد.

• واجبات طواف:

۱. نیت:

طواف، واجبی عبادی است؛ بنابراین در تحقق آن، نیت شرط است؛ یعنی باید طواف را با نیت چرخیدن به دور خانه‌ی خدا و قصد خالص برای خداوند به‌جا آورد؛ بنابراین اگر بدون نیت طواف و با قصد پیدا کردن شخصی در مطاف چرخید، طواف محسوب نمی‌شود.

در نیت، تعیین فرضیت، وجوب، و یا سنت شرط نیست؛ چنانکه تعیین اینکه این طواف برای حج، عمره، قدوم یا وداع است لازم نمی‌باشد بنابراین اگر طواف خود را تعیین نکرد آن طواف تبیعت از نیت احرام او خواهد کرد؛ حتی اگر در زمانی که مثلاً باید طواف عمره را انجام دهد، طواف وداع را نیت کرد این طواف همان طواف عمره محسوب می‌شود.

۲. شروع طواف از حجرالاسود:

وقتی وارد مسجدالحرام شد، باید به رکن حجرالاسود برود؛ و سنت آن است که کاملاً رو به حجرالاسود بایستد و بعد به آن نزدیک شود و بر حجرالاسود سجده کند و آن را بیوسد (البته در صورتی که برای دیگران ایجاد مزاحمت نمی‌شود). سنت آن است این



سجده و استلام را سه بار تکرار کند.

سپس از مقابل حجرالاسود یا موازی آن شروع کند؛ بدین شیوه که شانه‌ی راستش دقیقاً مقارن حجرالاسود باشد و باید با تمام بدنش از مقابل آن عبور کند بنابراین اگر از غیر حجرالاسود شروع کند یا با تمام بدنش از آن عبور نکند، آن دور برایش به حساب نمی‌آید.

۳. قرار گرفتن کعبه در طرف چپ:

کسی که طواف می‌کند، باید خانه‌ی کعبه در سمت چپ او باشد؛ بنابراین اگر هنگام طواف، کعبه در سمت راست یا رو به رو و یا پشت سر طواف‌کننده باشد، طواف او صحیح نمی‌باشد.

۴. داخل کردن تمام کعبه در مطاف:

طواف‌کننده باید تمام کعبه را جزء مطاف خود قرار دهد؛ بنابراین عبور کردن از حجر اسماعیل و یا پا گذاشتن بر شاذروان^{۱۱۸} جایز نیست؛ چرا که آن دو جزئی از کعبه محسوب می‌شوند.

۵. هفت مرتبه دور زدن:

طواف باید هفت دور کامل باشد که به هر دور آن شوط گفته می‌شود. اگر هنگام طواف در تعداد شوط‌ها شک کرد باید بنا را بر کمترین مقدار بگذارد و بر آن اضافه کند تا یقین حاصل شود؛ ولی چنانچه بعد از پایان طواف به شک افتاد لازم نیست کاری انجام دهد.

• شرایط طواف:

۱. طهارت از حدث:

شخص طواف‌کننده باید در تمام مدت طواف، از حدث اکبر (جنابت، حیض، نفاس) و حدث اصغر (هر آنچه مبطل وضوء است) مبرّی باشد؛ به عبارت دیگر باید طاهر باشد یا به

۱۱۸. مقدار دیواری است که از پهنای پایهی بیت، جا گذاشته شده است و عرض آن یک ذراع است.



سبب غسل یا به سبب وضوء؛ و اگر طهارت نداشت طوافش صحیح نیست.

اگر شک کند وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.

اگر شک کند غسل کرده یا نه، باید غسل کند.

اگر در بین طواف، شک کند حدثی از او سر زده یا نه، مثلاً شک کند وضویش باطل شده یا نه، یا شک کند حائض شده یا نه، به شک خود اعتنا نکند و بنا را بر طهارت بگذارد.

چنانچه در اثناء طواف وضوی شخصی باطل شد، طواف را در همان نقطه متوقف می‌کند و پس از وضو گرفتن از همان جا طواف را ادامه می‌دهد.

۲. طهارت از نجاست:

شخص طواف‌کننده باید بدن، لباس و مسیری که در آن قدم می‌زند، نجس نباشد؛ بنابراین اگر عمداً یا سهواً نجاستی به او برخورد کند، طوافش صحیح نیست.

اگر در بین طواف، بدن یا لباسش نجس شود؛ مثلاً بر اثر ازدحام جمعیت پایش زخم شود، طواف را رها کند، بدن یا لباس نجس شده را تطهیر نماید و طواف را از همان جا تکمیل کند و طوافش صحیح است.

اگر جایی از بدن زخم باشد، چنانچه تطهیر آن مشقت داشته باشد، تطهیر آن لازم نیست، ولی تا اندازه‌ای که می‌شود، تطهیر نماید و لباس را عوض کند.

اگر فراموش کند، بدن یا لباسش نجس است و با همان حال طواف کند و در بین طواف یا پس از اتمام آن یادش بیاید، طواف او صحیح است. برخی این واجب را سنت مؤکده شمرده‌اند.

۳. پوشاندن عورت:

بر هر زن و مرد طواف‌کننده‌ای واجب است هنگام طواف، بدن خود را به آن مقداری که در نماز واجب است، بپوشاند.

اگر از زن یا مردی به‌اندازه یک‌چهارم عضو یا بیشتر از آن برهنه باشد، طواف صحیح نیست.



۴. پیاده بودن:

یکی از واجبات طواف، پیمودن همه‌ی آن با پای پیاده برای افراد سالم است؛ بنابراین طواف کردن با ویلچر یا هر وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگری صحیح نمی‌باشد، مگر برکسی که توان پیاده رفتن را ندارد.

پیاده نبودن در طواف‌های غیر واجب، جایز است، مانند نماز نافله که می‌توان بدون عذر آن را نشسته اداء کرد. برخی پیاده طواف کردن را سنت می‌دانند.

• سنت‌ها و مستحبات طواف:

۱. تکبیر گفتن هنگام شروع طواف:

سنت است که قبل از آغاز طواف، هنگامی که رو به حجرالاسود کرده و نیت شروع طواف را دارد، بسم الله بگوید و سپس تکبیر بگوید و دست‌ها را در وقت تکبیر گفتن تا مقابل گوش بالا بیاورد، به همان شیوه‌ای که در نماز مرسوم است و بعد این دعا را بخواند: «لااله الا الله والله الحمد والصلوة والسلام علی رسول الله، اللهم ایمانا بک وفاء بعهدک واتباعا لسنة نبیک محمد(ص)». ^{۱۱۹}

توجه داشته باشید که بالا بردن دست برای گفتن تکبیر است و باید هنگامی باشد که رو به حجرالاسود کرده و می‌خواهد طواف را شروع کند اما بالا بردن دست در هنگام نیت کردن، بدعت می‌باشد.

۲. رو کردن به حجرالاسود:

استقبال و رو کردن به حجرالاسود در شروع طواف سنت است و تکرار آن در شوط‌های دیگر نیز استحباب دارد.

۱۱۹. به جز او معبودی نیست و تمام تعریف‌ها لایق اوست و درود و سلام بر پیغمبر خدا؛ پروردگارا طواف می‌کنم از روی ایمان به تو و از روی وفاداری به پیمان تو و به منظور پیروی سنت پیامبرت محمد(ص).



۳. استلام و تقبیل حجرالاسود و رکن یمانی:

حجرالاسود:

مستحب است قبل از آغاز اولین شوط، حجرالاسود را ببوسد؛ البته در صورتی که برای دیگران ایجاد مزاحمت نکند؛ و مستحب است بعد از آن پیشانی را بر حجرالاسود گذاشته و آن را سجده کند و همچنین این سجده و بوسیدن را سه بار تکرار کند. چنانچه بوسیدن ممکن نبود، دستش یا شیء دیگری مانند عصا را بر حجر بزند و آن را ببوسد و اگر همین مقدار هم ممکن نبود با دست به حجر اشاره کند و دستش را ببوسد.

مستحب است در هر شوط حجرالاسود را ببوسد.

رکن یمانی:

استلام رکن یمانی در همه اشواط طواف مستحب است؛ یعنی با هر دو دست یا فقط دست راست خود آن را لمس کند و در این جا مانند حجرالاسود بوسه زدن و سجده لازم نیست ولی می‌تواند بعد از آنکه رکن یمانی را لمس کرد بر دستش بوسه بزند. در استلام رکن یمانی، در صورت ازدحام، اشاره کردن از دور، به آن (روشی که در حجرالاسود بیان شد)، وارد نشده است.

۴. موالات:

پشت سرهم بودن اشواط طواف، بدون ایجاد فاصله که از آن تعبیر به موالات می‌کنند سنت است.

ملاک در موالات عرف است چرا که هر فاصله افتادنی مانند توقف برای نوشیدن آب مخل موالات نیست.

۵. اضطباع:

اضطباع در حال طواف سنت است؛ یعنی پارچه‌ی احرام را از زیر بغل راست خود رد کند و اطرافش را بر بالای شانه‌ی چپ بیندازد، که در نتیجه شانه‌ی راست مکشوف می‌شود.



اضطباع فقط هنگام طواف جایز است و قبل و بعد طواف کراهت دارد، البته برخی اضطباع را از طواف تا پایان سعی صفا و مروه سنت می‌دانند. اضطباع به آقایان اختصاص دارد و برای کودکان نابالغ نیز سنت است.

۶. رمل: ۱۲۰

رمل یعنی عجله کردن در راه رفتن همراه با نزدیکی قدم‌ها بدون پریدن و دویدن. رمل کردن طواف‌کننده هنگام طواف سنت است، البته در صورتی که برای دیگران ایجاد مزاحمت نکند.

رمل کردن فقط در سه شوط اول سنت است و در چهار شوط باقی مانده، راه رفتن به آرامی سنت است.

بر مردان، نزدیک بودن به کعبه در هنگام طواف مستحب است، ولی چنانچه ازدحام جمعیت مانع از رمل باشد، محافظت بر رمل از نزدیکی به کعبه بهتر است. رمل نیز مانند اضطباع به آقایان اختصاص دارد. رمل و اضطباع فقط در طوافی سنت است که بعد از آن سعی باشد.

۷. رفتن به ملتزم: ۱۲۱

مستحب است بعد از نماز طواف و یا قبل از آن به ملتزم برود، خودش را به دیوار کعبه بچسباند، به پرده‌ی کعبه چنگ بیندازد و گونه‌ی راست و چپ صورتش را به کعبه تبرک کند و درحالی که دست‌ها را بالای سر باز کرده و به دیوار کعبه گذاشته است با نهایت خضوع و خشوع و درماندگی دعا کند و طلب بخشش نماید.

۸. نوشیدن از آب زمزم:

بعد از ملتزم مستحب است از آب زمزم بنوشد.

۱۲۰. به آن خیب نیز گفته شده است.

۱۲۱. به حد فاصل میان درب کعبه تا رکن حجرالاسود را ملتزم می‌گویند. این محل را از آن روی ملتزم می‌نامند که مردم در آن قسمت می‌ایستند و به دیوار ملتزم شده، می‌چسبند و دعا می‌خوانند.

بهتر است در نوشیدن آب زمزم زیاده‌روی کند و باقی مانده‌ی آب را بر بدن خود بریزد و این دعا را بخواند:

«اللهم انی استلک علما نافعاً ورزقاً واسعاً وشفاءً من کل داء».

۹. دعا و ذکر هنگام طواف:

مستحب است طواف‌کننده در هنگام طواف، بر پیغمبر صلوات بفرستد و ذکر خدا بگوید؛ و گفتن ذکر در طواف از تلاوت قرآن بهتر است. این ذکر هنگام طواف مأثور است:

«سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله»

همچنین مستحب است که هر گاه از رکن حجرالاسود گذشت این دعاها را بخواند:

«اللهم هذا البيت بیتک و هذا الحرم حرمک و هذا الأمن أمنک و هذا المقام مقام العائذ بک من النار».

«اللهم قنّعی بما رزقتنی و بارک لی فیهِ و اخلف علی کل غائبة لی بخیر لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد و هو علی کل شیء قدير».

هنگامی که به مقابل رکن عراقی رسید بخواند:

«اللهم انی اعوذ بک من الشک وشرک و النفاق و الشقاق و سوء الاخلاق و سوء المنقلب فی الاهل و المال و الولد».

و در مقابل میزاب بخواند:

«اللهم اظلّنی تحت ظلّ عرشک یوم لا ظل الا ظلك ولا باقی الا وجهک واسقنی بکأس محمد شربة لا اظمأ بعدها ابداً».

هنگامی که به مقابل رکن شامی رسید بخواند:

«اللهم اجعله حجاً مبروراً و سعياً مشکوراً و ذنباً مغفوراً و تجارةً لن تبور یا عالم ما فی



الصدور اخرجنی من الظلمات الی النور».

هنگامی که به مقابل رکن یمانی رسید بخواند:

«اللهم انی اسألك العفو والعافیة فی الدین و الدنیا و الآخرة».

و در مابین رکن یمانی و رکن حجرالاسود بخواند:

«ربنا آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة».

۱۰. از سرگیری طواف:

مستحب است چنانچه طواف را متوقف کرد، حتی در صورتی که عذر داشته است، طواف را دوباره از سر بگیرد؛ مانند کسی که به خاطر برپایی نماز جماعت در مسجدالحرام نمی‌تواند طواف خود را ادامه بدهد. و همچنین اگر طواف را بر وجه مکروهی انجام داد مستحب آن است طوافش را دوباره انجام دهد.

۱۱. ترك كلام و اعمال منافی خشوع:

مستحب است از هرگونه عمل و کلام مباهی که موجب از بین رفتن حضور قلب و خضوع و خشوع می‌شود پرهیز کند.

• اقسام طواف:

۱. طواف تحیت:

بر هر کسی که وارد مسجدالحرام می‌شود سنت است در بدو ورود اعم از اینکه محرم باشد یا نه، به آن کیفیتی که بیان شد طواف کند و این طواف بدل از نماز تحیت مسجد است.

البته در دو مورد طواف تحیت وجود ندارد: ۱- کسی که برای او طواف قدوم سنت باشد؛ ۲- کسی که احرام به عمره بسته است؛ طواف قدوم و طواف عمره از طواف تحیت کفایت می‌کند.

۲. طواف قدوم (ورود):

بر آفاقیان سنت است چنانچه به نیت حج افراد و یا قران محرم شده‌اند، هنگام ورود به مسجد الحرام، طواف قدوم به جا آورند.

طواف قدوم نوعی طواف تحیت است که اختصاص به حج‌گزاران افراد و قران دارد از همین روی جداگانه ذکر می‌شود.

برای اهل حل و حرم، طواف قدوم جایز نیست و باید به نیت تحیت طواف به جا آورند، و همچنین کسانی که به نیت عمره مفرده یا عمره تمتع، احرام بسته‌اند، باید طواف عمره به جا آورند.

وقت طواف قدوم از هنگام ورود به مکه تا قبل از وقوف در عرفه ادامه دارد؛ اما برای کسانی که بعد از وقوف عرفه وارد مسجدالحرام می‌شوند طواف قدوم مشروعیت ندارد.

در طواف قدوم رمل و اضطباع و سعی وجود ندارد.

در منابع فقهی، از این طواف با عنوان طواف لقاء، طواف إحداث العهد، طواف وارد و طواف تحیت یاد شده است.

۳. طواف عمره:

برای کسی که به نیت عمره محرم شده، طواف عمره واجب و رکن است، و زمان آن از هنگام احرام به عمره آغاز می‌شود و انتهاء ندارد. این طواف بجای طواف قدوم و طواف تحیت به حساب می‌آید؛ همانگونه که نماز فرض بجای نماز تحیت مسجد محسوب می‌شود.

در این طواف که پس از آن سعی انجام می‌شود رمل و اضطباع نیز سنت است.

۴. طواف زیاره (افاضه):^{۱۲۲}

این طواف از ارکان حج می‌باشد و واجب است بعد از وقوف در عرفات از طلوع فجر روز عید قربان تا پایان ایام تشریق انجام شود؛ و در عین حال وقت این طواف پایانی

۱۲۲. طواف رکن، طواف حج، طواف فرض از دیگر اسامی این طواف است.



ندارد و اگر نتوانست در این زمان اداء کند وجوب اداء آن از بین نمی‌رود و می‌تواند تا آخر عمر آن را انجام دهد (اگر بدون عذر تا غروب روز دوازدهم انجام نداد دم واجب می‌شود). در منابع فقهی، از این طواف به طواف افاضه، طواف رکن، طواف حج، طواف فرض و طواف یوم النحر نیز یاد شده است.

۵. طواف صدر (وداع):

این طواف فقط بر آفاقیانی که قصد خروج از مکه دارند واجب است، و زمان انجام آن بعد از طواف زیاره آغاز می‌شود و پایانی ندارد؛ ولی چنانچه عذر داشته باشد وجوب آن ساقط می‌شود و بدون عذر نیز می‌تواند آن را با دم جبران کند. وجوب این طواف از زنانی که عذر شرعی دارند ساقط می‌شود و آنان می‌توانند هنگام وداع بر ورودی‌های مسجدالحرام حاضر شده و خداحافظی کنند.

۶. طواف تطوع (نفل):

این طواف مستحب است و انجام آن تعلق به زمان و یا افراد مشخص ندارد؛ بنابراین هر کسی می‌تواند آن را در هر زمانی و هر چند مرتبه که بخواهد انجام بدهد.^{۱۲۳} این طواف هر چند که مستحب است، اما طواف‌کننده با شروع آن واجب است تا پایان ادامه دهد؛ همانگونه که در نماز مستحبی نمی‌توان بدون عذر آن را رها کرد.

۷. طواف نذری:

طوافی است که مکلف آن را با نذر بر خود لازم کرده است که باید منطبق با نذر خود این طواف را انجام دهد.

• مکروهات طواف:

- ۱- زیاد صحبت کردن.
- ۲- خرید و فروش.

۱۲۳. طواف تحیت نیز نوعی طواف تطوع است، و دلیل این فرق‌گذاری بخاطر آن است که طواف تحیت، مخصوص زمان مشخصی بود؛ اما طواف تطوع یعنی مطلق طواف مستحبی، بدون لحاظ زمان.

- ۳- خوردن و نوشیدن.
- ۴- سرودن شعرهای خالی از حمد و ثناء خداوند.
- ۵- بالا بردن صدا حتی به ذکر و دعا و تلاوت قرآن.
- ۶- طواف در لباس نجسی که معفو است.
- ۷- ترک رمل و اضطباع در موارد استحباب آن.
- ۸- ترک استلام حجرالاسود.
- ۹- فاصله انداختن میان شوطها (ترک موالات).
- ۱۰- آغاز طواف هنگام برپایی نماز جماعت.
- ۱۱- انجام طواف‌های پشت سر هم بدون آنکه نماز طواف را در بین خوانده باشد.
- ۱۲- انجام طواف در حالی که بول خود را نگه داشته است.

۲. نماز طواف: ۱۲۴

بعد از پایان طواف، به مقام ابراهیم می‌رود و در خلف مقام^{۱۲۵} درحالتی که مقام میان او و کعبه قرار گرفته است، دو رکعت نماز به نیت نماز طواف اداء می‌کند. چنانچه به خاطر ازدحام، نماز خواندن پشت مقام ممکن نشد، می‌تواند در هر نقطه‌ای از مسجدالحرام و یا خارج از آن، نماز را اداء کند؛ چراکه این نماز زمان و مکان معینی ندارد، پس می‌تواند آن را در خانه‌ی خود به‌جا آورد ولی کراهت دارد. برخی فقیهان نماز طواف را سنت مؤکد دانسته‌اند.

• مستحبات نماز طواف:

- ۱- اداء نماز طواف پشت مقام ابراهیم مستحب مؤکد است.
- ۲- مستحب است در رکعت اول نماز بعد از حمد، قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم

۱۲۴. نماز طواف نزد حنفیان از واجبات دانسته شده است و در قرآن نیز به آن اشاره شده است «واتخذوا من مقام ابراهیم مصلی» اما نزد شافعی نماز طواف سنت است و آن را واجب نمی‌دانند.

۱۲۵. مراد از خلف مقام تا آن محدوده‌ای است که عرفاً عادتاً آنجا را پشت مقام ابراهیم بگویند و هرچه نزدیک‌تر به مقام باشد بهتر است.



توحید بخواند.

۳- مستحب است بعد از نماز دعا کند، و دعای مأثور از حضرت آدم(ع) در مقام ابراهیم اینگونه است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي فَأَقْبِلْ مَعْدِرَتِي وَ تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَعْظِنِي سُؤْلِي وَ تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي فَأَغْفِرْ لِي ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِي وَ يَقْبِنَا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَ رِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

● پرسش:

- ۱- واجبات طواف کدامند؟
- ۲- فاصله انداختن بین شوطهای طواف چه حکمی دارد؟
- ۳- اضطباع و رمل را تعریف کنید و بیان کنید چه زمانی سنت است؟
- ۴- اقسام طواف را نام ببرید و تفاوت طواف قدوم با طواف تطوع را بیان کنید؟

درس هفتم: سعی، تحلل

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- کیفیت سعی، واجبات و مستحبات آن
- ۲- احکام و دعا‌های سعی
- ۳- حلق و تقصیر و احکام آن
- ۴- خارج شدن از احرام به سبب حلق و تقصیر

۱. سعی

«ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما ومن تطوع خيراً فان الله شاکر علیم» ۱۲۶

چهارمین عمل از مناسک عمره تمتع و عمره مفرده (که در قرآن نیز بدان تصریح شده است) سعی بین صفا و مروه می‌باشد؛ که پس از انجام نماز طواف باید هفت مرتبه فاصله بین «صفا» و «مروه» را که امروزه به صورت راهروی طولانی در کنار مسجدالحرام و در چند طبقه ساخته شده است، بپیماید.

سعی، از صفا شروع، و به مروه ختم می‌شود، رفتن از صفا به مروه یک شوط و از مروه به صفا، شوط دوم محسوب می‌شود؛ بنابراین شوط‌های هفتگانه سعی به مروه ختم می‌شود.

سعی نزد احناف از واجبات عمره و حج است ولی نزد دیگر مذاهب از ارکان عمره و حج محسوب می‌شود.

• آداب سعی:

۱. شروع سعی:

سنت آن است که سعی را بدون فوت وقت بعد از نماز طواف به جا آورد؛ ولی چنانچه برای استراحت یا بخاطر عذری آنرا به تاخیر بیندازد اشکال ندارد و اگر بدون عذر سعی را به تاخیر بیندازد گناه کرده است، ولی کفاره‌ای بر گردن او نیست.

هنگام اراده‌ی سعی، بهتر آن است از باب صفا از مسجد الحرام خارج شود و بعد از رسیدن به صفا مستحب است بگوید:

«ابدأ بما بدأ الله تعالی به؛ ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما ومن تطوع خيراً فان الله شاکر علیم».



۲. بر کوه صفا:

بر کوه صفا بالا می‌رود تا کعبه بر او آشکار شود، سپس رو به کعبه (قبله) می‌کند در حالی که دست به آسمان بلند کرده، خداوند را شکر می‌کند و سه مرتبه تکبیر می‌گوید و بر پیغمبر (ص) صلوات می‌فرستد، و برای خودش و همه‌ی مسلمین دعا می‌کند و دعای مأثور اینگونه است: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، صَدَقَ وَعْدُهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَأَعَزَّ جُنْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» این دعا را سه مرتبه تکرار می‌کند.

در صورتی که مزاحمتی برای دیگران نباشد، در کوه صفا زیاد بایستد و به دعا و ذکر مشغول شود، و مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وادارد.

۳. به هنگام پیمودن مسعی:

سپس همراه با آرامش، حرکت خود را از کوه صفا به سمت مروه آغاز می‌کند، و در بین صفا و مروه دعا بسیار کند؛ چراکه مسعی محل استجاب دعاست و دعای مأثور چنین است:

«اللَّهُمَّ انك قلت ادعوني استجب لكم واني اسئلك كما هديتني للاسلام ان لا تنزعه و تتوفاني وانا مسلم».

«رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقَ النَّيَّةِ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

اگر سعی کننده احرام به حج بسته است، مستحب است تلبیه بگوید.

۴. هروله:

بر مردان سنت است در میانه‌ی مسیر صفا و مروه هنگامی که به میلین

اخضرین (چراغ‌های سبزرنگ) ^{۱۲۷} رسیدند، سرعتشان را افزایش دهند و به گونه‌ای معتدل بدونند.

دویدن در سعی فقط مخصوص آقایان بوده و باید توجه داشت این دویدن بصورت هروله ^{۱۲۸} باشد و همچنین برای دیگران ایجاد مزاحمت نکند، و چنانچه بخاطر ازدحام، هروله ممکن نبود، صبر می‌کند تا خلوت شود و چنانچه خلوت نشد بنوعی قدم بردارد که تظاهر به دویدن کند.

دعای مأثور به هنگام هروله چنین است:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنَّا عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

این دویدن در همه‌ی شوط‌ها و فقط میان دو میل سنت است؛ بنابراین زمانی که از میل دوم عبور کرد، با وقار و آرامش راه می‌رود و این دعا را می‌خواند:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

چنانچه شخصی همه‌ی مسیر را بدود مخالف سنت عمل کرده، هر چند واجب او اداء می‌شود.

۵. بر کوه مروه:

پس از رسیدن به مروه، بر کوه بالا می‌رود و در این مکان نیز رو به سمت کعبه می‌کند و مانند صفا دست بر دعا برمی‌دارد و همان اذکار را تکرار می‌کند و سپس این

۱۲۷. میلیون اخضرین، دو ستون سبز رنگی هستند؛ که امروزه این محل با طرحی زیبا بازسازی و مسطح شده، و با سنگ مرمر مفروش شده است.

۱۲۸. الهرولة: فوق الرمل و دون القدو.



دعا را می‌خواند:

« اَللّٰهُمَّ يَا مَنْ اَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يَحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِيْ عَلَيَّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يَعْزُو عَلَيَّ الْعَفْوَ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ اَلْعَفْوُ ».

• واجبات و شرایط سعی:

- ۱- هفت مرتبه مسیر بین صفا و مروه را کامل بپیماید؛ بنابراین اگر حتی یک گام باقی بماند، سعیش درست نیست.
 - ۲- سعی را پیاده انجام دهد؛ ولی در صورت عذر، سوار شدن بر ویلچر و یا هر وسیله‌ی دیگر مانعی ندارد، ولی چنانچه بدون عذر سواره سعی کند، واجب است یک گوسفند کفاره دهد.
 - ۳- سعی در حال احرام باشد؛ چراکه سعی از واجبات حج و عمره است و احرام شرط آن است.
 - ۴- سعی را بعد از طواف صحیح به جا آورد؛ هرچند طواف مستحب باشد مانند طواف تحیت یا تطوّع؛ و در حج بهتر است که سعی او پس از طواف زیارت باشد. همچنین انجام سعی پس از طواف وداع متصور نمی‌باشد.
 - ۵- در انجام سعی، رعایت ترتیب واجب است؛ بنابراین باید از صفا شروع کند، و دور هفتم را در مروه به پایان برساند؛ بنابراین چنانچه سعی را از مروه آغاز کند رفتنش از مروه به سوی صفا دور اول نخواهد بود و بازگشت او از صفا شوط اول محسوب می‌گردد.
 - ۶- برای انجام سعی، طهارت از حدث و نجاست شرط نیست؛ بنابراین بدون وضو و درحالت حیض یا جنابت و یا همچنین با لباس‌های نجس می‌تواند آن را به جا آورد.
- برخی، سعی را جزو مسجدالحرام می‌دانند و از همین روی، ورود زن حائض و شخص جنب به سعی را جایز نمی‌دانند.

- ۷- سعی مربوط به حج، باید در ماه‌های حج اداء شود؛ بنابراین شخصی که احرام به حج بسته است، نمی‌تواند پیش از ماه‌های حج، سعی حج را به‌جا آورد، ولی در عمره وقت شرط نمی‌باشد.
- ۸- انجام دادن اکثر شوط‌های سعی؛ بنابراین اگر نتواند اکثر شوط‌ها را انجام دهد، همانند آن است که اصلاً سعی انجام نداده است، ولی اگر اقل شوط‌ها باقی ماند، برای هر شوط صدقه می‌دهد و سعی‌اش صحیح خواهد بود.
- ۹- در سعی وقتی که به طرف مروه می‌رود واجب است رو به مروه باشد؛ و وقتی که به طرف صفا می‌رود، واجب است رو به صفا باشد؛ پس اگر عقب عقب یا به پهلو مسیر را بپیماید باطل است، ولی نگاه کردن به چپ و راست یا پشت سر اشکال ندارد.

• سنت‌های سعی:

- ۱- نیت کردن (حنابله نیت را از شروط سعی می‌دانند).
- ۲- موالات بین طواف و سعی و همچنین بین شوط‌های سعی.
- ۳- بالا رفتن از صفا و مروه بیشتر از مسافت واجب.
- ۴- دویدن بین دو ستون سبز.
- ۵- پوشاندن عورت،^{۱۲۹} باید توجه داشت ستر عورت در همه حال واجب است؛ ولی در سعی باید بر آن محافظت بیشتری کند. اما چنانچه عورتش پیدا شد کفاره‌ای بر او واجب نمی‌شود.

• مستحبات سعی:

- ۱- ذکر گفتن و دعا کردن مأثور و غیر آن.
- ۲- طهارت بدن و لباس از نجاست.
- ۳- خضوع و خشوع.
- ۴- طولانی کردن توقف بر کوه صفا و مروه.

۱۲۹. مراد از عورت در اینجا همانی است که در نماز مطرح می‌شود؛ بنابراین مقدار آن بین زن و مرد متفاوت است.



- ۵- از سرگیری سعی؛ چنانچه موالات بین شوطها را بدون عذر بر هم زد.
 ۶- به جا آوردن دو رکعت نماز در مسجدالحرام بعد از اتمام سعی.

• مکروهات سعی:

- ۱- از بین بردن موالات بین طواف و سعی، و همچنین از بین بردن موالات بین شوطهای سعی.
 - ۲- خرید و فروش و صحبت کردن (چنانچه مانع از حضور قلب باشد).
 - ۳- ترک کردن صعود از کوه صفا و مروه برای دیدن کعبه.
 - ۴- ترک کردن هروله.
 - ۵- ترک پوشاندن عورت؛ پوشاندن عورت حرام است لکن از این جهت که مانع از صحت سعی نمی‌باشد، از مکروهات شمرده است؛ بنابراین کسی که عورتش را نپوشاند گناه کرده است و از ثواب سعی او نیز کاسته می‌شود.
- * نوشیدن و خوردن طعام و صحبت کردن در هنگام سعی، چنانچه موجب از بین رفتن موالات و حضور قلب نشود، از مباحات خواهد بود و در غیر آن صورت از مکروهات است.

۲. حلق یا تقصیر:

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ

رُءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ» ۱۳۰

پنجمین مرحله از عمره تمتع مربوط به اعمال عمره، حلق و یا تقصیر است.
 با انجام حلق (تراشیدن موی سر) یا تقصیر (کوتاه کردن موی سر) اعمال عمره تمتع به پایان می‌رسد.

در صورت تقصیر، باید به اندازه یک بند انگشت، یک‌چهارم از مساحت سر را کوتاه کند؛ و در حلق باید یک‌چهارم سر را بتراشد، ولی مستحب آن است تمام سر را کوتاه کند یا بتراشد.

تقصیر و حلق نیز مانند سایر اعمال عمره و حج، از عبادات است و باید به قصد طاعت دستور خداوند، و خالی از ریا و خودنمایی انجام شود. پس از حلق یا تقصیر، هر آنچه به واسطه احرام بر انسان حرام شده بود، حلال می‌شود مگر محرّماتی که مربوط به حرم است؛ از جمله شکار و کندن درختان و... . بانوان فقط تقصیر می‌کنند و حلق بر آنان حرام است، بر آنان لازم است از یک چهارم سر، به اندازه‌ی یک بند انگشت کوتاه نمایند و چنانچه در جایی که مردان نامحرم حضور دارند تقصیر می‌کنند، مواظب باشند، نامحرم موی آن‌ها را نبیند.

• مکان تحلل:

حلق و تقصیر مکان خاصی ندارد اما باید در محدوده‌ی حرم انجام دهد و اگر در خارج از حرم انجام داد، دم واجب می‌شود.

• زمان تحلل:

زمان حلق یا تقصیر برای عمره، بعد از سعی آغاز شده و تا هنگامی که باید برای حج احرام ببندد و خود را به وقوف در عرفات برساند، ادامه دارد. پس از سعی لازم نیست، فوراً حلق یا تقصیر کند، ولی تا هنگامی که تقصیر یا حلق نکرده است، هیچ‌یک از محرّمات احرام بر او حلال نمی‌شود.

• برخی احکام حلق و تقصیر:

- ۱- کسانی که در میقات، احرام به حج افراد یا حج قران بسته باشند، بعد از اتمام سعی عمره نباید حلق یا تقصیر کنند؛ بلکه همچنان در لباس احرام می‌مانند تا روز عید قربان و پس از انجام رمی جمره عقبه و قربانی، حلق یا تقصیر را انجام می‌دهند.
- ۲- در تقصیر، کندن مو کافی نیست بلکه باید مو را بچیند و کوتاه کند به هر وسیله‌ای که باشد، قیچی، ناخن‌گیر و... .
- ۳- کسی که اصلاً محرم نباشد و کسیکه اعمالش را انجام داده و زمان حلق و تقصیرش رسیده باشد (حتی اگر حلق و تقصیر نکرده باشد)، می‌تواند موی شخص دیگری را بچیند.



- ۴- با تقصیر، اعمال عمره تمتع به پایان می‌رسد و تا قبل از زمان محرم شدن برای تمتع، می‌تواند از مواردی که در احرام ممنوع بود استفاده نماید.
- ۵- تراشیدن موها در هر صورت از کوتاه کردن آن افضل است و اگر موها به مقداری کوتاه باشند که کوتاه کردن آن به مقدار یک بند انگشت ممکن نباشد، در این صورت حلق واجب می‌شود.
- ۶- در حلق کردن، مستحب از جانب راست سر آغاز کند.
- ۷- بعد از حلق یا تقصیر، چیدن ناخن‌ها و کوتاه کردن سبیل نیز مستحب است.
- ۸- مردانی که کچل هستند و هیچ مویی ندارند باید فقط تیغ را بر سر خود بکشند، و اگر به سبب زخم کشیدن تیغ نیز ممکن نباشد، این واجب از آنان ساقط می‌شود و بدون حلق، محل خواهند شد.

● پرسش:

- ۱- واجبات سعی کدامند؟
- ۲- تلبیه گفتن در سعی چه حکمی دارد؟
- ۳- کشف عورت در سعی چه تفاوتی با طواف دارد؟
- ۴- مقدار حلق یا تقصیر چقدر است؟
- ۵- با حلق یا تقصیر کدامیک از محرّمات حلال نمی‌شود؟
- ۶- حلق و تقصیر بعد از سعی برای چه کسانی جایز نیست؟

درس هشتم: حج تمتع (۱)

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- حج تمتع و مراحل آن
- ۲- احرام حج و محل آن
- ۳- حدود منا، کیفیت وقوف و اعمال آن
- ۴- حدود عرفات، کیفیت وقوف و اعمال آن
- ۵- رکن بودن عرفات
- ۶- سنت‌های عرفات (جمع خواندن نماز ظهر و عصر و...)

۱. حج تمتع

«واتمّوا الحجّ والعمرة لله...»^{۱۳۱}

حج تمتع از دو بخش عمره و حج تشکیل شده است. پس از اتمام اعمال عمره تمتع، جهت انجام مناسک حج تمتع، در روز هشتم ذیحجه که به یوم الترویبه مشهور است، باید در حرم محرم شوند و جهت ادامه‌ی مناسک، از مکه خارج شوند و با حضور در موقوف‌ها و انجام واجبات آن‌ها، مناسک حج را یکی پس از دیگری اداء کنند؛ سپس به مکه باز گردند تا اعمال حج را تکمیل کنند.

• فاصله زمانی بین عمره تمتع تا شروع حج:

حاجیانی که به نیت عمره‌ی تمتع محرم شده‌اند، پس از اتمام عمره و پیش از آغاز اعمال حج در روز هشتم ذیحجه، به صورت عادی لباس می‌پوشند چرا که از احرام خارج شده‌اند؛ همچنین آنان می‌توانند در هر فرصت ممکن طواف تطوع (مستحبی) به جا آورند. در فاصله‌ی زمانی بین اتمام عمره تمتع و آغاز حج تمتع، محرم شدن جهت انجام عمره مفرده جایز نمی‌باشد.

حاجیانی که به نیت حج افراد و یا قران محرم شده‌اند چون تحلیل نمی‌کنند و از احرام خارج نمی‌شوند؛ با همان احرامی که در میقات بسته‌اند به سمت منا حرکت می‌کنند.

سنت آن است که در روز هفتم ذیحجه بعد از نماز ظهر، امام جماعت مسجد الحرام خطبه بخواند و در آن، مسائل حج را به حاجیان تلقین و گوشزد کند.

• احرام حج:

نخستین عمل جهت آغاز مناسک حج، احرام بستن است. کیفیت احرام حج تمتع مانند احرام عمره است، و فقط در نیت تفاوت دارد؛ بنابراین حاجی بعد از غسل در هتل



محل اقامت و پوشیدن لباس احرام و خواندن دو رکعت نماز احرام، نیت حج تمتع می‌کند سپس می‌گوید: «اللهم انی ارید الحجّ فیسره لی و تقبله منّی» سپس تلبیه می‌گوید. با گفتن تلبیه، احرام شروع می‌شود و پرهیز از محرمات احرام الزامی خواهد بود. وقت احرام بستن برای حج تمتع، از اتمام عمره تمتع تا هنگامی که بتواند خود را به وقوف در عرفات (ظهر روز نهم ذیحجه) برساند ادامه دارد. سنت آن است که در روز هشتم ذیحجه (یوم الترویج) محرم شود و در منا بیتوته کند. محل احرام حج تمام شهر مکه است و مستحب است در مسجدالحرام محرم شود، و افضل آن، مقام ابراهیم یا تحت میزاب است. اگر احرام حج را فراموش کند یا به جهت ندانستن مسئله، بدون احرام به منا و عرفات برود، واجب است از هر کجا که می‌تواند محرم شود. واجبات، محرمات و مستحبات و مکروهات احرام همان است که در احرام عمره بیان شد.

• وقوف در منا:

منا ۱۳۲ محلی است در پنج کیلومتری شرق مکه، که بیشترین اعمال حج تمتع در آنجا انجام می‌شود، این سرزمین میان دو رشته کوه در نزدیکی مشعرالحرام و مکه واقع شده و مساحت آن از انتهای وادی محسّر تا جمره عقبی امتداد دارد.

۱۳۲. در وجه تسمیه منا چندین قول است:

- از ریشه اُمّیه به معنای آرزوست.
- گویند وقتی حضرت آدم(ع) به زمین هیبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در اینجا پرسیدند: آیا آرزویی داری؟ از این‌رو، این سرزمین به منا معروف شد.
- منا از ریشه منّ است؛ زیرا خداوند بر مردم منّ گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد؛ و یا منت می‌گذارد در آنجا گناهشان را می‌بخشاید.
- آن را منا گفته‌اند زیرا «یمنی فیها من الدماء، ای یراق» در آنجا خون ریخته می‌شود.
- معنای دیگر که از ابن عباس نقل شده، آن است که منا به معنای محلی است که مردم اجتماع می‌کنند، زیرا «ان العرب یسمی کل مجتمع للناس منّی»، عرب هر جایی که مجمعی باشد آن را منا می‌خواند.

بنابر نظر همه‌ی مذاهب اهل تسنن،^{۱۳۳} سنت آن است که در روز هشتم پس از محرم شدن در مکه، در منا بیتوته کنند؛ و نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشاء و صبح (یک شبانه روز) را در منا به جماعت به جا آورند و هنگام طلوع خورشید روز نهم به سمت عرفات حرکت کنند و چنانچه شخصی شب نهم را در مکه ماند و در منا بیتوته نکرد ترک سنت کرده است، ولی بر او فدیة لازم نمی‌شود.

مستحب است هنگام خروج از مکه و داخل شدن در منا، تلبیه و ذکر بگوید.

• وقوف در عرفات:

«فاذا افضتم من عرفات...»^{۱۳۴}

سومین عمل از اعمال حج و اولین رکن آن، وقوف در عرفات است. وقوف در عرفات در روز نهم ذیحجه، که به روز عرفه شهرت یافته، در بین همه‌ی مذاهب اسلامی از ارکان مهم حج می‌باشد و جایگاه والایی دارد.

۱. اهمیت و جایگاه وقوف عرفات:

اهمیت روز عرفه از آنجایی آشکار می‌شود که در قرآن کریم از این روز به یوم الحج الأكبر تعبیر شده است:^{۱۳۵}

«واذان من الله ورسوله الى الناس يوم الحج الاكبر»^{۱۳۶}.

در روایاتی از پیغمبر اکرم (ص) تمام حج، وقوف در عرفه معرفی شده است:

«الحج عرفة فمن وقف بعرفة فقد تم حجه»^{۱۳۷}.

«من ادرك عرفة فقد ادرك الحج ومن فاتة عرفة فقد فاتة الحج»^{۱۳۸}.

۱۳۳. امامیه وقوف در منا را سنت نمی‌داند و معمولاً صبح نهم ذیحجه از مکه مکرمه مستقیم به سوی عرفات حرکت می‌کنند.

۱۳۴. بقره، ۱۹۸.

۱۳۵. برخی این آیه را مربوط به یوم النحر دانسته‌اند.

۱۳۶. توبه، ۳.

۱۳۷. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۱۴؛ تفسیر کبیر، ج ۵، ص ۲۳۱۰.



در روایات، ویژگی‌های زیادی برای عرفه بیان شده است، که از مهمترین آن‌ها بخشایش گناهان در این روز است، همانطور که پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: «خداوند بر اهل عرفه تجلی می‌یابد و گناهان آنان را می‌آمرزد و گناه‌کارترین مردم کسی است که در عرفات وقوف می‌کند، اما گمان می‌کند گناهایش بخشیده نشده است».

۲. حدود عرفات:

عرفات، صحرایی است وسیع و هموار، در دامنه‌ی کوهی به نام جبل‌الرحمة که در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکه مکرمه واقع شده است. صحرای عرفات خارج از محدوده‌ی حرم می‌باشد، و با ۱۲ کیلومتر طول و ۵/۶ کیلومتر عرض، مساحتی در حدود هفتاد و هشت کیلومتر مربع دارد. محدوده عرفات، امروزه با تابلوهای بزرگی مشخص شده است.

۳. حرکت به سمت عرفات:

حاجیان پس از بیتوته در منا در روز هشتم ذیحجه، با طلوع آفتاب روز نهم، به سمت عرفات روانه می‌شوند تا در عرفات وقوف کنند. مستحب است که از مسیر ضب^{۱۳۹} به سمت عرفات بروند و از مسیر مازمین بازگردند. مستحب است با آرامش و وقار حرکت کنند، و زیاد تلبیه بگویند و از ذکر و دعا غفلت نکنند و مستحب است این دعا را بخوانند:

«اللهم الیک توجهت وعلیک توکلت و وجهک اردت، فاجعل ذنبی مغفورا و حجّی مبرورا وارحمنی ولا تخیبنی وبارک لی فی سفری، واقض بعرفات حاجتی، انک علی کلّ شیء قدير».

هنگامی که نگاهش به جبل‌الرحمة افتاد، دعا کند و تسبیح و تکبیر بگوید و تلبیه‌گویان وارد عرفات می‌شود.

۱۳۸. تفسیر کبیر، ج ۵، ص ۲۳۱۰.

۱۳۹. اسم کوهی است که مسجد خیف بر روی آن واقع شده است.

۴. وقوف در عرفات:

وقوف در تمام سرزمین عرفات جایز است، مگر وادی عرنة که وقوف در آن صحیح نمی‌باشد.

بهرتر است در نزدیکی جبل الرحمة وقوف کند و رو به قبله باشد، و همچنین از مردم فاصله نگیرد، چراکه کناره‌گیری از مردم، نشان از نوعی تکبر و خودبینی است، که با ماهیت مناسک حج مناسبتی ندارد و از طرفی امید به اجابت دعای جماعت، بیشتر از اجابت دعای یک نفر است.

کناره‌گیری از حاجیان، تنها در صورتی شایسته است که بودن در میان آنان، مانع از گفتن ذکر و دعا و حضور قلب باشد.

در وقوف عرفات، طهارت شرط نیست؛ ولی مستحب است کمی پیش از زوال، به نیت وقوف در عرفات، غسل کند یا وضوء بگیرد، ولی غسل کردن افضل است.

سنت است که بعد از غسل یا وضوء به مسجد نمره رفته تا در خطبه‌های امیرالحاج و نماز جماعت آن شرکت کند، و با شرایطی که بیان خواهد شد، دو نماز ظهر و عصر را بدون فاصله بصورت جمع بخواند.

۵. تنها واجب عرفات:

در وقوف عرفات، اعمال خاصی واجب نیست؛ هر چند مستحبات و دعا‌های فراوانی دارد و تنها عملی که واجب است، بودن در این مکان به هر نحو ممکن است؛ حتی نیت کردن و قصد وقوف نیز شرط نمی‌باشد، بنابراین فرقی نمی‌کند که از روی توجه و عمد وقوف کند یا بدون قصد و اختیار باشد، پیاده باشد یا سواره، نشسته باشد یا خوابیده، مشغول به ذکر و دعا باشد یا در غفلت و خوشگذرانی باشد.

تنها در دو مورد وقوف اعتبار ندارد و از حج کفایت نمی‌کند:

(الف) شخصی که پیش از وقوف، جنون به او دست می‌دهد و تا آخرین لحظه‌ی وقوف بهبودی پیدا نمی‌کند.

(ب) شخصی که تمام مدت وقوف را بیهوش بوده است.



براساس دیدگاه برخی مذاهب همانند مالکی و حنبلی، قصد وقوف و نیت خالص برای خدا در وقوف عرفات شرط است، و قصد هم تابع علم و دانستن است، بنابراین اگر از عرفه گذر کند درحالی که نداند عرفات است و یا بداند، اما قصد وقوف نکند، در این صورت وقوف حاصل نشده است.

۶. مقدار وقوف (واجب - رکن):

مقدار زمانی که واجب است در عرفات وقوف کند، از ظهر روز نهم ذیحجه تا مغرب همان روز است؛ ولی آنچه که در وقوف عرفات رکن حج است، درک کردن مقدار اندکی از این زمان است به گونه‌ای که گفته شود قدری در عرفات توقف کرده است، مثلاً یک یا دو دقیقه در آنجا بماند.

۷. وقت اضطراری وقوف:

برای وقوف در عرفات، علاوه بر وقت عادی آن، که از ظهر روز نهم تا مغرب همان روز می‌باشد، وقت اضافه‌ای نیز تا پیش از طلوع فجر روز دهم قرار داده شده است؛ بنابراین کسانی که به هر دلیلی مانند فراموشی، ندانستن مسأله و یا داشتن عذری از وقوف در عرفات جا مانده‌اند، واجب است خود را تا قبل از فجر روز دهم به عرفه برسانند، که در این صورت حجتشان باطل نخواهد شد و دم نیز بر آنان واجب نمی‌شود.

۸. خروج از عرفات پیش از پایان وقت:

کسی که وقوف در عرفات را در روز آغاز کرده، واجب است تا غروب آفتاب در عرفات بماند.

خارج شدن از عرفات پیش از پایان وقت معین آن حرام است، ولی موجب بطلان وقوف نمی‌شود. و چنانچه شخصی که خارج می‌شود، بازنگردد بر او دم واجب است؛ ولی اگر پیش از غروب بازگشت، فقط گناه کرده است و چیزی بر او واجب نخواهد بود.

۹. اشتباه در تعیین روز عرفه:

چنانچه بعد از وقوف در عرفات، بر حاجیان آشکار شود که روزی که در آن وقوف

کرده‌اند، عرفه نبوده بلکه روز عید بوده است، در این صورت حجتان صحیح است؛ ولی چنانچه آشکار شود، روز هشتم یا روز یازدهم وقوف کرده‌اند، صحیح نمی‌باشد.

۱۰. اختلاف در رؤیت هلال ذیحجه:

چنانچه شخصی هلال ماه ذیحجه را خودش رؤیت کرده باشد، باید مناسک حج را بر طبق همان علم خودش انجام دهد، حتی اگر مجبور شود تنهایی وقوف کند. فرض فوق، در صورتی است که استهلال آن شخص، زودتر از اعلام رسمی باشد؛ مثلاً اگر شنبه اول ذیحجه اعلام شده است، برای او جمعه، اول ماه ثابت شود ولی چنانچه رؤیت هلال او در یکشنبه بوده است، در این زمان واجب است همان شنبه را اول ماه بدانند.

۱۱. جمع بین دو نماز در عرفات:

در روز نهم ذیحجه، برای کسانی که در عرفات حضور دارند و محرم هستند، سنت آن است که به مسجد نمره (مسجد ابراهیم) بروند و در نماز جماعت امام یا نائب او^{۱۴۰} شرکت کنند و هر دو نماز ظهر و عصر را در یک وقت (ظهر) و با یک اذان کنند، و فقط برای هر نماز، اقامه را جداگانه می‌خوانند، بنابراین پس از پایان نماز ظهر فوراً آماده‌ی اداء نماز عصر می‌شوند و به خواندن نمازهای نافله و تعقیبات نماز، مشغول نمی‌شوند.

با توجه به شرایطی که گفته شد، در این موارد جمع کردن بین دو نماز در روز عرفه جایز نیست:

- ۱- در عرفات حضور نداشته باشد.
- ۲- در عرفات حضور دارد اما محرم نباشد.
- ۳- نماز را بصورت فرادی بخواند.
- ۴- نماز جماعت، توسط شخصی غیر از امام یا نائب او بر پا شود.

۱۴۰. مراد از امام، خلیفه و یا سلطانی است که شرایط حاکمیت را دارد. جهت کسب اطلاعات دقیق‌تر در این باره به کتب اعتقادی رجوع شود.



۵- برخی، محل برپایی نماز جماعت را منحصر در همان جایی می‌دانند که نخستین بار پیغمبر(ص) در آن‌جا، نمازها را جمع‌آداء کردند(مسجد نَمِرَه) بنابراین در غیر از آن مکان جمع کردن جایز نیست.

۱۲. آداب و سنن وقوف:

- ۱- در نَمِرَه به نیت وقوف غسل کند یا وضوء بگیرد.
- ۲- تا زوال خورشید و شرکت در خطبه‌های روز عرفه و نماز جماعت ظهر و عصر که در نمره^{۱۴۱}(مسجد ابراهیم) برپا می‌شود، وارد عرفات نشود اما پس از پایان نماز بدون فوت وقت به عرفات برود.
- ۳- نماز ظهر و عصر را با کیفیتی که بیان شد بصورت جمع بخواند.
- ۴- در کوهپایه‌ی جبل‌الرحمه وقوف کند و از وقوف بر بالای کوه، همانگونه که به اشتباه بین مردم شهرت یافته است بپرهیزد.
- ۵- با طهارت، بدن پوشیده و رو به قبله وقوف کند؛ ولی چنانچه عورتش کشف شود یا بدون وضوء یا به حالت حیض باشد، وقوفش اشکالی ندارد ولی فضیلت را از دست داده است.
- ۶- روزه نگیرد؛ چرا که پیغمبر(ص) بدون روزه وقوف کردند و برخی گفته‌اند ترک روزه فقط در صورتیکه روزه گرفتن موجب ضعف جسمانی و مانع از خواندن دعاها و حضور قلب باشد، بهتر است.
- ۷- شایسته است امور شخصی خود را پیش از آغاز وقوف انجام دهد تا با حضور قلب کامل وقوف کند. همچنین با توجه کردن به توفیقی که نصیبش شده و جایگاهی که در آن قرار گرفته است، در نهایت ناتوانی و خضوع و خشوع خواسته‌هایش را از خداوند بخواهد و برای خودش و پدر و مادرش و همه‌ی دوستان و آشنایان طلب آمرزش کند.

۱۴۱. نمره در مجاورت عرفات است و برخی آن را جزئی از عرفات می‌دانند.

- ۸- در تلاوت قرآن و تکبیر و تهلیل^{۱۴۲} و استغفار و گفتن تلبیه و صلوات بر پیغمبر(ص) کوتاهی نکند و از دعاهای مأثور در عرفات این است که دست به آسمان برداشته و بعد از گفتن سه بار «الله اکبر والله الحمد» این دعا را بخواند:
- «لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملك وله الحمد اللهم اهدنی بالهدی وتقنی بالتقوی واغفر لی فی الآخرة والاولی».
- سپس بعد از دعا، دست‌ها را بیندازد و پس از کمی سکوت، باز مجدد آن را تکرار کند و تا می‌تواند همین‌طور ادامه دهد.
- ۹- از هرگونه بحث و دشنام و غیبت و گفتن کلمات ناروا دوری کند و تا حد امکان از سخنان مباح نیز بپرهیزد.
- ۱۰- شایسته است در دهی اول ذیحجه و به‌خصوص روز عرفه، به انجام کارهای خیر بیش از پیش مبادرت کند و از رد کردن گدایان و کسانی که از او خواسته‌ای دارند پرهیز کند.
- ۱۱- بهتر آن است که زیر آفتاب وقوف کند و تا حد امکان از رفتن زیر سایه خودداری کند مگر آنکه عذری داشته باشد یا در خواندن دعاها دچار ضعف شود.
- ۱۲- تا غروب کامل خورشید، در عرفات بماند؛ به گونه‌ای که مقداری از شب را نیز درک کرده باشد.



• پرسش:

- ۱- مکان احرام حج تمتع و زمان آنرا بیان کنید؟
- ۲- تفاوت واجب بودن وقوف عرفات و رکن بودن آن را بیان کنید؟
- ۳- منظور از زمان اضطراری وقوف چیست؟
- ۴- جمع کردن نمازها در عرفات چه حکمی دارد و شرایط و کیفیت آن را بیان کنید؟
- ۵- برخی از آداب و سنن وقوف را نام ببرید؟

درس نهم: حج تمتع (۲)

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- وقوف در مزدلفه و واجبات و احکام آن؛ از قبیل جمع خواندن نماز و زمان واجب وقوف
- ۲- حدود مزدلفه و آداب ورود و خروج از آن
- ۳- اعمال روز عید در منا (رمی جمره عقبه - قربانی - تحلیل)
- ۴- مکان جمره عقبه، زمان رمی و شرایط سنگ ریزه‌ها
- ۵- قربانی کردن و احکام از قبیل حیوانات قربانی و روزه گرفتن بدل از قربانی
- ۶- شیوه‌ی تحلیل و مقدار آن (حلق یا تقصیر)، زمان و مکان تحلیل



• وقوف در مشعر الحرام (مزدلفه):

«فاذا افضتم من عرفات فاذكروا الله عند المشعر الحرام».^{۱۴۳}

چهارمین عمل از مناسک حج، وقوف در مزدلفه در شب عید قربان است. این وقوف واجب بوده اما رکن نیست و ترک آن موجب بطلان حج نمی‌شود.

۱. آداب ورود به مزدلفه:

هنگامی که وقوف عرفات با غروب روز نهم به پایان رسید، حاجیان بدون خواندن نماز مغرب به سمت مزدلفه روانه می‌شوند تا خود را برای بیتوته در شب عید به آنجا برسانند. بر حاجی مستحب است از مسیر مأزمین بازگردد و با آرامش و وقار قدم بردارد، در طول مسیر نیز زیاد استغفار کند و بر پیغمبر(ص) صلوات بفرستد و تکبیر و تهلیل و تلبیه بگوید تا به مزدلفه برسد.

هنگام رسیدن به مزدلفه بر حاجیان مستحب است از روی ادب و احترام، با پای پیاده وارد شوند؛ چرا که این مکان، بخشی از حرم است. مستحب است در صورت امکان هنگام ورود به آن غسل کنند.

۲. حدود مزدلفه:

مشعر الحرام یا همان مزدلفه سرزمینی است داخل محدوده‌ی حرم، که مابین عرفات(با فاصله‌ای ۶ کیلومتر) و منا(با فاصله ۵ کیلومتر) قرار گرفته است. این موقف پس از گذشتن از مأزمین آغاز می‌شود و تا وادی محسّر، با طول حدود ۴ کیلومتر ادامه دارد.

۳. وقوف در مزدلفه:

وقوف در مزدلفه از غروب آفتاب روز نهم تا طلوع آفتاب روز دهم ادامه دارد که جزئیات بیشتر آن بیان خواهد شد.

وقوف در همه جای مزدلفه به غیر از وادی محسّر جایز است^{۱۴۴} ولی مستحب آن است در نزدیکی کوه قُزَح که در کنار آن، مسجد مشعر الحرام واقع شده است جا بگیرد و تا حد توان از بیتوته در مسیر راه خودداری کند چرا که کراهت دارد. بهتر آن است از مردم فاصله نگیرد، مگر آنکه بودن در میان آنان مانع از گفتن ذکر و دعا و حضور قلب باشد. در این موقف نیز مستحب است، مداومت بر ذکر و دعا از قبیل صلوات و تکبیر و تهلیل و استغفار و تلبیه داشته باشد و برآورده شدن حوائج دنیوی و اخروی را مطالبه کند.

۴. واجبات مزدلفه:

بنا بر مذهب حنفی دو عمل در وقوف مزدلفه واجب است:

۱- بودن در مزدلفه به قدر یک لحظه از هنگام اذان صبح تا طلوع آفتاب: ولی مستحب است که از هنگام اذان صبح تا طلوع آفتاب وقوف را ادامه دهد و تنها زمانی که به اندازه‌ی دو رکعت نماز به طلوع آفتاب مانده از مزدلفه به سمت وادی محسّر حرکت کند.

استثناء از وقوف در زمان واجب آن:

زنان و کودکان و نیز افراد ضعیف و ناتوان، مانند افراد کهنسال و بیماران و کسانی که سرپرستی این افراد را برعهده دارند و همچنین کسانی که عذری دارند، می‌توانند بعد از نصف شب به سمت منا بروند؛ چراکه وقوف از اذان صبح تا طلوع آفتاب بر آنان واجب نیست و فقط استحباب دارد.

عدم نیاز به نیت:

در درستی وقوف مزدلفه، نیت وقوف شرط نیست بنابراین حتی اگر نداند در مزدلفه وقوف کرده است، وقوفش صحیح است.

ترک وقوف در زمان واجب آن:

چنانچه شخصی مقدار واجب وقوف را بدون عذر ترک کند حش باطل نخواهد شد

۱۴۴. وادی محسّر بدان جهت از موقف خارج است که موقف اصحاب فیل بوده است.



ولی بر او دم واجب می‌شود؛ اما برای ترک وقت مستحبِ وقوف و ترک بیتوته (یعنی شب در مزدلفه باشد)،^{۱۴۵} کفاره‌ای لازم نیست.

۲- جمع تأخیر نمازهای مغرب و عشاء:

بر حاجیان لازم است خواندن نماز مغرب و عشاء را تا رسیدن به مزدلفه به عقب بیندازند و هنگام رسیدن به این موقف، چنانچه وقت عشاء داخل شده باشد بدون فوت وقت و پیش از آنکه مستقر شوند نمازهای مغرب و عشاء را بصورت جمع تأخیر اداء کنند چراکه این جمع بین نمازها در شب عید قربان واجب است و بهتر آن است که به مسجد مشعرالحرام بروند و نمازها را با جماعت اداء کنند.

شرایط جمع کردن نمازهای مغرب و عشاء:

- ۱- در حالت احرام باشد.
- ۲- قبل از وقوف در مزدلفه، وقوف در عرفات را انجام داده باشد.
- ۳- در مزدلفه باشد و شب دهم ذیحجه باشد.
- ۴- وقت عشاء داخل شده باشد.

تفاوت‌های جمع کردن نمازها در مزدلفه و عرفات:

- ۱- جمع بین نمازهای ظهر و عصر در عرفات سنت است اما جمع بین نمازهای مغرب و عشاء در مزدلفه واجب است.
- ۲- در جمع خواندن نمازها در عرفات، حضور در نماز جماعت شرط می‌باشد و برای امام جماعت نیز شرایطی لازم بود؛ اما در جمع خواندن نمازهای مزدلفه، حضور در جماعت شرط نیست و فقط سنت است.
- ۳- در عرفات، پیش از خواندن نمازهای ظهر و عصر، دو خطبه خوانده می‌شد اما در مزدلفه خطبه‌ای وجود ندارد.
- ۴- در نمازهای ظهر و عصر عرفات باید برای هر نماز اقامه‌ای جداگانه گفته شود اما در نمازهای مغرب و عشاء مزدلفه فقط یک اقامه گفته می‌شود.

۱۴۵. آنچه در وقوف منا واجب است، بودن از اذان صبح تا طلوع آفتاب است؛ ولی بودن در مزدلفه از اذان مغرب تا اذان صبح سنت است.

۵- نماز ظهر و عصر در عرفات بصورت جمع تقدیم خوانده می‌شود، ولی نماز مغرب و عشاء در مشعرالحرام به صورت جمع تأخیر خوانده می‌شود.

ترک جمع خواندن:

در صورتیکه شخصی نمازهای مغرب و عشاء را بصورت جمع نخواند، گناه کرده و باید آنرا بصورت جمع اعاده کند، اما اگر تا پایان وقت اعاده نکرد، نماز او صحیح است و فدیهای بر او واجب نمی‌شود.

رسیدن به موقف پیش از وقت عشاء:

اگر شخصی زودتر از وقت عشاء به مزدلفه رسید بایستی تا داخل شدن وقت عشاء صبر کند و نمی‌تواند مغرب را بخواند.

نیت اداء در نماز مغرب:

در جمع نماز مغرب و عشاء، باید نماز مغرب را به نیت اداء به جا آورد هر چند وقت مغرب به پایان رسیده باشد.

رعایت ترتیب در جمع نمازها:

اگر در وقت عشاء، اول نماز عشاء را اداء کند و سپس مغرب را بخواند بر او لازم است که بعد از مغرب مجدد عشاء را اعاده کند.

خواندن نماز خارج از مزدلفه:

خواندن نماز مغرب و عشاء در خارج از مزدلفه جایز نیست مگر آنکه ترس از پایان وقت عشاء و قضا شدن داشته باشد.

۵. برخی آداب و احکام مزدلفه:

بیتوته:

سنت مؤکد است شب عید را در مزدلفه بیتوته^{۱۴۶} کند؛ این عمل واجب نیست و با ترک آن کفاره‌ای لازم نمی‌شود.

۱۴۶. بیتوته یعنی اتراق و شب ماندن در جایی.



شب‌زنده‌داری در این بیتوته و زیاد دعا کردن در این شب، استحباب زیاد دارد؛ چراکه این شب به عقیده‌ی برخی از علماء، از شب جمعه و شب قدر هم افضل است.

جمع‌آوری سنگ ریزه:

مستحب است برای رمی جمرات در منا از مزدلفه سنگ‌ریزه جمع‌آوری کند که حداقل آن ۴۹ عدد و اگر بخواهد در روز سیزدهم نیز رمی جمرات کند، حداکثر آن ۷۰ تا می‌باشد. در صورت عدم جمع‌آوری سنگ‌ریزه از مزدلفه می‌تواند در منا یا هر جای دیگری که از محدوده‌ی است حرم جمع‌آوری کند.

۶. آداب خروج از مزدلفه: ۱۴۷

پس از اداء نماز صبح و زمانی که فقط به اندازه‌ی دو رکعت نماز تا طلوع آفتاب باقی‌مانده است، به همراه جمعیت از مزدلفه به سوی منا حرکت کند. مستحب است هنگامی که به کوه قزح، که در آخر مزدلفه واقع شده است رسیدند در دامنه‌ی کوه ایستاده و رو به قبله دعا کنند. در طول مسیر به ذکر و دعا و تلبیه مداومت کنند و همانطور که در آیه بدان امر شده است، زیاد استغفار کنند.

با وقار و آرامش حرکت کنند، ولی هنگام رسیدن به وادی محسّر که امروزه با نصب تابلوهایی مشخص شده، با سرعت گذر کنند و از توقف در این وادی بپرهیزند؛ چراکه محسّر مکانی است که عذاب الهی بر سپاه ابرهه و اصحاب فیل نازل شد و چون این شکست‌مآیه‌ی حسرت آنان شد آن وادی را محسّر نامیدند.

• رمی جمره عقبه:

پنجمین عمل از اعمال حج، رمی جمره عقبه در منا ۱۴۸ است. بر حاجیان سه عمل در روز عید قربان، هنگام رسیدن به منا واجب است؛ که نخستین آن‌ها زدن هفت سنگ‌ریزه به جمره عقبه به یاد حضرت ابراهیم (ع) است؛ چراکه

۱۴۷. «ثُمَّ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». بقره، ۱۹۹.

۱۴۸. حدود منا در وقوف منا بیان شد.

در آن جایگاه ابلیس بر حضرت ابراهیم(ع) ظاهر شد تا با وسوسه‌هایش ایشان را دچار شک و تردید کند که با پرتاب سنگ رانده شد و از همین رو این مکان نماد شیطان شده و رمی آن اظهار تنفر و روی گردانی از او محسوب می‌شود.

۱. مکان جمرات:

در آخر سرزمین منا، پیش از ورود به مکه، سه ستون سنگی قرار دارد که اولین ستون «جمره اولی» در نزدیکی مسجد خیف و دومین «جمره وسطی» و سومین که از آن دو به مکه نزدیک‌تر است، «جمره عقبه» یا «جمره کبری» نام دارد. امروزه جمرات سه‌گانه توسعه یافته و در چند طبقه ساخته شده است، آن ستون‌های باریک نیز به شکل دیوای با عرض ۲۵ متر در آمده است تا هنگام ازدحام مشکلی در رمی کردن به وجود نیاید. رمی جمرات در هر طبقه‌ای که صورت بگیرد و به هر جای دیوار که اصابت کند صحیح است.

۲. زمان رمی جمره عقبه:

رمی جمره عقبه از طلوع فجر عید تا طلوع فجر یازدهم جایز است و صحیح می‌باشد. رمی جمره عقبه زودتر از طلوع فجر (اذان صبح) جایز نیست و از هنگام طلوع فجر تا طلوع خورشید زمان کراهت آن است. زمان سنت و استحباب رمی از طلوع خورشید تا هنگام زوال است. از غروب عید تا طلوع فجر یازدهم وقت اضطراری رمی بوده و کراهت نیز دارد. چنانچه رمی جمره عقبه تا طلوع فجر یازدهم انجام نگیرد دم لازم می‌گردد و قضا نیز لازم می‌شود.

۳. واجبات رمی:

- ۱- نیت (قصد قربت و اخلاص).
- ۲- پرتاب سنگ‌ها؛ بنابراین اگر جلو برود و سنگ را بر روی جمره بگذارد کافی نیست.



- ۳- سنگ‌ها با پرتاب خودش به جمره برسد؛ بنابراین اگر سنگ دیگران به آن بخورد و به سبب این برخورد به جمره اصابت کند کافی نیست.
- ۴- سنگ‌ها به «جمره» بخورد، البته اگر در دایره افتاد کافی است.
- ۵- زدن هفت عدد سنگ به جمره، کمتر از این عدد جایز نیست و بیشتر از آن نیز کراهت دارد مگر آن که در تکمیل هفت عدد مشکوک باشد.
- ۶- با دست پرتاب کند.
- ۷- به تدریج بزند؛ پس اگر همگی یا تعدادی از آن‌ها را با هم پرتاب کند و به جمره بخورد، تمام آن‌ها، یکی محسوب می‌شود.

۴. شرایط سنگ ریزه‌ها:

- ۱- ریگ باشد؛ یعنی زیاد بزرگ یا ریز نباشد و مستحب است به اندازه باقالی باشد؛ البته رمی با سنگ‌های بزرگتر و کوچکتر هم جایز است ولی کراهت دارد.
- ۲- جنس آن باید از سنگ، کلوخ، سفال، آهک، سنگ سرمه، سنگ آهن و زرنیخ باشد؛ اما استفاده از آنچه که از جنس زمین محسوب نمی‌شود مانند چوب، عنبر، مروارید و... جایز نیست.
- ۳- از منطقه حرم باشد؛ مثلاً از مشعرالحرام، منا یا شهر مکه باشد.
- ۴- خودش یا شخص دیگری، قبلاً برای رمی صحیح از آن استفاده نکرده باشد اما در صورتیکه شخص دیگری استفاده کرده باشد کراهت دارد.
- ۵- مستحب است سنگ‌ریزه‌ها پاک باشند؛ بنابراین رمی با سنگ‌ریزه‌ی نجس مکروه است و در صورتیکه آن را بشوید دیگر کراهت ندارد.
- ۶- شکستن سنگ‌های بزرگتر برای تهیه سنگ‌ریزه جایز است ولی کراهت دارد.

۵. برخی احکام رمی:

۱. طهارت هنگام رمی:

در رمی جمره، طهارت شرط نیست ولی مستحب است؛ بنابراین زن حائض و شخص جنب و بی‌وضو نیز می‌تواند رمی کند.

۲. نیابت در رمی:

بر کودکان، بیماران و کسانی که نمی‌توانند خودشان رمی کنند، لازم است شخص دیگری به نیابت از آن‌ها رمی را انجام دهد.

اگر پس از آنکه نایب رمی جمره کرد، بیماری منوب عنه برطرف شد لازم نیست خودش دوباره رمی کند.

مستحب است در صورت امکان، شخصی که نیابتاً از او رمی می‌شود، نزد جمره حاضر شود و در حضور او رمی انجام بگیرد.

افضل آن است که شخص نایب ابتدا رمی خودش را انجام دهد سپس به نیابت از دیگری رمی کند.

کسی که در هنگام شلوغی از رمی ناتوان است ولی اطمینان دارد که در وقت خلوت روز می‌تواند رمی کند، باید صبر کند و نباید به دیگری نیابت بدهد.

۳. شرط نبودن موالات:

در رمی جمره لازم نیست هفت سنگریزه را پشت سر هم پرتاب کند بلکه می‌تواند با فاصله رمی را انجام دهد هر چند کراهت دارد.

۴. شکیات رمی:

اگر هنگام رمی، در تعداد سنگ‌هایی که به ستون زده شک کند، به حداقل عمل کند و رمی را آنقدر ادامه دهد که یقین کند هفت عدد به ستون یا اطراف آن خورده است.

در موارد زیر به شک اعتنا نمی‌شود:

الف) اگر شک کند که سنگ‌ها را شخص دیگری قبل از او استفاده کرده است یا نه، ولی اگر یقین داشته باشد نزد حنفی‌ها مکروه است و نزد شافعی‌ها جایز نیست.

ب) پس از تقصیر یا قربانی شک کند رمی کرده است یا نه.

اگر پس از رمی و رفتن از محل، متوجه شود که همه‌ی هفت سنگ را به جمره نزنده است در صورتیکه نصف بیشتر (۴ عدد) آن را زده باشد، کفایت می‌کند و برای باقیمانده‌ی آن صدقه می‌دهد.



۵. توقف نکردن برای دعا پس از رمی:

- پس از رمی جمره عقبه سنت آن است که برای دعا توقف نکند ولی پس از رمی جمرات دیگر دعا خواندن مستحب است.^{۱۴۹}

۶. قطع تلبیه با شروع رمی:

حج گزاران اعم از متمتع، قارن و مفرد با پرتاب نخستین سنگریزه به جمره عقبه، تلبیه را قطع می‌کند.

۶. مستحبات رمی:

- داشتن طهارت هنگام رمی.
- گرفتن سنگریزه‌ها با انگشتان شست و سیبانه و پرتاب آنها.
- سنگ‌ها را با دست راست بردارد و با گفتن بسم الله و الله اکبر بزند.
- خواندن این دعا هنگام زدن: «رَغَمًا لِلشَّيْطَانِ وَرِضًى لِلرَّحْمَنِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَسَعِيًّا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا».
- وقتی رمی می‌کند طوری بایستد که منا سمت راست و کعبه سمت چپ او باشد.

• قربانی (دم شکر):

«فمن تمتع بالعمرة الى الحجّ فما استيسر من الهدى فمن لم يجد فصيامُ ثلاثة ايامٍ في الحجّ وسبعة اذا رجعتم...».^{۱۵۰}

ششمین عمل از مناسک حج تمتع و دومین عمل از اعمال روز عید که پس از رمی جمره عقبه، انجام می‌شود قربانی کردن است.

قربانی، سنت ابراهیم (ع) است اما در مناسک حج، انسان با قربانی، شکر و سپاس خداوند را به جا می‌آورد که به او توفیق داد مناسک عمره و حج را انجام دهد.

۱۴۹. شاید دلیل این حکم، ضیق بودن مکان جمره عقبه نسبت به دو جمره‌ی دیگر باشد.

۱. زمان شکرانه:

قربانی کردن باید در روزهای دهم تا دوازدهم ذیحجه انجام بگیرد؛ همچنین باید پس از رمی جمره عقبه و پیش از تحلیل (حلق یا تقصیر) باشد. چنانچه قبل از قربانی کردن تحلیل کند، باید یک گوسفند کفاره دهد.

۲. مکان قربانی:

انجام قربانی در همه جای حرم جایز است ولی مستحب است در منا باشد. امروزه کشتارگاه‌هایی در مجاورت منا برای تسهیل در امر قربانی ساخته شده است که همگان در همانجا قربانی می‌کنند.

۳. شرایط حیوان قربانی:

- حیواناتی که می‌توان آن‌ها را در راه خدا در روز عید، قربانی کرد عبارتند از: گوسفند، شتر و گاو. سایر حیوانات برای قربانی دم شکر کفایت نمی‌کند. در قربانی کردن، گوسفند برای یک نفر، ولی شتر و گاو برای هفت نفر کفایت می‌کند. حیوان قربانی باید کاملاً سالم باشد و هیچ‌گونه نقص و عیبی نداشته باشد بنابراین حیوان کور، لنگ، گوش بریده، شاخ شکسته و... کفایت نمی‌کند. حیوان قربانی نباید زیاد پیر و زیاد لاغر باشد. در حیوان قربانی لازم است که سن گوسفند یک سال کامل، گاو دو سال کامل و شتر پنج سال کامل باشد.

۴. احکام قربانی:**۱- واجب نبودن قربانی بر مُفرد:**

قربانی کردن در روز عید فقط بر متمتع و قارن واجب است، ولی بر مُفرد مستحب است.



۲- روزهی بدل از قربانی:

کسی که از نظر مالی توانایی قربانی ندارد باید به جای آن ده روز، روزه بگیرد. سه روز اول را باید در ماه ذیحجه و تا پیش از عرفه روزه بگیرد و هفت روز دیگر را پس از پایان مناسک حج در هر کجا که بخواهد. مستحب است آن سه روز را پی در پی روزه بگیرد، موالات در آن هفت روز دیگر نیز مستحب است.

اگر شخصی سه روز ایام حج را تا پیش از عرفه روزه نگرفت، و یا اینکه روزه گرفت ولی پس از آن توان قربانی کردن بدست آورد، در هر دو صورت باید قربانی کند. اگر شخصی پول خرید حیوان را ندارد ولی می‌تواند بدون زحمت از کسی قرض کند و امکان اداء قرض را نیز دارد، واجب است قرض کند.

۵. مصرف قربانی:

احتیاط آن است که حداقل ثلث قربانی را به فقیری صدقه دهد و ثلث دیگر را به مؤمنی هدیه کند و باقی آن را نیز به هرگونه که خواست مصرف کند. خوردن حاجی از گوشت قربانی (هدی شکرانه) اشکال ندارد، اما خوردن آنچه که برای کفاره قربانی شده است (هدی جنایات) برای خود حاجی جایز نمی‌باشد.

۶. نیابت در ذبح:

در قربانی کردن لازم نیست خود حاجی حیوان را ذبح کند، بلکه می‌تواند به شخص دیگری نیابت دهد، ولی مستحب است در صورت امکان خودش ذبح کند. امروزه از هر کاروان چند نفر به نیابت از دیگران، در قربانگاه حاضر می‌شوند و قربانی را نیابتاً انجام می‌دهند، بنابراین بر حاجیان لازم است تا هنگام اطمینان از انجام قربانی خود، اقدام به حلق یا تقصیر نکنند.

کسی که به او نیابت داده می‌شود باید شخصی مورد اعتماد باشد تا از صحت قربانی اطمینان حاصل شود.

۷. رعایت احکام ذبح:

در قربانی کردن باید همه‌ی شرایط ذبح که در کتب فقهی بیان شده از قبیل؛ رو به قبله بودن، بردن نام خدا هنگام ذبح، مقدار بریدن و کیفیت صحیح آن و... رعایت شود.

۸. خواندن دعا:

مستحب است قبل یا بعد از ذبح دعا کند و هنگام ذبح دعا نخواند زیرا ذبح کراهت دارد. دعای مأثور چنین است: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مَّا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ان صَلَاتِي وَنَسْكَي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ؛ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا النِّسْكَ وَاجْعَلْهَا قَرْبَانًا لَوْجْهَكَ وَعَظِّمْ اجْرِي عَلَيْهَا».

• تحلل (حلق یا تقصیر):

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنِ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ...». ۱۵۱

هفتمین عمل از مناسک حج و آخرین عمل از واجبات منا در روز عید، تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر می‌باشد.

حاجیان در روز عید پس از رمی جمره عقبه و انجام قربانی با حلق یا تقصیر از احرام خارج می‌شوند و می‌توانند لباس احرام را از تن به در آورند.

با حلق و تقصیر، تحلل اول انجام می‌شود؛ یعنی تمام محرمات احرام برداشته می‌شود مگر مباشرت با همسر که پس از طواف زیارت حلال می‌گردد و بدان تحلل دوم گفته می‌شود.

۱. زمان تحلل:

مستحب است در روز عید قربان تحلل کند، گرچه جایز است تا روز دوازدهم ذیحجه تأخیر اندازد. اگر تحلل را تا روز دوازدهم انجام ندهد دم واجب می‌شود.



۲. مکان تحلل:

محل حلق یا تقصیر، تمام حرم است و جایز نیست خارج از حرم تحلیل کند ولی سنت آن است در منا انجام دهد. در صورت تحلیل خارج از حرم، دم واجب می‌شود.

۳. مستحبات حلق و تقصیر:

- ۱- رو به قبله حلق یا تقصیر کند.
- ۲- در حلق کردن مستحب از جانب راست سر آغاز کند.
- ۳- هنگام حلق یا تقصیر برای خودش و پدر و مادرش دعا کند.
- ۴- به هنگام حلق و پس از آن تکبیر بگوید.
- ۵- پس از حلق یا تقصیر، موها را در منا زیر خاک دفن کند.
- ۶- بعد از حلق یا تقصیر چیدن ناخن‌ها و کوتاه کردن سبیل نیز مستحب است.

۴. برخی احکام تحلل:

۱- مقدار حلق یا تقصیر:

در صورت تقصیر باید به اندازه یک بند انگشت، یک چهارم از مساحت سر را کوتاه کند و در حلق باید یک چهارم سر را بتراشد ولی مستحب آن است تمام سر را کوتاه کند یا بتراشد.

۲- تحلل بانوان:

بانوان فقط تقصیر می‌کنند و حلق بر آنان حرام است و باید از یک چهارم سر به اندازه‌ی یک بند انگشت کوتاه نمایند.

چنانچه در جایی که مردان نامحرم حضور دارند تقصیر می‌کنند، مواظب باشند، نامحرم موی آن‌ها را نبینند.

۳- شیوه‌ی تقصیر:

در تقصیر، کندن مو کافی نیست، بلکه باید مو را بچیند و کوتاه کند به هر وسیله‌ای که باشد، قیچی، ناخن‌گیر و... .

۴- انجام حلق یا تقصیر توسط دیگران:

کسی که اصلاً محرم نباشد، کسی که تحلیل کرده و کسی که خودش تحلیل نکرده (در صورتی که زمان حلق یا تقصیرش باشد)، می‌توانند موی شخص دیگری را بچینند یا بتراشند.

۵- افضلیت حلق برای مردان:

تراشیدن موها در هر صورت از کوتاه کردن آن افضل است و اگر موها به مقداری کوتاه باشند که کوتاه کردن آن به مقدار یک بند انگشت ممکن نباشد، در این صورت حلق واجب می‌شود.

۶- کسانی که موی سر ندارند:

مردانی که کچل هستند و هیچ مویی ندارند باید فقط تیغ را بر سر خود بکشند و اگر به سبب زخم کشیدن تیغ نیز ممکن نباشد، این واجب از آنان ساقط می‌شود و بدون حلق محل خواهند شد.

بهتر آن است این افراد تا روز دوازدهم ذیحجه که آخرین روز ایام نحر است خود را محرم بدانند و از محرمات احرام اجتناب کنند.

توجه: «با انجام تحلل اول، اعمال روز عید در منا به پایان می‌رسد و حاجیان جهت انجام اعمال مکه، طواف زیارت و سعی به مکه بازمی‌گردند.»

• برخی مستحبات منا:

- ۱- مستحب است حاجی پس از انجام اعمال مکه در روز دهم، روز یازدهم و دوازدهم را در منا بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منا بیرون نرود.
- ۲- مستحب است بعد نمازها تکبیر تشریح بگوید و بهتر است بگوید: «الله اکبر، الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر، الله اکبر والله الحمد».



• پرسش:

- ۱- واجبات وقوف در مزدلفه کدامند؟
- ۲- شرایط جمع خواندن نمازها در مزدلفه را بیان کنید و تفاوت‌های آن را با جمع خواندن نمازها در عرفات نام ببرید.
- ۳- اعمال روز عید در منا را به ترتیب بیان کنید.
- ۴- واجبات رمی و شرایط سنگ‌ریزه‌ها را بیان کنید.
- ۵- حیوانات قربانی را نام برده و شرایط آن‌ها را توضیح دهید.
- ۶- مقدار تقصیر و حلق را شرح داده و حکم تقدیم آن بر قربانی چیست؟
- ۷- مستحبات حلق و تقصیر را نام ببرید.

درس دهم: حج تمتع (۳)، حج قران، حج افراد

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- اعمال مکه در عید قربان از جمله طواف زیارت، نماز طواف و سعی
- ۲- رکن بودن طواف زیارت و حلال شدن همه محرمات احرام با انجام آن
- ۳- اعمال ایام التشریق از جمله بیتوته، رمی جمرات سه گانه و احکام آن
- ۴- طواف وداع پایان بخش مناسک حج تمتع، آداب خروج از مسجد الحرام
- ۵- تعریف حج قران، ویژگی‌ها و احکام آن
- ۶- تعریف حج افراد، ویژگی‌ها و احکام آن



• طواف زیارت

«وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ».

هشتمین عمل از مناسک حج که در روز دهم ذیحجه پس از مناسک منا انجام می‌گیرد طواف زیارت است.

طواف زیارت یکی از واجبات و ارکان حج است که در آن نیابت امکان ندارد و هرکسی باید شخصاً آن را اداء کند.

وجوب این طواف تا هنگام اداء شدن آن ادامه دارد و با دم جبران نخواهد شد؛ همچنین در صورت ترک آن، مباشرت با همسر جایز نخواهد بود مگر آن که شخصاً بازگشته و آن را انجام دهد.

«چگونگی انجام طواف و آداب و سنن آن، در گذشته به تفصیل بیان شد.»

۱. زمان طواف زیارت:

با طلوع فجر روز دهم وقت اختیاری طواف زیارت آغاز می‌شود و تا پیش از غروب آفتاب روز دوازدهم ادامه دارد. وقت اضطراری انجام این طواف با پایان روز دوازدهم آغاز می‌شود و تا هنگامی که آن را اداء نکند، این وجوب از ذمه او ساقط نمی‌شود و باید به موجب این تأخیر کفاره نیز بدهد و چنانچه تا پایان عمر نتوانست آن را انجام دهد واجب است برای انجام دادن آن وصیت کند.

بهترین زمان برای انجام طواف زیارت، پیش از ظهر تا غروب روز دهم می‌باشد و به تأخیر انداختن آن به روزهای یازدهم و دوازدهم کراهت دارد.

افضل آن است که طواف زیارت بعد از رمی جمره، قربانی و حلق یا تقصیر (تحلل اول) انجام شود اما پیش از آن نیز صحیح است.

۲. برخی احکام طواف:

۱- اضطباع و رمل:

در طواف زیارت، اضطباع وجود ندارد؛ چراکه پیش از طواف با انجام حلق یا تقصیر از احرام خارج شده و لباس معمولی به تن می‌کند.



رمل در طواف زیارت در صورتی سنت است که بخواهد پس از طواف سعی انجام دهد.

چنانچه پس از طواف قدوم سعی کرده باشد، در طواف زیارت نیاز به سعی نیست و کراهت هم دارد و رمل نیز دیگر سنت نمی‌باشد.

۲- فوت پیش از طواف:

اگر حاجی بعد از وقوف در عرفات فوت کند، چنانچه وصیت به اتمام حج کرده باشد بجای طواف زیارت او یک شتر یا گاو ذبح کنند.

۳- عادت ماهیانه:

زنانی که در ایام حج در عادت ماهیانه بسر می‌برند باید برای انجام طواف صبر کنند تا پاک شوند و پس از غسل طواف را اداء کنند.

اگر پاک شدن زن تا بعد از ایام نحر طول کشید، معذور بوده و کفاره تأخیر بر او لازم نیست.

انجام دادن سایر مناسک حج از جمله وقوف‌ها، رمی جمرات، قربانی و تقصیر در عادت ماهیانه مانعی ندارد.

۴- طواف زیارت، تحلل دوم:

با انجام طواف زیارت مباشرت با همسر حلال می‌شود بنابراین همه محرّمات احرام به غیر از آن محرّماتی که مربوط به حرم می‌باشد برداشته خواهد شد.

کودک نابالغی که محرم شده نیز باید طواف زیارت را حتماً اداء کند یا نایبی از طرف او انجام دهد.

۵- طواف وداع پیش از طواف زیارت:

اگر شخصی پیش از طواف زیارت طواف وداع را انجام داد، آن طواف بجای طواف زیارت محسوب خواهد شد.

۶- طواف زیارت پیش از حلق یا تقصیر:

بجا آوردن طواف حج پیش از حلق یا تقصیر جایز است اما در این صورت دیگر طواف



زیارت موجب تحلل نخواهد شد و تا انجام حلق یا تقصیر تمام محرّمات از جمله مباشرت با همسر باقی خواهد ماند.

۳. نماز طواف زیارت:

نهمین عمل از اعمال حج تمتع به جا آوردن دو رکعت نماز به نیت طواف زیارت است.

اداء این نماز واجب است و در انجام آن باید همه‌ی شرایط نماز از جمله طهارت، نیت و... رعایت شود.

مکان اداء نماز:

بهتر آن است که پشت مقام ابراهیم و در نزدیک‌ترین فاصله به آن اداء شود. چنانچه نتوانست نماز را در پشت مقام ابراهیم اداء کند می‌تواند در هر جای دیگری که بخواهد آن را به جا آورد ولی اقامه‌ی آن خارج از محدوده‌ی حرم مکروه است. شایسته است به خاطر ازدحام جمعیت نماز طواف و دعا را مختصر کند تا جا برای دیگران باز شود.

زمان اداء نماز:

خواندن نماز طواف وقت خاصی ندارد و بهتر آن است بلا فاصله پس از طواف اداء شود.

در اوقاتی که نماز خواندن کراهت دارد یعنی هنگام طلوع و غروب آفتاب و وقت زوال، خواندن نماز طواف نیز جایز نیست.

برخی مستحبات نماز:

مستحب است در رکعت اول نماز بعد از حمد، قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم توحید بخواند.

مستحب است بعد از نماز دعا کند و دعای مأثور از حضرت آدم(ع) در مقام ابراهیم اینگونه است:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعَلَّمُ سِرِّي وَ عَلَانِيَتِي فَأَقْبِلْ مَعْذِرَتِي وَ تَعَلَّمْ حَاجَتِي فَأَعْظِنِي سُؤْلِي وَ تَعَلَّمْ مَا



فِي نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا يُبَاشِرُ قَلْبِي وَ يَقِينًا صَادِقًا حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرِضًا بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

• سعی:

دهمین عمل از مناسک حج، پیمودن هفت مرتبه فاصله بین دو کوه صفا و مروه می‌باشد که از آن به سعی بین صفا و مروه تعبیر می‌شود. انجام سعی پس از طواف زیارت در صورتی واجب است که حاجی پس از طواف قدوم سعی انجام نداده باشد.

چنانچه سابقاً در طواف قدوم یا هر طواف دیگری سعی را انجام داده باشد، انجام دوباره آن پس از طواف زیارت کراهت شدید دارد چراکه با توجه به مقدار زیاد اعمال در روز دهم ذیحجه انجام دادن سعی دشوار خواهد بود و موجب حرج می‌شود. اگر کسی پیش از ماه‌های حج طواف قدوم را همراه با سعی به‌جا آورد در این زمان واجب است سعی را بعد از طواف زیارت مجدد به‌جا آورد. «چگونگی انجام سعی و آداب و سنن آن، در گذشته به تفصیل بیان شد.»

• بیتوته در منا:

«وَأذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى...» ۱۵۲

یازدهمین عمل از مناسک حج، بیتوته و ماندن شب‌های یازدهم و دوازدهم در سرزمین منا می‌باشد.

بیتوته در منا یعنی همین که اکثر شب را در آن جا بماند. این عمل واجب نیست اما سنت موکد است و ترک آن موجب کفاره نمی‌شود.

۱۵۲. «خداوند را در روزهایی چند یاد کنید، و هر کس که دو روز پیش افتد، مرتکب گناهی نشده است؛ هر برهیزگاری هم که تأخیر کند گناهی نکرده است». بقره، ۲۰۳.



برای تحقق بیتوته فقط کافی است که در محدوده‌ی منا بماند و از آن خارج نشود ولی بیدار ماندن شب یا اعمال دیگری لازم نیست؛ هر چند بهتر آن است مشغول به ذکر و عبادت باشد.

۱. مستحبات منا:

- ۱- مستحب است حاجی پس از انجام اعمال مکه در روز دهم، روز یازدهم و دوازدهم را در منا بماند و حتی به جهت طواف مستحب از منا بیرون نرود.
- ۲- مستحب است بعد نمازها تکبیر تشریح بگوید و بهتر است بگوید: «الله اکبر، الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر، الله اکبر والله الحمد».
- ۳- خواندن نمازهای یومیه و مستحبی در مسجد خیف.

• رمی جمرات سه‌گانه:

دوازدهمین عمل از مناسک حج رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم ذیحجه می‌باشد بنابراین حاجیان باید به هر یک از سه جمره هفت سنگ ریزه بزنند. در رمی جمرات، نخست باید به جمره اولی سپس به جمره وسطی و در آخر به جمره عقبه سنگریزه بزنند.

۱. زمان رمی:

رمی جمرات، در روزهای یازدهم و دوازدهم از هنگام زوال آفتاب تا طلوع فجر روز بعد جایز است ولی پیش از زوال صحیح نمی‌باشد. سنت آن است رمی جمرات از زوال آفتاب تا غروب آفتاب انجام گیرد. رمی جمرات از غروب آفتاب تا طلوع فجر کراهت دارد.

۲. مستحبات رمی جمرات:

- ۱- غسل کردن هر روزه برای رمی جمرات.



- ۲- مقدم کردن رمی جمرات بر اداء نماز ظهر.^{۱۵۳}
- ۳- رعایت موالات بین جمرات سه گانه و همچنین در هنگام رمی (یعنی پشت سرهم سنگ‌ها را بزند).
- ۴- پیاده رمی کردن.
- ۵- دعا کردن و تسییح و استغفار پس از انجام رمی جمره اولی و وسطی و ترک آن پس از رمی جمره عقبه.
- ۶- رو به قبله بودن در هنگام رمی جمره اولی و وسطی و در سمت چپ قرار دادن قبله هنگام رمی جمره عقبه.

۳. برخی احکام رمی:

۱- رعایت ترتیب:

رعایت ترتیب در رمی جمرات سه گانه سنت است یعنی نخست جمره اولی سپس جمره وسطی و در آخر جمره عقبه را رمی کند. چنانچه از روی علم و عمد یا سهو و نسیان یا ندانستن مسئله ترتیب را رعایت نکرد، احتیاطاً واجب است رمی جمرات را بر همان ترتیب خودش اعاده کند.

۲- رمی جمرات در روز سیزدهم:

چنانچه شخصی تا طلوع فجر روز سیزدهم منا را ترک نکرد واجب است در منا بماند و رمی جمرات را یک بار دیگر در روز سیزدهم انجام دهد با این تفاوت که برای رمی جمرات در روز سیزدهم لازم نیست تا زول آفتاب منتظر بماند و می تواند پیش از زوال رمی کند و به مکه برود.

افضل است روز سیزدهم در منا بماند و رمی جمرات کند هر چند بازگشت به مکه در روز دوازدهم نیز کراهت ندارد.

وقت رمی در روز سیزدهم فقط تا غروب آفتاب ادامه دارد.

۱۵۳. برخی مقدم کردن نماز ظهر بر رمی را مستحب می دانند.



بر کسی که رمی جمرات در روز سیزدهم واجب شده است چنانچه بدون رمی، منا را ترک کند بر او دم لازم است.

۳- قضاء رمی:

اگر در یکی از روزها رمی را فراموش کند یا عمداً انجام ندهد واجب است روز بعد قضای آن را به جا آورد و كفاره بپردازد. اگر رمی تمام روزها یا یک روز را ترک کرد در هر دو صورت بر او یک دم واجب است.

چنانچه از رمی هر روز، تعداد کمتر آن را انجام دهد حکم آن مانند عدم رمی است. اگر اکثریت رمی یک روز را انجام داده باشد در این صورت باید صدقه بدهد، مثلاً چنانچه در روز یازدهم که باید ۲۱ عدد سنگریزه رمی کند ۱۱ عدد آن را انجام داده باشد، در این صورت دم لازم نمی‌شود و صدقه کفایت می‌کند.

با قضای رمی جمرات، صدقه یا دم ساقط نمی‌شود. مستحب است قضای رمی روز گذشته را بر رمی آن روز مقدم بدارد یعنی نخست به نیت قضای دیروز رمی کند سپس به نیت همان روز؛ همچنین می‌تواند بین رمی قضا و اداء جمع کند یعنی ۱۴ عدد سنگریزه بزند تا بجای هر دو روز محسوب شود و بهتر آن است ۷ عدد اول را به نیت قضا بزند و بقیه را به نیت رمی همان روز. چنانچه قضاء رمی را تا غروب روز سیزدهم انجام نداد دیگر قضاء آن لازم نیست و فقط باید كفاره بدهد.

۴- شکیات رمی:

اگر هنگام رمی جمره عقبه شک کند رمی اولی و دومی را به صورت صحیح انجام داده است یا نه به شک خود اعتناء نکند.

اگر یقین کند روز گذشته یکی از سه جمره را رمی نکرده ولی نداند کدام است باید هر سه را قضا کند.

اگر پس از رمی جمرات یقین کند که یک سنگ یا دو سنگ یا بیشتر را به یکی از جمرات نزده ولی نداند کدام جمره بوده است، باید هر آن چه احتمال کسری می‌دهد را



به هر سه جمره بزند.

«چگونگی انجام رمی، شرایط سنگریزه‌ها و آداب و سنن آن در درس گذشته به تفصیل بیان شد.»

• خروج از منا:

خارج شدن از منا پیش از ظهر و قبل از رمی جمرات جایز نیست، ولی چنانچه صبح خارج شود و بازگردد ایرادی ندارد.

هنگامی که پس از رمی جمرات در بعد از ظهر روز دوازدهم یا سیزدهم قصد بازگشت به مکه داشت، در وادی محصب(ابطح) که مابین مکه و منا قرار دارد توقف می‌کند و به دعا می‌پردازد.

بهتر آن است نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در آن جا اداء کند و ساعتی را استراحت کند سپس وارد مکه شود.

• طواف وداع و نماز آن:

آخرین عمل از مناسک حج تمتع انجام طواف وداع(صدر) و اداء دو رکعت نماز طواف می‌باشد.

حاجیان پس از انجام دادن مناسک منا در روز دوازدهم به مکه بازمیگردند تا با انجام دادن طواف وداع مناسک حج را پایان دهند و به دیار خود بازگردند و در همین باره روایتی از پیامبر(ص) وارد شده است که فرمودند: «هیچ کس از شما از مکه بیرون نرود مگر اینکه برای آخرین بار کعبه را طواف کند». ۱۵۴

طواف وداع فقط بر حاجیان آفاقی، که احرام به حج تمتع، افراد یا قران بسته‌اند واجب است ولی عمره‌گزاران مفرده می‌توانند از باب استحباب آن را انجام بدهند. پس از انجام طواف وداع، واجب است دو رکعت نماز طواف، اداء کند که کیفیت آن در نماز طواف زیارت بیان شد.



۱. زمان طواف وداع:

زمان طواف وداع پس از اداء طواف زیارت آغاز می‌شود و برای آن انتهایی وجود ندارد. انجام دادن طواف وداع پیش از طواف زیارت صحیح نمی‌باشد ولی بلافاصله پس از طواف زیارت و پیش از رمی جمرات نیز می‌تواند آن را انجام دهد. بهتر آن است طواف وداع را در آن هنگامی که قصد دارد مکه را ترک کند و بار سفر بسته است به جا آورد. اگر حاجی پس از انجام طواف وداع به خاطر انجام کاری چندین روز دیگر در مکه ماند، بهتر آن است هنگام رفتن طواف وداع را اعاده کند.

۲. برخی احکام طواف وداع:

۱- عدم نیاز به احرام:

اداء طواف وداع همانند طواف زیارت، بدون احرام صورت می‌پذیرد.

۲- اضطباع، رمل، سعی:

از آن جایی که در طواف وداع همانند طواف زیارت بدون لباس احرام، طواف می‌کنند بنابراین اضطباع ممکن نخواهد بود. همچنین بعد از طواف وداع، سعی لازم نیست که بنابراین رمل نیز سنت نخواهد بود، چراکه دانسته شد رمل و اضطباع در طوافی سنت است که بعد از آن سعی انجام دهد.

۳- ترک طواف وداع:

در صورت ترک طواف وداع، تا هنگامی که از میقات عبور نکرده باشد واجب است بازگردد و طواف را اداء کند ولی چنانچه از میقات عبور کرده باشد لازم نیست بازگردد و فقط دم لازم می‌شود.

اگر حاجی پس از طواف زیارت، طواف نفلی به جا آورده باشد چنانچه طواف وداع را انجام ندهد در این صورت طواف نفلی به جای طواف وداع محسوب خواهد شد.

۴- استثناء از وجوب طواف وداع:

طواف وداع، بر ساکنان حرم و کسانی که ساکن میقات‌ها می‌باشند واجب نیست.



بر بانوانی که تا هنگام بازگشت، از عادت ماهیانه یا دم نفاس پاک نشوند، طواف وداع واجب نخواهد بود، کفاره‌ای نیز بر آنان واجب نمی‌شود.

چنانچه پیش از خروج از مکه، از حیض یا نفاس پاک شود واجب است بازگردد و طواف وداع را انجام دهد.

بر بانوانی که از طواف وداع معذور هستند، مستحب است به کنار یکی از درهای مسجدالحرام آمده و در آنجا دعا نموده و وداع کنند.

• آداب پس از طواف وداع:

- ۱- نوشیدن از آب زمزم و ریختن مقداری از آن بر بدن.
- ۲- رفتن به زیر در کعبه و بوسیدن آن و خواندن دعای وداع:
«الحمد لله كثيراً طیباً مباركاً فيه، اللهم ارزقني العود بعد العود المرة بعد المرة الى بيتك الحرام و اجعلني من المقبولين عندك يا ذاالجلال والاکرام، اللهم لا تجعله آخر العهد من بيتك الحرام وان جعلته آخرالعهد فعوضني عنه الجنة يا ارحم الراحمين و صلى الله على خير خلقه سيدنا محمد وآله واصحابه اجمعين».
- ۳- رفتن به ملتزم و چنگ زدن بر پرده‌ی کعبه و گذاشتن گونه‌ی راست بر دیوار کعبه و دعا کردن درحالیکه گریان است.
- ۴- بوسیدن حجرالاسود.
- ۵- نگاه کردن به کعبه و دور شدن از آن، با چشمانی گریان و دلی آکنده از حزن و حسرت.
- ۶- خروج از مسجدالحرام از باب «خزوره» که به باب وداع شهرت یافته است و در جانب غربی کعبه واقع شده است. ۱۵۵
- ۷- خارج نکردن چیزی از سرزمین حرم به نیت تبرک، مانند خاک، سنگ و...؛ مگر آب زمزم که سوغات بردن آن اشکال ندارد.



۲. حج قران:

قران در لغت به معنای پیوست است و در اصطلاح فقهی مراد از حج قران، احرام بستن به نیت عمره و حج با هم می‌باشد؛ بدین صورت که پس از محرم شدن در میقات و انجام مناسک عمره (که به تفصیل بیان شد)، حلق یا تقصیر نمی‌کند و بدون آنکه احرام خود را باز کند، برای انجام مناسک حج به سمت عرفات رهسپار می‌شود.

بنابراین در حج تمتع پس از پایان اعمال عمره، تا پیش از شروع حج، از احرام خارج می‌شود و محرمات احرام از او برداشته می‌شود و برای انجام حج مجدداً احرام می‌بندد. در حج قران، با یک احرام، اعمال عمره و حج را با هم انجام می‌دهد؛ بنابراین از اول ورود به مکه تا حلق یا تقصیر در روز عید قربان در لباس احرام باقی می‌ماند و بر او لازم است از همه‌ی محرمات احرام بپرهیزد.

در حج قران، یک طواف بیشتر از حج تمتع باید انجام شود؛ زیرا شخص قارن پس از انجام طواف عمره، باید طواف دیگری را به عنوان طواف قدوم به جا آورد؛ که این طواف از مختصات حج قران و افراد می‌باشد.

در نزد احناف، انجام حج قران افضل از حج افراد و تمتع می‌باشد و حج تمتع نیز افضل از حج افراد است.

مشهور فقیهان امامی و برخی از فقهای اهل سنت، از حج قران تعریفی کاملاً متفاوت کرده‌اند، به عقیده‌ی آنان حج قران با حج افراد در تمام جهات یکسان است، جز آن که در حج قران باید:

۱- قربانی از هنگام احرام همراه شخص قارن باشد.^{۱۵۶}

۲- احرام بستن در حج قران، علاوه بر گفتن تلبیه با اِشعار «علامت گذاردن بر بدن شتر» یا تقلید «آویختن چیزی به گردن قربانی» نیز صورت می‌گیرد.

• شرایط حج قران:

۱- نیت حج قران، پیش از انجام طواف عمره باشد؛ ولی پس از بستن احرام به نیت عمره و انجام کامل طواف عمره یا انجام اکثر شوط‌های آن، دیگر نمی‌تواند

۱۵۶. وجه نام‌گذاری این نوع حج به قران، همراه داشتن قربانی از هنگام احرام است.



نیت را به حج قران تبدیل کند.

۲- محرم شدن به نیت حج قران پیش از فاسد کردن عمره باشد؛ ولی چنانچه به سبب مباشرت با همسر عمره‌ی خود را باطل کرده باشد، نمی‌تواند نیت حج قران کند.

۳- پیش از وقوف در عرفات، طواف عمره را انجام داده باشد؛ چراکه اگر طواف عمره را انجام نداده باشد، یعنی عمره‌ای انجام نداده؛ پس بنابراین حج قران صورت نگرفته است.

۴- در حج قران نیز مانند حج تمتع، باید عمره‌ی آن را در ماه‌های حج انجام دهد.

برخی از آداب و احکام حج قران:

۱- احرام قران:

برای احرام بستن به حج قران، صرف نیت و گفتن تلبیه کفایت می‌کند؛ ولی بهتر آن است که هنگام گفتن تلبیه، نیت قران را بر زبان جاری کند بنابراین بگوید:

«اللهم انی ارید العمرة و الحجّ فیسرها لی و تقبلها منی، نویت العمرة و الحجّ و احرمت بهما لله تعالی، لبیک بعمره و حجة» و در ادامه تلبیه را بگوید.

۲- همراه داشتن هدی (قربانی):

بر حاجیان مستحب است در حج قران مانند حج تمتع، قربانی را با خود همراه کنند تا در عید قربان آن را ذبح کنند؛ ولی در زمان کنونی انجام آن عملاً ممکن نمی‌باشد.

۳- جایز نبودن حج قران بر اهل حل و حرم:

انجام حج قران مانند حج تمتع، برای اهل مکه و کسانی که در میقات‌ها زندگی می‌کنند مشروعیت ندارد؛ و چنانچه به نیت حج قران، اعمال عمره را انجام دهد، گناه کرده است و باید عمره را رها کند و بر او کفاره نیز واجب است.

برخی از فقیهان جایز نبودن حج قران، برای اهل حل و حرم را به آیه «ذلک لمن لم

یکن اهله حاضرٍ المسجد الحرام» مستند می‌دانند.



۴- طواف قدوم:

طواف قدوم بر کسانی که احرام به حج قران بسته‌اند واجب بوده و طواف تحیت آنان نیز محسوب می‌شود.

طواف قدوم بر کسانی که احرام به عمره مفرده یا عمره تمتع بسته‌اند مشروعیت ندارد. زمان این طواف از هنگام ورود به مکه تا پیش از وقوف در عرفات ادامه دارد. در طواف قدوم، اضطباع، رمل و سعی لازم نیست؛ مگر آنکه شخص قارن بخواهد سعی واجب حج را بر زمان خودش مقدم کند، یعنی بجای آنکه سعی را پس از طواف زیارت انجام دهد آن را هنگام طواف قدوم اداء کند، که در این زمان اضطباع و رمل نیز سنت خواهد شد. برخی طواف قدوم را سنت می‌دانند.

۳. حج افراد:

افراد و مفرد در لغت به معنای تنها و در اصطلاح، حج افراد به آن حجتی گفته می‌شود که در آن فقط نیت حج تنها می‌کنند و همراه حج، عمره انجام نمی‌شود. بر اهل حل و حرم فقط انجام این حج واجب است و این بدان جهت است که برای ساکنین این منطقه انجام عمره در هر زمان از سال مشکل چندانی ندارد، بر خلاف کسانی که از راه‌های دور مشرف می‌شوند.

• برخی احکام حج افراد:

۱. احرام حج افراد:

زمان:

زمان محرم شدن در حج افراد، هنگام شروع مناسک حج است. یعنی در یوم الترویة (هشتم ذیحجه) محرم شود و شب را در منا بیتوته کند.

مکان:

اهل حرم: ساکنان حرم چنانچه اراده‌ی حج کنند، لازم نیست از حرم خارج شوند و



می‌توانند از منزل خود یا هر نقطه‌ای از حرم، احرام ببندند لکن بر ایشان استحباب دارد در مسجدالحرام یا مسجد دیگری در نزدیکی منزل مُحرم شوند.

اهل حل: ^{۱۵۷} این افراد می‌توانند تا قبل از وارد شدن به محدوده‌ی حرم، در هر جا که خواستند احرام ببندد؛ لکن مستحب است از دورترین فاصله محرم شوند و احرام را تا رسیدن به مرز حرم به تأخیر نیندازند.

آفاقی: این افراد باید از میقات محرم شوند.

۲. عدم وجوب قربانی:

بر حاجیان مُفرد، قربانی کردن در روز عید قربان واجب نیست، هرچند مستحب است.

۳. جواز حج افراد بر آفاقی:

بر آفایان انجام حج افراد با محرم شدن از میقات جایز است.

۴. طواف قدوم:

چنانچه آفایان بخواهند حج افراد به‌جا آورند، بر آنان واجب است هنگام ورود به مکه، طواف قدوم به‌جا آورند؛ که این طواف بعنوان تحیت مسجدالحرام محسوب می‌شود. چنانچه حاجی مُفرد، اهل حلّ و حرم باشد؛ انجام طواف قدوم بر او مشروعیت ندارد. بر حجاج حج تمتع و عمره‌گزاران، طواف قدوم مشروعیت ندارد و انجام طواف عمره، تحیت مسجد محسوب خواهد شد.

۱۵۷. مراد از اهل الحل، کسانی است که در خود میقات‌ها یا حد فاصل میقات تا مرز حرم ساکن هستند.



• پرسش:

- ۱- حکم طواف زیارت و زمان انجام آن را بیان کنید.
- ۲- حکم انجام سعی پس از طواف زیارت را توضیح دهید.
- ۳- مراحل بیرون رفتن از احرام حج و حلال شدن محرمات احرام کدامند؟
- ۴- چگونگی انجام رمی جمرات و زمان انجام آن را شرح دهید.
- ۵- طواف وداع چه حکمی دارد و زمان اداء آن را تشریح کنید.
- ۶- مراد از حج قران چیست و شرایط آن را توضیح دهید.
- ۷- مراد از حج افراد چیست و برچه کسانی واجب است؟

درس یازدهم: مناسک اختصاصی بانوان و کودکان

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- لزوم مطالبه مهریه از سوی زن برای رفتن به سفر حج، در صورت توانایی شوهر بر پرداخت و عدم وجود مفسده
- ۲- شرط نبودن اجازه شوهر در وجوب اداء حج
- ۳- شرطیت همراهی محارم در وجوب اداء حج بر زن و لزوم تقبل هزینه‌های همراه از سوی زن
- ۴- نبودن در عده از شرایط وجوب اداء حج بر بانوان
- ۵- احکام حائض و مستحاضه در میقات‌ها و در انجام دادن طواف
- ۶- احکام اختصاص بانوان در لباس احرام و دیگر محرمات احرام
- ۷- دیگر احکام اختصاصی



۱. مناسک اختصاصی بانوان و کودکان

از منظر فقه اسلامی، تکلیف به حج به طور یکسان متوجه مردان و زنان است؛ زیرا حج یکی از ارکان دین اسلام است و قرآن تعبیر عام «الناس» را برای مخاطبان وجوب حج به کار برده است. «و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا»^{۱۵۸} در احادیث نیز ادای حج و عمره برای زن به منزله جهاد در راه خدا دانسته شده است. بنابراین حج همانند اکثر قریب به اتفاق تکالیف دیگر، به صورت مشترک بر مرد و زن واجب است و جنسیت در آن نقش ندارد؛ با این حال بانوان به دلیل برخی از شرایط خاص خود احکام ویژه‌ای دارند که در این درس به آنها پرداخته می‌شود.

همچنین کودکان به دلیل عدم برخورداری از بلوغ (که از شرایط وجوب حج است)، مکلف به حج نیستند؛ در عین حال حج‌گزاری آنان صحیح و دارای ثواب است، زیرا بلوغ از شرایط صحت حج نمی‌باشد. بنابراین کودکان اعم از ممیز و غیرممیز نیز می‌توانند حج به‌جا آورند که در این درس به نحوه حج‌گزاری آنها پرداخته می‌شود.

• بخش اول: مناسک بانوان

۱. استطاعت

استطاعت با مهریه:

اگر مهریه زنی به مقدار مخارج حج یا بیشتر از آن است، ولی شوهرش قدرت پرداخت مهریه را ندارد، زن مستطیع نیست.

اگر شوهر قدرت پرداخت مهریه را دارد و مطالبه آن مفسده‌ای ندارد، زن باید مهریه‌اش را طلب کند و به حج برود اما اگر مطالبه مهریه برای زن مفسده‌ای دارد و ممکن است منجر به نزاع و طلاق شود، مطالبه آن لازم نیست و در این صورت زن مستطیع نیست.



اگر شوهر به هر علتی مهریه همسرش را نپردازد، حج بر زن واجب نمی‌شود و حج بر زن مستقر هم نمی‌شود. ولی اگر شوهر حاضر به پرداخت بود و زن مطالبه نکرده باشد، حج بر عهده زن مستقر می‌شود.

استطاعت با فروش زیورآلات:

اگر زنی زیورآلاتی فراتر از شأن خود دارد که می‌تواند به ارزان‌تر تبدیل کند و با تفاوت قیمت آن، حج به‌جا آورد، در صورت وجود دیگر شرایط استطاعت است و باید به حج برود.^{۱۵۹}

استطاعت با بذل شوهر:

اگر شوهر آمدگی دارد که همسرش را به حج ببرد و تمام هزینه‌های سفر او را بپردازد، زن استطاعت به حساب نمی‌آید و می‌تواند به حج نرود، زیرا پذیرش بذل و بخشش دیگران برای تحقق استطاعت لازم نیست.

استطاعت و سایر هزینه‌ها:

زن، در صورتی که پول حج را دارد و می‌تواند با آن پول ازدواج نماید، بر او فرض است که حج به‌جا آورد هر چند به ازدواج نیاز داشته باشد.^{۱۶۰}

زنی که هزینه‌های زندگی او بر عهده شوهر است، برای تحقق استطاعت داشتن راه درآمد شرط نیست، ولی زنی که افرادی را تحت تکفل دارد و مخارج آن‌ها بر عهده اوست؛ مثل زنی که همسرش از دنیا رفته و او مخارج فرزندان را عهده‌دار است، در صورتی استطاعت است که علاوه بر مخارج حج و احتیاجات زندگی، مخارج افراد تحت تکفل خود را تا برگشت از حج داشته باشد.^{۱۶۱}

اجازه شوهر:

اگر زن استطاعت باشد، برای رفتن به حج، اجازه شوهر شرط نیست، و برای شوهر هم

۱۵۹. ارشاد الساری إلی مناسک الملا علی القاری، ص ۳۰ و ۳۱.

۱۶۰. الفتاوی الهندیة، ج ۱، ص ۲۱۷، دار احیاء التراث العربی بیروت.

۱۶۱. ارشاد الساری إلی مناسک الملا علی القاری، ص ۱۹.



جایز نیست که او را از رفتن به حج منع کند؛ بر خلاف حج مستحبی که باید اجازه بگیرد و شوهر می‌تواند او را باز دارد و اگر زن بدون اجازه شوهرش به حج مستحبی رفت گناه کرده است.

همراه بودن محارم:

همراه بودن یکی از محارم و یا همسر از شرایط وجوب اداء حج بر بانوان است. اگر زن، همراه زنانی معتبر (متدین و عفیف) باشد در مذهب شافعی اشکال ندارد و در نزد احناف بدون محرم نمی‌تواند به حج برود.^{۱۶۲}

اگر زنی نیاز به همراه داشته باشد، هزینه حج همراه، به عهده اوست.

نبودن در عده

یکی از شرایط اداء حج، نبودن در عده است. بنابراین زنی که در عده طلاق یا وفات است نمی‌تواند به حج برود.

۲. احکام حائض و مستحاضه در حج:

تعریف حیض:

یکی از خون‌هایی که زن می‌بیند، خون قاعدگی (حیض) است و در مدتی که خون می‌بیند، او را «حائض» می‌گویند.

نشانه‌های خون حیض بدین شرح است:

۱- قبل از بلوغ دیده نمی‌شود و اگر دختری قبل از بلوغ خونی ببیند حکم حیض ندارد.^{۱۶۳}

۲- بانوان عموماً پس از ۵۰ یا ۵۵ سالگی، خون حیض نمی‌بینند و چنانچه پس از آن سنین خونی ببینند، حکم حیض ندارد.

۳- دوره قاعدگی کمتر از سه روز نیست (نزد احناف)، پس اگر جریان خون قبل از سه روز قطع شود حکم حیض ندارد. البته نزد شوافع حداقل مدت حیض یک

۱۶۲. همان، ص ۲۷.

۱۶۳. ممکن است دختری بالغ باشد ولی خونریزی قاعدگی نداشته باشد؛ چون وراثت و تغذیه و آب و هوا نیز در این مسئله تأثیر دارد.

شب و روز است.

۴- دوره قاعدگی (نزد احناف) بیش از ده روز طول نمی کشد و چنانچه خونریزی بیش از ده روز طول بکشد، پس از ده روز حکم حیض ندارد. حیض نزد شافعی‌ها حداکثر ۱۵ روز طول می کشد.

۵- خونریزی در سه روز اول به طور مستمر است - هرچند در داخل، خون باشد و بیرون نیاید - پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند، سپس به طور کامل قطع شود و یک روز دیگر دوباره خون ببیند، از آغاز حیض نبوده است. البته اگر در همین روزها در ماه‌های دیگر حیض می شده، نزد حنفی‌ها حیض است.

۶- فاصله دو حیض حداقل ۱۵ روز است، پس اگر بعد از تمام شدن دوره قاعدگی قبل از آن که پانزده روز فاصله شود خون ببیند، خون دوم حکم حیض ندارد.^{۱۶۴}

۷- خون حیض معمولاً غلیظ و گرم و پررنگ است و با فشار و کمی سوزش می آید (طبق نظر شوافع) و احناف هر خونی که غیر از سفیدی باشد، حیض می دانند.

احکام حیض

در مدت قاعدگی، این کارها بر بانوان حرام است:

۱- نماز و طواف کعبه.

۲- کارهایی که بر جنب حرام است؛ مانند توقف در مسجد.

۳- آمیزش با همسر، برای زن و مرد، هر دو حرام است.

۴- نمازهایی که بانوان در حال حیض نخوانده‌اند قضا ندارد ولی قضای روزه‌های واجب را باید پس از ماه مبارک رمضان بجا آورند.

۵- بانوان پس از پایان دوره قاعدگی و قطع خونریزی، باید غسل حیض به جا آورند و نماز و سایر عبادت‌های خود را انجام دهند.

۶- اگر قبلاً پاک بوده ولی شک دارد حدث اکبر حاصل شده یا نه (مثلاً نمی داند

۱۶۴. مگر آنکه ابتدا سه روز یا بیشتر خون ببیند و پاک شود و دوباره چند روزی خون ببیند؛ و مجموع خونریزی اول و دوم و پاکی در وسط

بیش از ده روز نباشد.



حائض شده یا نه) لازم نیست غسل کند.

جلوگیری از حیض

خوردن قرص برای جلوگیری از عادت ماهانه یا عقب انداختن آن در ایام حج، چنانچه برای بدن ضرر نداشته باشد اشکال ندارد.

خانمی که برای جلوگیری از عادت ماهانه قرص می‌خورد، و گاهی در ایام عادت لکه‌های زرد رنگ می‌بیند که نمی‌داند خون است یا نه؟ حکم خون ندارد، و می‌تواند طواف انجام دهد. و چنانچه بداند این لکه خون است و حداقل سه روز به‌طور مستمر نزد احناف و یک شبانه روز نزد شوافع ادامه داشته باشد، طواف جایز نیست.

خانمی که به جهت خوردن قرص نظم عادت ماهانه‌اش به هم می‌خورد، به‌طوری‌که گاهی در مدت طولانی خون و لکه می‌بیند، اگر طوری است که خون حداقل سه روز آمد حکم حیض دارد ولی اگر کمتر از سه روز ادامه دارد، باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

وظیفه حائض در میقات

کسانی که از مدینه به مکه می‌روند، در مسجد شجره مُحَرَّم می‌شوند؛ و بانوانی که در دوران قاعدگی هستند، به دلیل حرمت ورود به مسجد در حال حیض نباید وارد مسجد شوند بلکه باید در خارج از مسجد شجره محرم شوند. همچنین ورود به دیگر مساجدی که در میقات‌ها ساخته شده جایز نیست.

در صحت احرام، طهارت شرط نیست؛ یعنی کسی که وضو ندارد یا غسل بر عهده‌اش است احرامش با کراهت جایز است^{۱۶۵}. پس زن حائض یا مستحاضه هم می‌تواند در همان حال مُحَرَّم شود. البته زن حائض هم می‌تواند به قصد نظافت غسل نماید.

اگر زن، در میقات حائض باشد و می‌داند که تا پایان وقت عمره تمتع پاک نمی‌شود، باید به نیت حج افراد^{۱۶۶} مُحَرَّم شود.

۱۶۵. غنیة الناسک، فصل فی واجبات الإحرام و سننه و نحو ذلک، تتمه، ص ۶۷.

۱۶۶. یعنی با همان احرام به عرفات می‌رود؛ و وقوف به عرفات و مشعر و اعمال منا را انجام می‌دهد؛ و پس از پاک شدن، طواف و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را به‌جا می‌آورد، سپس برای انجام عمره مفرده به خارج حرم (مثلاً تنعیم) می‌رود و در آنجا محرم می‌شود و اعمال عمره مفرده را به‌جا می‌آورد. فرق بین حج تمتع و افراد، این است که، اعمال عمره در حج تمتع قبل از اعمال حج است و در حج افراد



زن مستحاضه می تواند داخل مسجد شجره محرم شود و رفتن او به مسجد اشکال ندارد.

وظیفه حائض در طواف

اگر در بین طواف، شک کند حدثی از او سر زده یا نه؟ مثلاً شک کند وضویش باطل شده یا نه؟ یا شک کند حائض شده یا نه؟ به شک خود اعتنا نکند و بنابر طهارت بگذارد.

اگر زنی پس از احرام عمره تمتع و قبل از طواف حائض شود، مسئله دو صورت دارد:

۱- می داند قبل از وقوف به عرفات (قبل از ظهر روز نهم ذی حجه) از خون پاک می شود به مقداری که می تواند غسل کند و اعمال عمره را هم انجام دهد، باید صبر کند تا از خون پاک شود. ولی اگر تا آن زمان پاک نشد، باید به حج افراد عدول کند و به عرفات برود و بعد از اعمال حج، عمره مفرده به جا آورد.

۲- می داند تا آخر وقت پاک نمی شود، یا ترس آن دارد که پاک نشود باید به حج افراد عدول کند (یعنی نیت خود را از عمره تمتع به حج افراد برگرداند) و پس از به جا آوردن حج، عمره مفرده انجام دهد.

اگر در بین طواف عمره تمتع حائض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و در این فرض، مسئله دو صورت دارد: اگر بعد از انجام چهار شوط بوده و طبعاً وقوف به عرفات او بعد از چهار شوط بوده، عمره او صحیح است و گرنه باید ادامه مناسک را با نیت حج افراد انجام دهد.

اگر خون استحاضه به مدت یک وقت نماز ادامه داشته باشد، می تواند وضو بگیرد و طواف کند؛ و اگر کمتر باشد، صبر کند تا خون قطع شود، وضو بگیرد و طواف کند. برای استحاضه، غسل لازم نیست.

اگر زنی در بین طواف حج حائض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و چنانچه بعد از تمام شدن دور چهارم حائض شده است، کفایت می کند و برای شوطهای بعدی صدقه



بدهد و نیابت در نماز طواف و سعی یا تکمیل طواف صحیح نیست.

اگر زنی پس از انجام طواف حج، قبل از نماز یا در بین نماز حائض شود، باید فوراً از مسجد خارج شود و پس از پاک شدن، نماز طواف را انجام دهد و چنانچه نتواند تا وقت پاک شدن در مکه بماند، برای نماز طواف و نایب گرفتن جایز نیست و قضا هم لازم نمی‌شود؛ هر وقت فرصت پیدا کرد دو رکعت نماز به نیت طواف بخواند ولو اینکه در حرم نباشد.

اگر زنی پس از نماز طواف حج، قبل از سعی، یا در بین سعی حائض شود، از آنجاکه در حال حاضر مسعی جزو مسجد محسوب می‌شود، نمی‌تواند سعی را انجام دهد و باید بعد از پاک شدن سعی را انجام دهد؛ و اگر نتوانست در مکه بماند، نزد شوافع اینگونه است که یک گوسفند قربانی کند؛ اما نزد احناف، مسعی جزو مسجد محسوب نمی‌شود و می‌تواند سعی خود را ادامه داده و کامل کند.

اگر زنی، قبل از طواف حج، حائض شود، باید صبر کند تا پاک شود و اگر نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، باید پس از غسل، در همان حالت حیض طواف را انجام دهد و برای کفاره آن در طواف زیارت، شتر قربانی کند.

طواف وداع نیز هفت شوط است و انجام نماز آن هم واجب (نزد احناف) و نزد شوافع سنت است. اگر زن وقت رفتن کاروان حائض باشد، طواف وداع واجب نیست.

وظیفه حائض پیش از احرام حج تمتع

زنی که بعد از عمره تمتع و قبل از احرام حج حیض ببیند، تغییری در وظیفه او پیش نمی‌آید و باید برای حج تمتع محرم شود و به عرفات برود؛ ولی اگر تا بعد از اعمال منا از خون پاک نشود و نتواند تا وقت پاک شدن در مکه بماند، باید برگردد، در حال حیض طواف کند و بُدنه (گاو یا شتر) واجب می‌شود و برای اینکه در حال حیض وارد مسجد شده است باید طلب مغفرت کند. البته در صورت امکان بهتر است سفر را به تأخیر بیندازد.

وظیفه حائض در مشاعر

اگر زنی در اعمال حج (در عرفات یا مشعر یا منا) قبل از طواف حج حائض شود، نسبت به وقوف و اعمال منا مشکلی پیش نخواهد آمد ولی برای انجام اعمال مکه، باید



صبر کند تا پاک شود و چنانچه نتوانست تا وقت پاک شدن صبر کند، باید پس از غسل در همان حالت حیض طواف را انجام دهد و برای کفاره آن شتر قربانی کند. اگر زن طواف زیارت را به جا نیاورد، شوهرش بر او حرام است و اگر ازدواج نکرده باشد، نفس ازدواج جایز است؛ اما آمیزش جنسی و نزدیکی با شوهر حرام است. بعد از به جا آوردن طواف زیارت شوهر، حلال می‌شود و ازدواج برای دختر جایز می‌گردد.

اگر زنی، در عرفات، یا مشعر، یا منا متوجه شود که بعد از اعمال منایض می‌شود و نمی‌تواند تا وقت پاک شدن صبر کند؛ مثلاً هم‌سفرهای او به وطن برمی‌گردند و او نمی‌تواند در مکه بماند، اعمال بعد از منای یعنی طواف حج و نماز آن و سعی را تأخیر نیندازد و بعد از اعمال روز عید در صورت امکان فوراً انجام دهد.

۳. احکام اختصاصی بانوان در محرمات احرام:

برخی از محرمات احرام ویژه آقایان است و بانوان در این موارد احکام ویژه دارند.

لباس احرام:

بانوان بر خلاف مردان می‌توانند لباس دوخته بپوشند؛ از همین رو آنان می‌توانند در همان لباسی که بر تن دارند - در صورتی که دارای شرایط باشد - محرم شوند و بیرون آوردن لباس‌های دوخته و پوشیدن دوتکه پارچه‌ای که مردان محرم می‌پوشند، جایز نیست.

بهتر است که لباس احرام بانوان، از حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام، حریر نپوشند.

پوشاندن سر:

حرمت پوشاندن سر در حال احرام مخصوص آقایان است، ولی بر بانوان پوشاندن سر از باب رعایت حجاب واجب است.

پوشاندن پا:

بر بانوان پوشاندن روی پا در حال احرام حرمتی ندارد، بنابراین آنان می‌توانند در حال



احرام هرگونه کفش یا جوراب را در پا داشته باشند.

پوشاندن صورت:

حرمت پوشاندن صورت در حال احرام شامل بانوان نیز می‌شود؛ از این رو زن محرم نباید تمام یا قسمتی از صورت خود را با نقاب یا روبند و مانند این‌ها بپوشاند و صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، باید باز باشد.

قسمتی از صورت، حکم تمام صورت را دارد و در حال احرام نباید آن را بپوشاند.

مواردی که پوشاندن صورت جایز است عبارتند از:

۱- گذاشتن صورت روی بالش، برای خوابیدن جائز مع الکراهه است؛

۲- گذاشتن دست‌ها روی صورت؛

۳- پایین انداختن چادر یا جامه‌ای که بر سرافکنده تا مقابل چانه؛ برای رو گرفتن از

نامحرم مشروط به این که ساتر با صورت آنها تماس نداشته باشد.

مستحب است که وقتی چادر یا ساتر را در مقابل از سر پایین می‌اندازد، با دست یا

چیز دیگری از صورت خود دور نگه دارد که به صورت نچسبد.

بانوان، در حال احرام برای پوشیدن و بیرون آوردن مقنعه از سر، باید سعی کنند،

صورتشان پوشیده نشود ولی اگر سهواً پوشیده شود اشکال ندارد.

۴. احکام اختصاصی بانوان در مناسک:

مستحبات سعی:

استحباب هروله در سعی ویژه مردان است و بانوان در محل هروله (بدون هروله)، این

دعا را بخوانند:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنَّا عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ.»

تَلْبِيَه:

یک بار گفتن تلبیه به هنگام بستن احرام واجب است. بر بانوان لازم است که لبیک را



زمزمه کنند؛ و با صدای بلند (که مردان نامحرم بشنوند) لبیک گویند.

طواف:

استحباب بیرون آوردن کتف راست از لباس احرام که به آن اضطباع می گویند ویژه مردان است و برای زنان جایز نیست.

استحباب راه رفتن همانند مبارزان و پهلوانان در اشواط طواف که به آن «رمل» می گویند ویژه مردان است و برای زنان استحبابی ندارد.

کوچ بعد از نصف شب:

بانوان می توانند بعد از آنکه در شب عید قربان قدری در مشعرالحرام توقف کردند، بعد از نصف شب به سوی منا بروند. پس بر بانوان و افراد مسن، وقوف از اذان صبح تا طلوع آفتاب، واجب نیست. گرچه مستحب است.

رمی شبانه:

حاجی در شبی که از مزدلفه به منی می آید قبل از زوال نمی تواند رمی کند ولی در روزهای بعد در صورتی که به هر دلیل (ناتوانی یا فراموشی یا...) نتواند در روز رمی جمرات را انجام دهد می تواند در شب انجام دهد.

کسی که در وقت شلوغی جمعیت از رمی ناتوان است ولی اطمینان دارد که در وقت خلوت روز می تواند رمی کند، باید صبر کند و در وقت خلوت خودش رمی کند و نباید به دیگری نیابت بدهد.

تقصیر:

حلق ویژه مردان است و بانوان برای خروج از احرام فقط باید تقصیر کنند؛ یعنی مقداری از موی خود را بچینند (به اندازه بند بالای انگشت از تمام اطراف سر یا یک چهارم سر گرفته شود؛ نزد احناف)، و برای مردان حداقل یک چهارم سر را کوتاه کنند.

تقصیر، مکان خاصی ندارد و هر کجا می تواند تقصیر کند.

اگر زنان در جایی که مردان حضور دارند، تقصیر می کنند باید مراقب باشند که نامحرم موی آنها را نبینند.



نیابت در ذبح:

تمام افراد می‌توانند ذبح را به شخص دیگری نیابت بدهند و خودشان حیوان را ذبح نکنند و چون امروزه بانوان را به قربانگاه راه نمی‌دهند، به‌ناچار باید برای ذبح به دیگران نیابت بدهند؛ از این جهت آشنایی با شرایط قربانی و برخی مسائل دیگر مورد نیاز خواهران نیست و از آوردن آن‌ها در این کتاب صرف‌نظر می‌کنیم.

نیابت:

با اینکه زن و مرد در برخی احکام حج متفاوتند ولی یکسانی میان نایب و منوب عنه در جنسیت در حج نیابتی شرط نیست بنابراین زنی که شرایط نیابت را داشته باشد، می‌تواند در انجام حج، نایب زن یا مردی باشد؛ مثلاً اگر مردی برای انجام حج وصیت کرده است، همسر یا دختر او هم می‌تواند به نیابت از او حج به‌جا آورد.

زن می‌تواند مردی را برای انجام حج، نایب خود قرار دهد، همان‌گونه که می‌تواند، به زنی نیابت بدهد.

اینکه زن‌ها که در شب عید قربان بعد از درک اضطراری مشعر به منا می‌روند، عذر نیست و می‌توانند نایب شوند.

• بخش دوم: حج کودکان

برخی از خانواده‌ها فرزندان خود را در سفر حج و به خصوص در سفر عمره به همراه دارند، این خانواده‌ها باید بدانند که برپایه منابع روایی شماری از کودکان به همراه پیامبر اکرم (ص) به سفر حج رفته و مناسک به‌جا آورده‌اند.

از دیدگاه فقهی حج بر کودک هرچند استطاعت مالی داشته باشد واجب نیست و انجام دادن حج از سوی او مجزی از حجة الاسلام نخواهد بود. با این حال، حج و عمره کودک ممیز صحیح و مستحب است و حج و عمره کودک غیر ممیز نیز صحیح و برای ولی او مستحب است.

اگر ولی بخواهد کودک خود را مُحرم کند، باید دقت داشته باشد تا اعمالش به‌طور صحیح انجام شود.

کودکان دو دسته‌اند:

الف) «مُمیز» و آن کودکی است که خوب و بد را تشخیص می‌دهد و خودش می‌تواند اعمال را به‌طور صحیح انجام دهد.

کودک مُمیز، می‌تواند خودش مُحرم شود و اعمال را به‌جا آورد و در مواردی که خودش نتواند انجام دهد، سرپرست ولی (مثلاً پدر) او را در انجام اعمال یاری می‌دهد البته نماز طواف را نمی‌تواند از طرف او انجام دهد. بخشی از احکام عمره و حج کودکان را به‌طور مختصر در اینجا می‌آوریم.

ب) «غیر مُمیز»، که به آن حدّ نرسیده است.

۱. کیفیت اعمال در کودکان غیر ممیز:

۱- **احرام:** سرپرست وی لباس احرام بر او می‌پوشاند و از طرف او نیت احرام می‌کند، و اگر می‌تواند لبیک‌ها را به‌طور صحیح پاسخ دهد، برایش می‌گوید تا او هم بگوید و اگر نمی‌تواند به‌طور صحیح پاسخ دهد، خودش از طرف او «لبیک‌ها» را می‌گوید.

۲- **طواف:** باید او را طواف دهد. اگر کودک بتواند، باید خودش راه برود، وگرنه او را حمل کرده، طواف می‌دهند و برای طواف و نماز طواف، اگر بتواند خودش وضو می‌گیرد وگرنه باید او را وضو دهند یا او را در وضو کمک کنند و سرپرست وی از طرف او نیت می‌کند.

۳- **نماز طواف:** سرپرست وی نماز را از طرف او نمی‌تواند بخواند.

۴- **سعی:** مانند طواف او را به سعی می‌برند.

۵- **تقصیر:** نزد احناف یک‌چهارم از موی او را کوتاه می‌کنند؛ و نزد شوافع، کافی است چند تار مو کوتاه شود.

۶- **احرام حج:** سرپرست وی همانند احرام عمره، او را به نیت حج محرم می‌کند.

۷- **وقوف‌ها:** او را برای وقوف، به عرفات و مشعر می‌برند، و سرپرست کودک از طرف



او نیت وقوف می‌کند.

۸- **رمی جمرات:** در روز عید قربان، رمی جمره عقبه و قربانی را سرپرست وی از طرف او انجام می‌دهد.

۹- **تحلل:** اگر کودک، پسر است می‌تواند سر او را بتراشد یا تقصیر کند و اگر دختر است تقصیر کند.

۱۰- **بیتوته منا:** در شب‌های یازدهم و دوازدهم ذیحجه، کودک نیز باید در منا باشد و سرپرست وی از طرف او نیت بیتوته کند.

۱۱- **قضا کردن رمی:** در روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه، سرپرست وی، به نیت او رمی جمرات را برایش انجام می‌دهد.

۱۲- **اعمال مکه:** پس از برگشت به مکه، سایر اعمال را مانند اعمال عمره به‌جا می‌آورند.

۲. ارتکاب محرمات احرام و حرم:

اگر مرتکب تخلفی از واجبات احرام شود یا جنایتی انجام دهد، نه او و نه سرپرستش مجرم و متخلف شناخته نمی‌شوند و دم واجب نمی‌شود. بر ولی کودک لازم است در مدت احرام، او را از کارهایی که بر مُحرم حرام است، بازدارد.

**• پرسش:**

۱. چرا رفتن زن به سفر حجی که شوهر همه هزینه آن را می‌پردازد واجب نیست؟
۲. در چه صورت مهریه موجب استطاعت می‌شود؟
۳. اگر زنی پس از احرام به عمره تمتع و قبل از طواف حائض شود چه حکمی دارد؟
۴. اگر زنی در بین طواف عمره تمتع و حج حائض شود چه حکمی دارد؟
۵. پوشاندن صورت در چه مواردی جایز است؟
۶. رمی کدام روز را بانوان می‌توانند در شب انجام دهند؟
۷. آیا سرپرست کودک می‌تواند نماز طواف کودک ممیز یا غیر ممیز را به نیابت از او انجام دهد؟

درس دوازدهم: جنایات (۱)

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- تعریف جنایات و برخی احکام کلی آن
- ۲- اصطلاحات کفارہ از جمله دم، صدقه و بُدنه
- ۳- دسته‌بندی جنایات و تدوین آن در سه بخش جنایات احرام، جنایات حرم و نواقص اعمال
- ۴- تفصیل و جزئیات محرمات احرام و کفارہ آنها

۱. جنایات

«فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ».^{۱۶۷}

بر حاجیان در هنگام احرام و اداء مناسک حج، پرهیز از محرّمات احرام و اداء کامل مناسک حج و عمره لازم است؛ ولی چنانچه شخصی یکی از محرّمات احرام را مرتکب شد یا برخی از واجبات حج یا عمره را ترک کرد، بر حاجی لازم است جهت جبران آن خطا جریمه‌ی آن را پرداخت کند.

همچنین همه‌ی کسانی که در محدوده‌ی حرم حضور دارند اعم از محرم و محلّ باید از محرّمات حرم (از جمله شکستن درختان و شکار حیوانات پرهیزند) و در صورت ارتکاب محرّمات حرم نیز، باید مبلغ آن را به عنوان جریمه پرداخت کنند.

• کلیات جنایات:

۱. توضیح برخی از اصطلاحات:

کفاره (فدیه): مراد از کفاره، مجازاتی است که متناسب با جنایاتِ شخصِ خاطی قرار داده شده است که اعم از صدقه، دم و روزه می‌باشد.

از کفاره تعبیر به فدیه نیز می‌شود.

دم: هر کجا لفظ دم آمده است مراد این است که یک گوسفند و یا بز را ذبح کند. به ذبح گاو و نحر شتر دم گفته نمی‌شود؛ هرچند به یک‌هفتم شتر و یک‌هفتم گاو که در عید قربان می‌توان آن را بجای یک گوسفند حساب کرد، دم شکر اطلاق شده است. در گوسفند یا بز که برای کفاره ذبح می‌شود، لازم است همان شرایطی که در قربانی بیان شد مراعات شود.

صدقه: مراد از صدقه زمانی که بصورت مطلق به کار برده شود، همان مقداری است که در زکات فطریه پرداخت می‌شود؛ یعنی یک صاع جو یا نصف صاع گندم.^{۱۶۸}

۱۶۷. بقره، ۱۹۶.

۱۶۸. در تعیین مقدار صاع اختلاف است. برخی آن را حدود ۳ کیلوگرم می‌دانند و برخی آن را حدود ۴/۵ کیلو.



بُدنه: در لغت به معنای حیوان چاق و فربه آمده است و در اصطلاح مراد از آن شتر یا گاو است که برای کفاره یا دم شکر ذبح می‌شود.
در نحر شتر یا ذبح گاو برای کفاره، لازم است همان شرایطی که برای آن‌ها در قربانی بیان شد مراعات شود.

۲. وجوب کفاره در همه‌ی حالات:

در واجب شدن کفاره با ارتکاب جنایات فرقی نمی‌کند که عمداً انجام داده باشد یا سهواً، معذور باشد یا نباشد، از روی میل و اختیار باشد یا به اجبار و اکراه، در حالت بیداری باشد یا در خواب و بیهوشی، خودش مباشرتاً آن جنایت را انجام دهد یا دیگری را بدان امر کند.

اگر ارتکاب جنایات عمدی و بدون عذر باشد علاوه بر وجوب کفاره، مرتکب گناه نیز شده است و باید توبه کند.

اگر پس از ارتکاب یکی از جنایات کفاره‌ی آن را فوراً پرداخت کرد ولی دوباره آن جنایت را مرتکب شد کفاره دیگری بر او واجب می‌شود.

۳. انجام محرمات در صورت عذر:

اگر ارتکاب محرمات احرام به سبب عذری باشد مثلاً اگر در حالت احرام به علت سرمای شدید، سر خود را پوشاند، در این صورت گناهی مرتکب نشده است ولی کفاره‌ی آن ساقط نمی‌شود.

آنچه موجب عذر می‌شود مشقت زیاد و تکلفی است که موجب حرج شود. شخص معذوری که ناچار است برخی از محرمات را مرتکب شود، لازم است از قدر ضرورت تجاوز نکند.

به تصریح آیه‌ی فوق شخص معذور در ارتکاب محرمات، در پرداخت کفاره بین اطعام شش فقیر یا یک گوسفند یا سه روز، روزه مخیر است.

اگر کودک نابالغی، محرمات احرام یا حرم را مرتکب شود، معذور باشد یا بدون عذر کفاره‌ای بر او لازم نمی‌شود.

لازم به ذکر است خطا، فراموشی، بیهوشی، خواب، اکراه و بی‌پولی عذر محسوب نمی‌شوند.

۴. پرداخت کفاره:

پرداخت کفارات از جمله دم یا صدقه فوریت ندارد و تا پایان عمر فرصت دارد. در صورتیکه گمان می‌کند عمرش وفا نخواهد کرد واجب است کفاره را فوراً اداء کند و اگر به تأخیر بیندازد گناه کرده است.

اگر قادر به اداء کفاره نشد و مرگ او نزدیک شد، واجب است وصیت کند. شخصی که برای کفاره، گوسفندی را ذبح می‌کند خودش حق مصرف از آن را ندارد و باید آن را به فقرا بدهد.

اگر شخصی به سبب بی‌پولی قدرت بر پرداخت کفاره نداشت، کفاره مرتفع نخواهد شد و بر ذمه‌اش باقی می‌ماند.

بہتر است کفاره‌ی جنایات در بین فقرای حرم تقسیم شود.

شخصی که چندین صدقه بر او لازم شده است می‌تواند همه‌ی آن‌ها را یکجا به یک فقیر بدهد ولی نمی‌تواند به یک فقیر کمتر از یک صدقه (نصف صاع گندم) بدهد؛ بنابراین اگر یک صدقه را بین دو فقیر تقسیم کند کفایت نمی‌کند.

کسی که بر او دم یا صدقه واجب شده است نمی‌تواند در صورت ناتوانی بجای آن روزه بگیرد و باید صبر کند تا قدرت مالی پیدا کند.

• تقسیم‌بندی جنایات:

جنایات را می‌توان از لحاظ جهت اسباب و جوب آن و نیز از جهت کفاره‌ی مترتب بر آن به دو گونه تقسیم کرد:

۱. به لحاظ اسباب و جوب کفارات:

۱- جنایت احرام: یعنی هر عمل یا اقدامی که محرمات احرام را نقض کند، مانند پوشیدن لباس دوخته شده و یا تراشیدن مو.

۲- جنایت حرم: یعنی هر عمل یا اقدامی که موجب نقض محرمات حرم شود، مانند



شکار در حرم یا قطع درختان حرم.

در وجوب کفاره در این قسم از جنایات فرقی نمی‌کند محرم باشد یا محلّ. کفاره‌ی این قسم از جنایات، پرداخت قیمت همان موردِ تخلف می‌باشد و کفاره‌ی مخصوصی برای آن وجود ندارد.

۳- **نواقص اعمال و مناسک:** اگر زائر رمی جمرات را ترک کند تا غروب روز سیزدهم ذی الحجه لازم است قضا کند و دم نیز لازم است. ولی تا غروب روز سیزدهم ذی الحجه نتواند رمی را قضاء نماید فقط دم جبران کننده است.

۲. به لحاظ کفاره‌ی جنایات:

۱- جنایاتی که بر ارتکاب آن‌ها فقط توبه و استغفار لازم است مانند مجادله، قسم خوردن و ناسزا گفتن.

۲- جنایاتی که بر ارتکاب آن صدقه لازم می‌گردد؛ مانند کوتاه کردن کمتر از پنج ناخن یا ترک یک شوط از طواف صدر یا سعی.

۳- جنایاتی که بر ارتکاب آن یک دم لازم می‌گردد.

این قسم دارای مصادیق زیادی است که موارد آن به تفصیل بیان خواهد شد.

۴- جنایاتی که بر ارتکاب آن دو دم لازم می‌گردد.

بر خلاف سایر مذاهب اسلامی در فقه حنفی، برای ارتکاب محرمات احرام توسط حاجی قارن دو دم لازم می‌گردد، زیرا شخص قارن دو احرام دارد (هم احرام حج و هم احرام عمره) اما برای ترک واجبی از واجبات مانند انجام طواف بدون طهارت یا ترک رمی جمرات همان یک دم لازم می‌شود.

۵- جنایاتی که بر ارتکاب آن ذبح گاو یا شتر لازم می‌گردد.

این کفاره فقط در دو مورد واجب می‌شود:

الف) انجام اکثر شوط‌های طواف زیارت در حالت حیض یا نفاس بدون اینکه آنها را اعاده کرده باشد.

ب) مباشرت با همسر بعد از وقوف عرفات و پیش از تحلل اول.



۶- جنایاتی که بر ارتکاب آن باید به میزان خسارت، صدقه پرداخت کند. این قسم از کفارات اختصاص به محرمات حرم دارد، مثلاً اگر شخصی (محرم باشد یا محلّ) در محدوده‌ی حرم درختی را قطع کرد یا حیوانی را شکار کرد، واجب است به اندازه‌ی قیمت آن درخت یا حیوان به فقیر صدقه بدهد.

«موضوع جنایات را بر اساس تقسیم بندی (یک) پیش خواهیم برد.»

• جنایات احرام و کفاره‌ی آنها:

برای روشن‌تر شدن کفاره‌ی جنایات، محرمات احرام و حرم و همچنین نواقص مناسک را بطور جداگانه، در سه بخش به تفصیل بیان می‌کنیم:

۱. مواد خوشبوکننده:

بوئیدن هر آنچه خوشبو است مانند عطرها، گل‌ها، سبزی‌ها، میوه‌ها و غذاهای معطر، استعمال مواد خوشبو محسوب نمی‌شود و کفاره‌ای در پی ندارد هر چند کراهت دارد. استعمالات مواد خوشبو در سه صورت صدق می‌کند، استفاده بر بدن، استفاده در لباس، خوردن یا آشامیدن آن.

الف) بدن:

عطر مالی به قصد خوشبویی:

اگر شخص محرم عطر را در یک عضو کامل از بدن استفاده کند هر چند به مدت یک لحظه باشد بر وی دم واجب می‌شود ولی اگر ماده خوشبو از جمله کرم‌ها و صابونهای بودار را در یک عضو کامل از بدن استفاده کند بر وی صدقه واجب می‌شود..

استفاده از مواد خوشبوکننده در کمتر از یک عضو کامل مانند بخشی از ساق پا صدقه لازم می‌شود، ولی چنانچه در مواضع متعددی از بدن استفاده کند، که روی هم‌رفته به اندازه‌ی یک عضو کامل باشد دم واجب می‌شود.

باید توجه داشت ملاک در تعیین کفاره‌ی مواد خوشبوکننده متغیر است، یعنی چنانچه ماده‌ی خوشبوکننده ملایم و کم‌بو باشد، ملاک در تعیین کفاره بزرگی و کوچکی



عضو می‌باشد ولی چنانچه بوی آن شدید باشد در این زمان استفاده‌ی اندکی از آن نیز موجب دم می‌شود حتی اگر به اندازه‌ی یک بند انگشت باشد.

معطر کردن بدن و لباس پیش از احرام استحباب دارد و استشمام بوی آن نیز پس از احرام کراهت ندارد.

اگر شخص دیگری بر بدن یا لباس محرمی، عطر بمالد، بر او کفاره‌ای لازم نمی‌شود مگر آن که خودش امر کرده باشد.

لمس کردن مواد معطر در صورتیکه ذره‌ای از آن مواد بر بدن نجسبداشکال ندارد، ولی چنانچه ذره‌ای از آن بر انگشتان یا بدن بماند استعمال طیب محسوب می‌شود و حرام است و در کمترین حالت کفاره‌ی آن صدقه می‌باشد.

اگر فقط یکبار از مواد خوشبوکننده استفاده کند هرچند بوی آن تا مدتی باقی باشد فقط یک کفاره لازم است؛ برخی گفته‌اند واجب است آن مواد خوشبو را از بدن زائل کند و بشوید و اگر چنین نکرد کفاره‌ی دیگری واجب می‌شود.

روغن‌ها:

بر شخص محرم مالیدن هرگونه روغن خوشبویی بر بدن مانند روغن بنفشه اشکال دارد و حکم کفاره‌ی آن مانند استعمال مواد معطر دیگر است.

اگر از روغنی که در عرف معطر محسوب نمی‌شود، مانند روغن زیتون، به نیت بهره بردن از بوی آن استفاده کند در این صورت نیز کفاره واجب می‌شود.

خوردن روغن‌های غیرمعطر یا استفاده‌ی طبیی از آن مانند چرب کردن زانوها یا چکاندن آن در بینی، اشکال ندارد و کفاره نیز لازم نمی‌شود.

سرمه:

سرمه کشیدن با سرمه‌ای که معطر باشد استعمال معطرات محسوب می‌شود و کفاره دارد. اگر بر سرمه کشیدن مداومت کند دم واجب می‌شود ولی اگر یکبار یا دوبار آن را انجام دهد، صدقه واجب می‌شود.

استفاده از سرمه‌ای که معطر نباشد اشکال ندارد، هرچند احتیاط در ترک آن است.

خِضاب (رنگ کردن):

اگر شخص محرم خانم باشد یا آقا، دست یا پا، سر و یا ریش خود را با ماده‌ی خوشبویی مانند حنا رنگ کند، دم واجب می‌شود.

اگر آنچه بر روی سر استفاده می‌کند، لایه‌ای غلیظ و ضخیم باشد که تمام سر را بپوشاند، در این صورت دو دم واجب می‌شود، یکی بخاطر پوشاندن سر و دیگری برای استعمال مواد خوشبو؛ البته وجوب دو دم اختصاص به آقایان دارد چراکه برای بانوان پوشاندن سر اشکالی ندارد.

شستن کامل سر با خطمی، موجب دم می‌شود و اگر قسمتی از سر را بشوید صدقه لازم است.

ب) لباس:

اگر لباس محرم به مساحت یک وجب در یک وجب یا کمتر از آن به عطر آغشته شده باشد و بوی عطر آن نیز شدید نباشد در این صورت چنانچه یک شبانه روز آن لباس را بر تن کند صدقه واجب می‌شود.

اگر لباس محرم بیش از مساحت مذکور به عطر آغشته شد، یا اینکه بوی عطر شدید باشد، در این صورت چنانچه یک شبانه روز آن لباس را بر تن کند دم واجب می‌شود و اگر کمتر از یک شبانه روز باشد صدقه واجب می‌شود.

در وجوب کفاره هنگام استعمال مواد خوشبوکننده بر بدن، گذشتن زمان شرط نیست، ولی در لباس زمان نیز دخالت دارد.

اگر محرمی لباس دوخته شده‌ی معطر بر تن کند باید دو کفاره بپردازد.

اگر محرمی مواد خوشبوکننده مانند کافور یا مشک را در گوشه‌ی چادر یا لباس احرام خود ببندد، در این صورت اگر مقدار آن زیاد باشد دم واجب می‌شود و اگر کم باشد صدقه لازم است.

اگر پیش از احرام، لباس خود را معطر کند و پس از احرام، آن مواد معطر به قسمتی از لباس یا بدن سرایت کند اشکال ندارد.

بخور دادن لباس احرام (بعد از محرم شدن) به گلاب و هر آنچه موجب خوشبویی آن شود استعمال معطرات محسوب نمی‌شود، ولی کراهت دارد.



ج) خوردن و نوشیدن:

برای خوردن و نوشیدن هر خوراکی معطری که پخته شده نباشد مانند زعفران، چنانچه مقدار آن زیاد باشد به گونه‌ای که بیشتر دهان پر شود دم واجب است و اگر کمتر باشد صدقه واجب می‌شود.

در نوشیدن مایعی که با مواد معطر مانند زعفران مخلوط شده باشد اگر ماده‌ی خوشبو در آن غالب باشد دم واجب است و اگر غالب نباشد صدقه واجب است. اگر در غذای خام، از ماده‌ی خوشبویی مانند ادویه استفاده شود، چنانچه آن ماده غالب باشد دم واجب است ولی چنانچه غالب نباشد چیزی لازم نیست. ملاک در غالب بودن، حجم آن ماده‌ی خوشبو می‌باشد بنابراین اگر در غذایی مقدار اندکی ادویه، بوی شدید داشته باشد خوردن آن اشکال ندارد ولی غذایی که بیشتر آن را مواد خوشبو تشکیل داده است، هر چند که بوی آن کم باشد، دم واجب است. خوردن غذای پخته شده‌ای که در آن مواد معطر بکار رفته است اشکال ندارد هر چند حجم آن مواد زیاد باشد.

۲. پوشیدنی‌ها:

پوشیدن هر گونه لباس دوخته شده، کفشی که روی پا را فرا بگیرد و همچنین پوشاندن سر و صورت بر مردانِ مُحَرَّم حرام است و موجب کفاره می‌شود. این قسم از محرماتِ احرام اختصاص به مردان دارد، مگر پوشاندن صورت که برای زن‌ها نیز حرام است.

الف) پوشیدن لباس دوخته:

پوشیدن لباسی که دوخته شده باشد از جمله شلوار، پیراهن، زیرپوش و شورت و غیره، بر آقایان حرام است و چنانچه یک روز یا یک شب (یعنی نصف شبانه روز) آن را بپوشد دم واجب می‌شود و در کمتر از آن زمان، صدقه لازم می‌شود. اگر لباس دوخته‌ای را چندین روز بر تن کرد همان یک دم واجب است. اگر پس از پوشیدن لباس دوخته، کفاره‌ی آن را فوراً اداء کند، چنانچه پس از دادن

کفاره هنوز لباس را از تن خارج نکرده باشد، دوباره کفاره لازم می‌شود. اگر شخصی لباس‌های دوخته را از تن خارج کند و نیت کند، دوباره آن‌ها را بپوشد، در صورت پوشیدن دوباره، همان یک کفاره لازم است، اما چنانچه نیت کرده باشد دیگر لباس دوخته استفاده نکند ولی مجدد آن را بپوشد دو کفاره لازم است. انداختن لباس‌های دوخته بر روی دوش مانند عبا در صورتیکه دست در آستین آن نکند یا بند عبا را گره نزند، موجب کفاره نمی‌شود چراکه پوشیدن لباس دوخته صدق نمی‌کند.

ملاک در تعیین لباس دوخته دو چیز است:

اولاً لباس دوخته شده و خیاطی شده باشد، بنابراین استفاده از پارچه اشکال ندارد. ثانیاً پوشیدن لباس بر آن صدق کند بدون آنکه نیاز باشد لباس را با دست نگهدارد. اگر چندین لباس دوخته را یکجا به تن کند و چندین روز هم از آن‌ها استفاده کند، در این صورت نیز یک دم واجب است.

اگر شخصی بخاطر عذری، ناچار به استفاده از لباس دوخته باشد تا هنگامی که عذرش باقی است فقط یک کفاره لازم است.

شخص معذور لازم است به قدر ضرورت اکتفا کند، بنابراین اگر فقط به یک لباس احتیاج دارد ولی دو لباس بپوشد گناه کرده است، هرچند کفاره تفاوت نمی‌کند.

ب) پوشاندن سر و صورت:

آقایان:

اگر محرمی تمام سر یا صورت و یا یک چهارم آن‌ها را، یک روز یا یک شب (حدوداً ۱۲ ساعت) بپوشاند، دم لازم می‌شود.

برای پوشاندن کمتر از یک چهارم یا کمتر از ۱۲ ساعت باید صدقه بدهد. پوشاندن سر و صورت حتی در خواب نیز موجب کفاره می‌شود و حکم آن با بیداری فرقی ندارد با این تفاوت که شخص خواب مرتکب گناهی نشده است.

چنانچه شخص محرمی چیزی را بالای سر بگیرد که از آن بعنوان پوشاندن سر



استفاده نمی‌شود، مانند چوب، سنگ، کوزه، ظروف بزرگ و...، کفاره لازم نمی‌شود. بستن جایی از بدن بغیر از سر و صورت بدون عذر، مانند کمر یا پا، از محرمات نیست ولی کراهت دارد.

پوشاندن گوش‌ها و گردن به وسیله‌ی دست اشکال ندارد ولی پوشاندن آن‌ها با پارچه مکروه تحریمی است.

بانوان:

برای بانوان، پوشاندن تمام سر واجب است ولی پوشاندن صورت از محرمات می‌باشد و چنانچه یک روز یا یک شب کامل صورت خود را بپوشاند دم لازم می‌شود و برای کمتر از آن مقدار صدقه واجب می‌شود.

بانوان می‌توانند برای محفوظ ماندن از نگاه نامحرمان از نقابی که با صورت فاصله دارد استفاده کنند.

ج) پوشاندن پا:

بر آقایان پوشیدن کفشی که برآمدگی روی پا و پشت پا را بپوشاند جایز نیست و برای پوشیدن چنین کفشی در یک شب یا یک روز کامل دم لازم می‌شود و برای کمتر از این زمان صدقه واجب می‌شود.

۳. گرفتن ناخن:

گرفتن ناخن‌ها از محرمات احرام است و اگر شخص محرم ناخن‌های یک دست یا یک پا و یا همه ناخن‌ها را در یک مجلس بچیند یک دم واجب می‌شود. اگر از یک دست یا یک پا کمتر از پنج ناخن بچیند، برای هر ناخن یک صدقه لازم می‌شود.

ملاک در تعیین دم، چیده شدن هر پنج ناخن یک دست یا یک پا در مجلس واحد است، بنابراین اگر شخصی از هر دو پا و هر دو دست خود چهار ناخن بچیند که مجموع آن ۱۶ عدد می‌شود، باز هم دم واجب نخواهد شد و لازم است ۱۶ صدقه بپردازد. تراشیدن ناخن‌ها نیز در حکم چیدن است.

چیدن ناخن‌های شکسته که مقداری از آن مانده است اشکال ندارد و موجب کفاره هم نمی‌شود.

۴. کوتاه کردن، تراشیدن و کندن مو:

بر شخص محرم، زدودن موی بدن خود یا دیگران (از هر کجای بدن که باشد) و با هر وسیله‌ای که انجام بگیرد، حرام است و موجب کفاره می‌شود. در حکم کفاره تفاوتی بین تراشیدن، کوتاه کردن، سوزاندن و یا استفاده از نوره نمی‌باشد و حکم همه یکسان است. چنانچه تمام موهای بدن خود را در یک مجلس بتراشد یا کوتاه کند یک دم لازم می‌شود.

ملاک در تعیین کفاره:

موهایی که از بدن زائل می‌شوند بر دو قسم هستند:

۱- زائل کردن موهای آن عضو رایج و معمول نباشد مانند ساق پا و دستان: در این صورت حتی اگر موی تمام آن عضو را اصلاح کند فقط صدقه لازم می‌شود.

۲- زائل کردن موهای آن عضو رایج و معمول باشد مانند ریش و زیر بغل: این قسم نیز دو صورت دارد:

الف) تراشیدن قسمتی از آن عضو نیز مقصود باشد، مانند سر و ریش، در این صورت با تراشیدن موی یک چهارم عضو، دم واجب می‌شود.

ب) تراشیدن بخشی از آن، در عرف معمول و مقصود نباشد، مانند عانه و زیر بغل که عادتاً همه‌ی عضو اصلاح می‌شود، در این صورت فقط با تراشیدن همه‌ی آن دم لازم می‌شود اما با تراشیدن یک چهارم فقط صدقه لازم می‌شود.

سر و صورت:

برای تراشیدن یا کوتاه کردن یک چهارم سر یا ریش، دم واجب می‌شود؛ ولی اگر کمتر از این مقدار باشد صدقه لازم است.



سبیل:

کوتاه کردن تمام سبیل یا بعضی از آن موجب صدقه می‌شود.

گردن:

برای تراشیدن تمام موی گردن دم لازم می‌شود و تراشیدن بعضی از آن موجب صدقه می‌شود.

زیر بغل‌ها:

برای تراشیدن موهای یک بغل یا هر دو بغل دم لازم می‌شود؛ ولی برای تراشیدن کمتر از یک بغل کامل، صدقه لازم می‌شود.

عانه:

تراشیدن تمام موی عانه، موجب دم است و برای تراشیدن قسمتی از آن صدقه لازم است.

سایر اعضا:

برای تراشیدن موهای سینه، ساق پا، و روی گونه‌ها و دیگر مواضعی که اصلاح کردن آن‌ها رواج ندارد، فقط صدقه لازم می‌شود.

کنده شدن چند تار مو:

اگر از شخص مُحرم به خاطر دست کشیدن بر سر و صورت یا هر جای دیگر از بدن، موئی کنده شود واجب است برای هر یک مو یک کف دست گندم یا تکه‌ای نان و یا یک عدد خرما صدقه بدهد.

برای شخص بیماری که مو ریزه دارد و نیز کندن موئی که در چشم درآمده است، کفاره لازم نمی‌شود.

زدودن مو توسط شخص دیگر:

اگر شخص محرمی، سر محل یا مُحرم دیگری را بتراشد یا کوتاه کند، برای فاعل صدقه لازم است و فرقی نمی‌کند که محرم از پیش خودش انجام داده باشد یا به امر دیگری.

اگر شخص محل سر محرمی را بتراشد یا کوتاه کند بر او چیزی لازم نمی‌شود.

بر شخصی محرمی که سر او تراشیده شده است، در هر صورت دم واجب می‌شود.^{۱۶۹}

۱۶۹. برخی گفته‌اند: زمانی بر این شخص دم واجب است که خود او به تراشیدن سرش امر کرده باشد.

۵. آمیزش (همبستری):

آمیزش با همسر در حال احرام، بر زن و مرد حرام است؛ و تنها جنایتی است که ارتکاب آن در برخی موارد موجب بطلان حج یا عمره خواهد شد.

علاوه بر آمیزش، مقدمات آن از جمله لمس و بوسیدن از روی شهوت نیز حرام است و موجب دم می‌شود، فرقی هم ندارد انزال بشود یا نه، ولی در هر صورت حج یا عمره باطل نمی‌شود.

نگاه از روی شهوت حتی در صورت انزال، موجب کفاره نمی‌شود.

اگر زن و مرد هر دو محرم باشند، کفاره‌ی هر یک جداگانه محاسبه می‌شود.

مراد از آمیزش یعنی دخول به اندازه ختنه‌گاه در قُبُل باشد یا دُبُر، انزال بشود یا نه.

الف) عمره تمتع، عمره مفرده:

اگر عمره‌گزاری پیش از انجام رکن طواف عمره (یعنی ۴ شوط) با همسر خود آمیزش کند، انزال بشود یا نه، عمره باطل می‌شود و دم لازم است، علاوه بر اینکه باید عمره‌ی باطل خود را تمام کند و قضای آن را نیز به‌جا آورد.

در وجوب قضای عمره، فرقی ندارد عمره باطل شده واجب بوده است یا مستحب.

آمیزش یا ملاعبه پس از انجام طواف عمره یا حداقل ۴ شوط آن، موجب بطلان عمره نمی‌شود و فقط دم واجب است.

اگر مباشرت با همسر بدون دخول باشد حتی اگر انزال شود، موجب فساد حج و عمره نخواهد شد.

ب) حج تمتع، حج افراد:

اگر حج‌گزار پیش از وقوف در عرفه، با همسر خود آمیزش کند، انزال بشود یا نه، حج باطل می‌شود و دم لازم است، علاوه بر اینکه باید حج باطل خود را تمام کند و قضای آن را نیز در سال آینده به‌جا آورد.

مستحب است در اداء قضا برای حجتی که آن را باطل کرده‌اند، زن و شوهر کنار یکدیگر نباشند.

آمیزش پس از وقوف در عرفه و پیش از تحلل اول (حلق یا تقصیر) حج را باطل



نمی‌کند، ولی برای جبران آن باید بُدنه کفاره دهد.

آمیزش پس از حلق یا تقصیر و قبل از تحلل دوم (طواف زیارت)، موجب دم می‌شود.

ج) حجِ قِران:

اگر قارن پیش از طواف عمره و وقوف عرفات آمیزش کند، حج و عمره‌اش هر دو باطل می‌شود و واجب است دو دم کفاره دهد؛ همچنین باید حج باطل خود را تمام کند و آن را نیز قضا کند.

اگر قارن پس از انجام طواف عمره آمیزش کند، در این صورت عمره‌اش صحیح است ولی حجش باطل شده است و باید فقط حجش را قضا کند، و لازم است دو دم کفاره دهد، یک دم برای باطل کردن حج و یک دم برای آمیزش در احرام عمره؛ چراکه شخص قارن تا پایان مناسک از احرام عمره خارج نمی‌شود.

اگر قارن پس از وقوف عرفات و پیش از حلق یا تقصیر آمیزش کند، در این صورت حج و عمره‌اش هر دو صحیح می‌باشد چراکه رکن هر دو را اداء کرده است ولی لازم است یک دم و یک گاو یا شتر کفاره دهد.

۲. مباهات احرام:

برخی از موارد اختلافی که نزد حنفیان از جنایات احرام محسوب نمی‌شود ولی برخی مذاهب دیگر حرام می‌دانند، عبارتند از:

- ۱- ازدواج، عقد کردن و شاهد بودن بر عقد؛
- ۲- نگاه کردن در آینه؛
- ۳- سرمه کشیدن با مواد غیر معطر؛
- ۴- زیر سایه رفتن برای مرد، در صورتی که پوشاندن سر محسوب نشود؛
- ۵- حجامت کردن و خون گرفتن؛
- ۶- کشیدن دندان.

● پرسش:

- ۱- ارتکاب جنایات به خاطر داشتن عذر، چه حکمی دارد و کفاره آن نسبت به موارد بدون عذر چه تفاوتی دارد؟
- ۲- مقدار صدقه و چگونگی تقسیم آن را بیان کنید.
- ۳- حکم استفاده از مواد معطر بر بدن و لباس چه تفاوتی دارد، توضیح دهید.
- ۴- در زدودن موهای بدن، لازم شدن دم یا صدقه به چه امری وابسته است؟
- ۵- ملاک در لازم شدن دم برای چیدن یا تراشیدن ناخن‌ها را توضیح دهید.
- ۶- مباشرت با همسر در چه صورت موجب بطلان حج یا عمره می‌شود؟

درس سیزدهم: جنایات (۲)

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- جنایات حرم از جمله قطع گیاهان و شکار حیوانات خشکی و کفاره‌ی آنها
- ۲- تساوی حکم محل و محرم در وجوب کفاره در جنایات حرم
- ۳- نواقص اعمال حج و عمره و جبران آن با پرداخت کفاره
- ۴- ساقط شدن کفاره با تکمیل نقصان یا ازسرگیری دوباره‌ی عمل پیش از اتمام وقت آن
- ۵- عدم کفاره در نواقص اعمال در صورت داشتن عذرشرعی



• جنایات حرم و کفاره‌ی آن‌ها:

به شهر مکه و بخشی از اطراف آن اصطلاحاً حرم گفته می‌شود. خداوند متعال همه‌ی سرزمین حرم را بعنوان منطقه‌ای امن قرار داده و برخی از کارها را در این محدوده حرام کرده است که به آن‌ها محرمات حرم گفته می‌شود و پرهیز از آن‌ها بر محرم و غیر محرم یکسان است.

آنچه به عنوان جنایات حرم گفته می‌شود بین محرم و محل برابر است ولی باید توجه داشت ارتکاب این جنایات در خارج از حرم نیز بر شخص مُحرم حرام است و کفاره دارد. در صورت ارتکاب جنایات حرم توسط شخصی که احرام به حج قِران بسته است پرداخت دوبرابر کفاره لازم نیست، ولی در جنایات احرام، کفاره‌ی شخص قارن دو برابر محاسبه می‌شد.^{۱۷۰}

۱. قطع گیاهان و درختان:

گیاهان و درختان روئیده در حرم، چنانچه توسط انسان کاشته شده باشد، چیدن و قطع آن‌ها جایز است ولی کندن، قطع کردن و یا آتش زدن گیاهان و درختان خود رو (در هر اندازه‌ای که باشند) حرام می‌باشد و لازم است معادل قیمت آن صدقه بدهد. انذر^{۱۷۱} تنها گیاه خود رویی است که کندن آن اشکال ندارد و استثناء شده است. استفاده از چوب‌هایی که بر روی زمین افتاده و همچنین قطع و شکستن درختان خشکیده اشکال ندارد.

استفاده و فروش از گیاهانی که قطع کرده است جایز است ولی کراهت دارد.

۱۷۰. دلیل این تفاوت این است که کفاره‌ی جنایات حرم، بخاطر شرافت و حفظ حرمت این سرزمین وضع شده است. بنابراین به بستن دو احرام همزمان ربطی ندارد، اما در کفاره‌ی محرمات احرام، چون ملاک خود احرام است، لذا کسی که نیت دو احرام کرده است باید دو برابر پرداخت کند.

۱۷۱. انذر، گیاهی است خوشبو با ریشه محکم و برگ‌ها و ساقه‌های فراوان و باریک، مانند گیاه «نی». این گیاه در مکه و مدینه زیاد یافت می‌شود و کاربردهای دارویی فراوانی مانند بازگشایی رگ‌ها، رفع ورم معده و کبد، دفع سنگ کلیه و مثانه، و تسکین درد دندان دارد.



۲. شکار حیوانات:

الف) حیوانات خشکی

«وَحُرْمٌ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا».^{۱۷۲}

شکار حیواناتی که در خشکی تولید مثل می‌کنند، هرچند دوزیست باشند، اعم از پرندگان، خزندگان و چهارپایان، حلال گوشت باشند یا حرام گوشت، بر محرم و محل حرام است و لازم است معادل قیمت آن صدقه بدهد.

پرداخت کفاره در شکار حیوانات حرام گوشت، مانند خوک، گراز، عقاب و...، نباید از قیمت یک گوسفند بیشتر باشد اما در حیوانات حلال گوشت مانند آهو، گوزن، بز کوهی و...، قیمت آن هر چقدر که باشد باید پرداخت کند.

راهنمایی شکارچی:

اشاره کردن و راهنمایی شکارچی به شکار در حکم خود شکار است؛ بنابراین بر هریک از اشاره‌کننده و شکارچی کفاره لازم می‌شود.

کشتن حیوانات مودی:

کشتن حیوانات مودی و درنده که حمله‌ور می‌شوند و بدون کشتن نمی‌توان آن‌ها را دفع کرد از جمله شیر، گرگ، مار، عقرب و تمام حیواناتی که زهر دارند، برای محل و محرم اشکال ندارد.

ذبح حیوانات اهلی:

ذبح حیوانات اهلی مانند گوسفند، گاو، مرغ و... برای محل و محرم جایز است.

خوردن از حیوان شکار شده:

خوردن حیوانی که در حرم شکار شده است یا محرمی آن را در خارج حرم شکار کرده است، در حکم میته است و خوردن آن بر هیچ‌کس جایز نیست. شخص محرم یا محلی که حیوان را شکار کرده است، اگر از آن بخورد گناه کرده است و باید به مقداری که خورده است صدقه نیز بدهد.

زخمی کردن حیوان:

اگر حیوانی را در حدی زخمی کرده باشد که به سبب آن زخم نمیرد، در این صورت باید ارزش آن را پرداخت کند؛ یعنی مبلغی که به سبب جراحت از قیمت او کاسته شده است را صدقه بدهد، ولی اگر به سبب آن زخم بمیرد کفاره لازم است. اگر شخصی که حیوانی را کشته یا زخمی کرده است، قصد کمک به او را داشته است، مثلاً می‌خواسته حیوانی را مداوا کند ولی او را زخمی کرده باشد در این صورت کفاره ای لازم نمی‌شود.

ب) حیوانات دریایی:

«أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ مَتَاعًا لَكُمْ»^{۱۷۳}.

صید حیواناتی که در آب تولید مثل می‌کنند و به آن‌ها حیوانات دریایی گفته می‌شود جایز است؛ هرچند حلال گوشت نباشند. برخی، صید حیوانات دریایی را منحصر در انواع ماهی‌ها می‌دانند.

ج) کشتن ملخ:

کشتن ملخ در حرم، بر محل و محرم حرام است و برای کشتن هر یک ملخ می‌تواند یک عدد خرما یا کمتر از آن، صدقه دهد. برای کشتن سه ملخ و بیشتر از آن لازم است نصف صاع گندم کفاره دهد.

د) دوشیدن شیر و شکستن تخم پرندگان:

دوشیدن شیر حیوانات غیراهلی مانند بز کوهی و شکستن تخم پرندگان غیراهلی مانند کبک، حرام است و باید معادل قیمت آن‌ها کفاره دهد؛ ولی خوردن آن‌ها در صورتیکه حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد.

ه) کشتن شپش‌ها:

بر محرم، کشتن شپش یا برداشتن آن‌ها از روی بدن حرام است؛ و موجب کفاره می‌شود ولی برای محل اشکالی ندارد.



اگر به نیت از بین بردن شپش‌ها، بدن یا لباس خود را بشوید یا لباسش را زیر آفتاب پهن کند در این صورت نیز کفاره لازم می‌شود.

برای برداشتن یک عدد شپش از روی بدن یا کشتن آن، کمتر از یک کف دست گندم، برای دو یا سه شپش یک کف دست گندم و برای بیشتر از سه عدد، نصف مد گندم یا یک مد جو کفاره دهد.

برای کشتن مگس، پشه، زنبور، موش، مورچه، مارمولک کفاره لازم نمی‌شود.

• جرائم ترک واجبات عمره و حج:

بر حاجیان و عمره‌گزاران واجب است همه‌ی واجبات حج و عمره را یک به یک اداء کنند، ولی در صورت ترک بدون عذر هر یک از واجبات حج یا عمره، جریمه‌ای قرار داده شده است تا اینگونه نقصان مناسک جبران شود.

اگر واجبی از اعمال حج یا عمره را به سبب عذر شرعی، مانند بیماری ترک کند، گنهکار نبوده و کفاره‌ای نیز بر او لازم نمی‌شود بنابراین کفاراتی که در این بخش گفته می‌شود، همگی منوط به عدم عذر شرعی است.

اگر واجبات حج یا عمره از روی سهو یا فراموشی ترک شود، در این صورت گنهکار نبوده ولی کفاره لازم است.

اگر واجب ترک شده را در وقت اضطراری آن اداء کند مانند وقوف در عرفات بعد از غروب آفتاب، و یا آن واجب را قضا کند مانند رمی جمره‌ای که فراموش شده است، در این حالات کفاره لازم نیست.

ترک طواف عمره و ترک وقوف عرفات که از ارکان عمره و حج هستند با کفاره قابل جبران نیست و با ترک آن‌ها عمره و حج باطل می‌شود.

۱. احرام:

بر آفاقیان و اهل حل، گذشتن از میقات‌های خویش، بدون بستن احرام جایز نیست و در صورت ترک احرام، گنهکار بوده و دم نیز واجب می‌شود؛ مگر آنکه به میقات بازگردد و از آنجا احرام بندد.

شخصی که بعد از میقات احرام بسته است، چنانچه پیش از شروع اعمال حج یا عمره به میقات برگردد و در آن جا تلبیه بگوید، دم از او ساقط می‌شود. چنانچه آفاقی قصد ورود به حرم را ندارد، می‌تواند از میقات، بدون بستن احرام، گذر کند.

نیوشیدن لباس احرام به هنگام گفتن تلبیه، برای آغاز احرام، موجب دم می‌شود؛ همچنین اگر لباس دوخته شده بر تن داشته باشد کفاره جداگانه ای دارد. برای محرم شدن لازم است، حداقل یک بار تلبیه بگوید و در صورت ترک آن، یک دم لازم می‌شود.

۲. طواف:

طواف از واجبات حج و عمره می‌باشد که انجام صحیح و کامل آن لازم است، ولی در صورت هرگونه نقصانی، عمدی یا سهوی، می‌توان آن را با پرداخت جریمه جبران کرد.

اگر طوافی که ناقص است یا شرایط آن رعایت نشده است را اعاده کند یا نقصان آن را کامل کند، پرداخت کفاره لازم نمی‌شود.

طواف کردن با بدن یا لباس نجسی که نماز خواندن با آن صحیح نیست موجب دم می‌شود، برخی ترک این واجب را فقط حرام دانسته‌اند ولی کفاره را لازم نمی‌دانند.

چنانچه عورت^{۱۷۴} شخصی هنگام طواف مکشوف باشد برخی گفته‌اند دم لازم می‌شود ولی برخی دیگر فقط آن را حرام دانسته‌اند و کفاره را لازم نمی‌دانند.

طواف کردن سواره بر کسی که توانایی پیاده طواف کردن را دارد موجب دم می‌شود.

طوافِ عمره و زیارت:

ترک طواف عمره و زیارت، یا ترک اکثر شوطها، موجب دم می‌شود و بطلان عمره و حج را نیز در پی دارد و لازم است آن حج یا عمره را نیز قضا کند، ولی چنانچه بیشتر شوطها را انجام داده باشد طواف او صحیح است و با دم جبران می‌شود.

۱۷۴. مراد از عورت، همان مقداری است که پوشاندن آن در نماز بر مرد و زن واجب است.



به تأخیر انداختن طواف زیارت از ایام نحر موجب دم می‌شود. اگر همه‌ی طواف زیارت و طواف عمره یا بیشتر شوط‌های آن را بدون وضو انجام دهد، طواف او باطل نمی‌شود و با دم جبران می‌شود. اگر در طواف زیارت یا طواف عمره سه شوط یا کمتر از آن را بدون وضو انجام دهد، برای هر شوط یک صدقه لازم است.

برای انجام طواف زیارت در حال جنابت، حیض یا نفاس ذبح بُدنه لازم می‌شود، ولی برای انجام طواف عمره در این حالات فقط یک دم لازم است. شخصی که طواف زیارت را انجام نداده است، ولی طواف وداع را در ایام نحر انجام داده باشد، در این صورت آن طواف وداع به‌جای طواف زیارت محسوب خواهد شد؛ بنابراین لازم است طواف وداع دیگری انجام دهد و همچنین کفاره ترک طواف زیارت بر او لازم نمی‌شود.

اگر طواف زیارت را بدون طهارت و طواف وداع را با طهارت انجام داده باشد در این صورت، آن طواف با طهارت بجای طواف زیارت محسوب می‌شود و طواف بدون طهارت، بجای طواف وداع خواهد بود، که لازم است با کفاره آن را جبران کند یا طواف وداع دیگری به‌جا آورد.

دیگر طواف‌ها:

طواف وداع از واجبات غیررکن حج است، بنابراین ترک طواف وداع یا ترک اکثر شوط‌ها موجب بطلان حج نخواهد شد و با دم جبران می‌شود. طواف قدوم سنت است و در صورت ترک آن، گناه کرده است، ولی کفاره‌ای لازم نمی‌شود؛ اما اگر شخصی پس از آغاز طواف قدوم، اکثر شوط‌های آن را ترک کند دم لازم می‌شود.

در همه‌ی اقسام طواف (به جز طواف زیارت و طواف عمره)، چنانچه شخصی سه شوط یا کمتر را ترک کند، برای هر شوط یک صدقه لازم می‌شود.

اگر طواف وداع یا طواف قدوم یا هرگونه طواف نفلی را بدون وضو به‌جا آورد، برای هر شوط یک صدقه لازم است.

۳. سعی:

انجام سعی بین صفا و مروه در عمره و حج از واجبات است ولی چنانچه شخصی آن را بدون عذر ترک کند، گناه کرده است ولی عمره و حج او باطل نخواهد شد و فقط دم بر او واجب می‌شود، و اگر معذور باشد کفاره نیز لازم نمی‌شود. اگر در انجام سعی، سه شوط یا کمتر را ترک کرده باشد، برای هر شوط یک صدقه لازم است.

اگر شخصی که سالم است سعی را سواره انجام دهد، سعی او صحیح است ولی دم لازم می‌شود و اگر سه شوط یا کمتر از آن را سواره انجام دهد صدقه لازم می‌شود. در انجام سعی طهارت لباس و بدن و همچنین طهارت از حدث شرط نیست؛ بنابراین انجام سعی بدون طهارت اشکال ندارد و موجب کفاره نمی‌شود.

۴. وقوف‌ها:**عرفات:**

بر حاجیان لازم است از زوال آفتاب تا غروب روز نهم ذیحجه در عرفات وقوف کنند، و در این زمان از عرفات خارج نشوند ولی اگر شخصی بنا به هر دلیلی از عرفات خارج شد و بازنگشت، بر او دم لازم می‌شود. شخصی که از عرفات خارج شده است، چنانچه پیش از غروب آفتاب بازگردد، دم ساقط می‌شود.

کسی که وقوف عرفات را در وقت اختیاری آن انجام نداده است، لازم است در وقت اضطراری، که تا پیش از طلوع فجر روز دهم ادامه دارد خود را به عرفات برساند و برای یک لحظه در آنجا توقف کند و اگر تا طلوع فجر روز دهم به عرفات وارد نشود، حج او باطل می‌شود، لازم است آن را قضا کند و یک دم نیز کفاره دهد.

مزدلفه:

اگر شخصی بدون عذر وقوف مزدلفه را (که وقت آن از طلوع فجر روز دهم تا طلوع آفتاب ادامه دارد) ترک کند، گناه کرده است و بر او دم لازم می‌شود.



بیتوته‌ی مزدلفه در شب دهم واجب نیست و در صورت ترک آن کفاره لازم نمی‌شود ولی کراهت دارد.

بر افراد کهنسال و بانوان، جایز است به خاطر ضعف جسمانی یا به خاطر ترس از ازدحام به هنگام رمی جمره، وقوف مزدلفه را ترک کنند و شبانه به منا بروند و رمی جمره را به‌جا آورند و کفاره هم بر آنان لازم نیست.

بیتوته در منا:

سنت آن است که حاجیان در روز هشتم ذیحجه در منا بیتوته کنند و با طلوع خورشید روز نهم به سمت عرفات حرکت کنند؛ ولی اگر شخصی در منا بیتوته نکرد سنت را ترک کرده است ولی کفاره لازم نمی‌شود.

بیتوته در منا در روزهای یازدهم و دوازدهم ذیحجه نیز سنت مؤکد است، و ترک آن کراهت شدید دارد ولی موجب کفاره نمی‌شود.

۵. رمی جمرات:

اگر در یکی از روزها رمی را فراموش کند یا عمداً انجام ندهد، واجب است روز بعد قضای آن را به‌جا آورد و کفاره نیز بپردازد.

اگر رمی کامل یک روز یا همه‌ی روزها را ترک کند، در هر دو صورت بر او یک دم واجب است.

چنانچه از مقدار رمی هر روز، تعداد کمتر آن را انجام دهد مثلاً در روز دهم فقط سه سنگریزه بزند یا در روز یازدهم از مجموع ۲۱ سنگریزه فقط ۱۰ عدد آن را بزند، در این صورت دم لازم می‌شود.

اگر اکثریت رمی یک روز را انجام بدهد، مثلاً در روز دهم که زدن ۷ سنگریزه واجب است، ۴ عدد آن را زده باشد یا در روز یازدهم که باید ۲۱ عدد سنگریزه بزند ۱۱ عدد آن را زده باشد در این صورت دم واجب نمی‌شود ولی برای هر عدد سنگریزه که نزده است، یک صدقه لازم است.

۶. قربانی:

در حجِ قِران و تمتع، رعایت ترتیب بین رمیِ جمره، قربانی و تحلیل، و در حجِ افراد، رعایت ترتیب بین رمیِ جمره و تحلیل واجب می‌باشد، و در صورت عدم مراعات ترتیب دم لازم می‌شود.

اگر قربانی کردن را از ایام نحر به تأخیر اندازد، یک دم واجب می‌شود. لازم است قربانی روز عید را در حرم انجام دهد و اگر خارج از حرم آن را انجام دهد، دم لازم می‌شود.

۷. حلق و تقصیر:

حلق یا تقصیر باید پس از رمیِ جمره و قربانی انجام شود، و اگر پیش از آن دو انجام شود، دم لازم می‌شود.

در صورت ترک بدون عذر حلق یا تقصیر، دم لازم می‌شود. اگر حلق یا تقصیر را از ایام نحر به تأخیر بیندازد، دم لازم می‌شود. اگر حلق و تقصیر را خارج از محدوده‌ی حرم انجام دهد، دم واجب می‌شود.

**• پرسش:**

- ۱- محاسبه‌ی کفاره در ارتکاب جنایات حرم را توضیح دهید.
- ۲- مراد از حیوان خشکی چیست و ذبح حیوانات اهلی چه حکمی دارد؟
- ۳- ترک احرام از میقات در چه صورتی موجب دم نمی‌شود؟
- ۴- حکم ترک طواف وداع را بیان کنید؟
- ۵- حکم طواف زیارت در حالت حیض یا نفاس را بیان کنید.
- ۶- خارج شدن از عرفات در چه صورتی موجب کفاره می‌شود؟
- ۷- انجام سعی بدون طهارت یا سواره چه حکمی دارد؟
- ۸- ترک رمی جمرات در چه صورت‌هایی موجب دم می‌شود؟

درس چهاردهم: احصار، نیابت

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- معنای احصار، پیشینه‌ی احصار و اسباب احصار
- ۲- وظیفه محصرین (ذبح گوسفند و خارج شدن از احرام، قضای آن حج یا عمره‌ی ناتمام)
- ۳- شرایط لازم در صحت حج یا عمره نیابتی و شرایط شخص نائب
- ۴- احکام نیابت از جمله، پرداخت کفارات از مال نائب، ناتوانی نائب از انجام حج، واگذاری نیابت به دیگری، عدم جواز حج تمتع در صورت وصیت به مطلق حج و...



۱. احصار

«وَاتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ» ۱۷۵

احصار در لغت به معنای منع و بازداشت است، و در اصطلاح به معنای به وجود آمدن مانع برای شخص محرم در تکمیل مناسک حج یا عمره می‌باشد. شخص محصر برای خارج شدن از احرام، باید گوسفندی را در محدوده حرم قربانی کند، و اگر نمی‌توانست به حرم داخل شود، باید به شخص دیگری بسپارد تا از طرف او این ذبح را انجام دهد.

• پیشینه‌ی احصار:

موضوع احصار، نخستین بار در سال ششم هجری و در جریان سفر رسول الله (ص) و یاران ایشان برای انجام عمره پدیدار شد؛ چراکه در آن سفر مشرکان قریش از ورود پیغمبر و همراهان ایشان به مکه ممانعت کردند و مسلمانان بنا به دستور خداوند در آیه‌ی فوق (که درباره‌ی همین ماجرا نازل شده است) شتران خود را در حدیبیه نحر کردند و از احرام خارج شدند و در سال بعد عمره خود را قضا کردند.

• برخی احکام احصار:

۱. موجبات حصر:

در فقه حنفی، احصار مفهوم گسترده‌ای دارد و با هر چیزی که مانع حج‌گزاران محرم شود، تحقق می‌یابد؛ ولی در سایر مذاهب فقط به بازداشتن شخص محرم از اتمام ارکان حج و عمره، توسط دشمن گفته می‌شود و بیماری و غیره را احصار نمی‌دانند. مانع شدن دشمن، بروز بیماری، بازداشت، گم شدن، بسته شدن راه‌ها، لغو پرواز، نداشتن هزینه‌های ادامه‌ی سفر و... از جمله موانعی هستند که محرم را از انجام عمره یا حج باز می‌دارند.

چنانچه شوهر، زن خود را از ادامه دادن حج نفلّی منع کند، یا محرمی که همراه زن است فوت کند، در این حالات، زن در حکم محصر است و باید با انجام دم از احرام خارج شود.

اگر محصر بداند مانع از انجام مناسک، مرتفع می‌شود، واجب است صبر کند تا عذرش برطرف شود و جایز نیست از احرام خارج شود.

۲. خارج شدن از احرام:

بیرون آمدن از احرام، هنگامی جایز است که گوسفند را در حرم قربانی کند؛ بنابراین تا پیش از ذبح گوسفند، لازم است از محرّمات احرام پرهیز کند. مُحصری که برای ذبح گوسفند در حرم، شخصی را وکیل قرار داده است، باید تا هنگام اطمینان از ذبح منتظر بماند و از احرام خارج نشود. پرداخت پول گوسفند به فقرا یا روزه گرفتن، کفایت از ذبح گوسفند نمی‌کند. شخص قارن در صورت احصار، لازم است دو گوسفند ذبح کند، مگر آنکه پیش از احصار طواف عمره را به‌جا آورده باشد.

۳. وجوب قضای حج یا عمره:

بر محصر علاوه بر دم، لازم است حج یا عمره‌ای که از انجام آن بازمانده است را قضا کند.

در وجوب قضا فرقی نمی‌کند که آن حج یا عمره واجب بوده است یا مستحب. چنانچه پس از خارج شدن از احرام، مانع مرتفع شود و وقت نیز باقی باشد، بر حاجی لازم است دوباره احرام ببندد و بدون آنکه نیت قضا کند، حجتش را در همان سال اداء کند. محصری که احرام به عمره مفرده بسته است، می‌تواند قضای آن را در همان سال یا هر زمان دیگری که بخواهد به‌جا آورد.

۴. احصار پس از وقوف عرفات:

شخصی که پس از وقوف عرفات از تکمیل مناسک حج و انجام طواف زیارت عاجز



بماند، در این صورت محصر محسوب نمی‌شود؛ چراکه وقت انجام طواف زیارت تا پایان عمر ادامه دارد، هرچند برای تأخیر آن دم لازم می‌شود.

۵. احصار پیش از وقوف عرفات:

اگر شخصی نتواند تا پایان شب دهم خود را به عرفات برساند، در این صورت حج از او فوت می‌شود و با انجام افعال عمره محلّ می‌شود و قضای حج را نیز به‌جا می‌آورد، ولی دم بر او لازم نمی‌شود.

۶. عادت ماهیانه در حج تمتع:

اگر زنی که احرام به حج تمتع بسته است، پیش از انجام طواف عمره تمتع دچار عادت ماهیانه شود و زمان آنقدر باقی نباشد که تا پایان عادت صبر کند و عمره را تکمیل کند، در این صورت باید نیت حج افراد کند تا خودش را به وقوف عرفات برساند و اعمال حج را به‌جا آورد.

بیماران:

همانطور که در گذشته بیان شد، بر بیماران و کسانی که ضعف جسمانی دارند، انجام حج واجب نیست؛ ولی اگر به حج بروند یا اگر شخص سالمی در سفر بیمار شد، در این صورت لازم است احرام، وقوف عرفات و طواف زیارت را خودشان با یاری گرفتن از دیگران انجام دهند، ولی در سایر اعمال می‌توانند نایب بگیرند.

۲. حج یا عمره نیابتی:

نیابت در اینجا به معنای به‌جا آوردن حج یا عمره از طرف شخص دیگر است، به‌گونه‌ای که ثواب و آثار آن حج یا عمره برای همان شخص دیگر منظور شود. حج یا عمره‌ی نیابتی در همه‌ی آداب و احکام مانند حج و عمره‌ی اصلی خود فرد است، با این تفاوت که هنگام احرام نیت می‌کند به نیابت از فلانی حج یا عمره انجام می‌دهم.

• شرایط صحت حج نیابتی:

۱. وجوب حج:

بر منوب‌عنه باید حج فرض شده باشد؛ یعنی وجوب حج برای او ثابت باشد ولی به‌خاطر سهل‌انگاری، دیگر امکان اداء آن را نداشته باشد؛ ولی اگر بر او حج واجب نشده باشد و شخصی نیابتاً از او حج به‌جا آورد، آن حج نیابتی کفایت از حجة الاسلام را نمی‌کند.

۲. عجز از انجام حج توسط خود شخص:

کسی که به خاطر کهولت سن یا بیماری از انجام حج ناتوان است و امید بهبودی ندارد، می‌تواند در حالت حیات خودش نایب بگیرد؛ ولی در نماز و روزه تا زنده باشد نایب گرفتن صحیح نمی‌باشد.

این عجز باید هنگام نایب گرفتن وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر هنگام نایب گرفتن سالم باشد و بعد از آن عاجز شود، حج نایب کفایت نمی‌کند.

۳. عمل بر طبق وصیت:

چنانچه میت وصیت کرده باشد که شخص معینی حج را به‌جا آورد، لازم است طبق وصیت عمل شود؛ بنابراین نیابت دیگران در انجام حج کفایت نمی‌کند.

اگر بطور مطلق وصیت کند هر کسی می‌تواند نیابتاً از جانب میت حج را انجام دهد. اگر از شخص عاجزی که زنده است، بدون اطلاع و درخواست او نیابتاً حج به‌جا آورد، در این صورت آن حج کفایت از منوب‌عنه نخواهد کرد.

شخصی که بر او حج واجب شده است ولی بدون وصیت فوت کند، در این صورت بر ورثه لازم نیست نایب بگیرند؛ اگر گرفتند خداوند بخشنده و مهربان است؛ همچنین هرکسی می‌تواند بصورت مجانی از جانب او حج گزارد.

۴. عدم تعیین دستمزد:



در حج نیابتی نباید مبلغی به عنوان دستمزد شرط شود؛ بنابراین اگر شخصی را مشروط به پرداخت اجرتی امر به انجام حج کند، آن حج کفایت نمی‌کند. پرداخت اجرت بدون آن که شرط شود، اشکال ندارد؛ و حج نیز برای منوب‌عنه واقع می‌شود، هرچند بهتر آن است اینگونه عمل نشود و نایب فقط خرج سفرش را بردارد.

۵. پرداخت تمام هزینه‌های سفر:

کسی که نایب می‌گردد یا وصیت می‌کند، لازم است تمام هزینه‌های سفر نایب را بپردازد.

اگر نایب بدون دریافت هزینه، از مال خودش حج به‌جا آورد، به این نیت که پس از انجام حج آن مبلغ را پس بگیرد جایز است.

پرداخت هزینه‌های سفر طبق شئون نایب و با در نظر گرفتن همه چیزهایی که مورد نیاز است از جمله هزینه‌ی رفت و برگشت، اقامت، تغذیه و... محاسبه می‌شود.

امروزه با توجه به اعزام حج از طریق سازمان‌های دولتی و هماهنگی همه‌ی امور توسط کاروان‌ها، هزینه‌ی حج بر اساس نرخ مصوب دولت‌ها مشخص می‌شود.

هزینه‌های شخصی مانند هزینه‌ی درمانی، صدقه دادن به فقیر، قرض دادن به دیگران و یا خریدهای غیرضروری، برعهده‌ی خود نایب است و نمی‌تواند از مال منوب‌عنه استفاده کند.

۶. فرستادن نایب از وطن منوب‌عنه:

باید نایب از همان شهری که منوب‌عنه در آنجا زندگی می‌کند سفر حج را آغاز کند؛ مگر آنکه ثلث مال میت کفایت مخارج سفر را نکند که در این صورت می‌توان از کسانی که به مکه نزدیک‌ترند نایب گرفت.

۷. نیت:

لازم است که نایب پس از بستن احرام و هنگام گفتن تلبیه، نیابت را نیز قصد کند بنابراین بگوید: «لیبک بحجة التمتع عن فلان» و پس از آن تلبیه را کامل بگوید.

اگر هنگام گفتن تلبیه، نیت نیابت و نوع حج یا عمره را در دل قصد کند و بر زبان جاری نسازد کفایت می‌کند.

در انجام حج یا عمره نمی‌توان از دو نفر همزمان نیابت کرد؛ بنابراین اگر هنگام احرام شخص دیگری را نیز در ثواب حج سهیم کند، در این صورت حجتی که به‌جا می‌آورد برای هیچ‌یک از آن دو نفر کفایت نمی‌کند و برای خود نایب محسوب می‌شود همچنین نسبت به منوب‌عنه ضامن خواهد بود.

اگر در نیت دچار اشتباه شده باشد تا پیش از شروع به اعمال حج یا عمره فرصت دارد آن را اصلاح کند.

۸. شرایط نایب:

- ۱- اهلیت کامل را داشته باشد یعنی مسلمان بوده و عاقل و بالغ باشد.
- ۲- امین باشد یعنی طبق خواسته یا وصیت منوب‌عنه نوع حج را انتخاب کند و اعمال حج را بصورت صحیح به‌جا آورد.
- ۳- بهتر آن است شخصی را که نایب قرار می‌دهند عالم به احکام و جزئیات حج باشد.
- ۴- بهتر آن است نایب مرد باشد، ولی زن نیز با اجازه‌ی همسر و داشتن همراه می‌تواند نایب شود؛ هر چند کراهت دارد.
- ۵- اگر شخص نایب حجة الاسلام خودش را اداء نکرده باشد نیابت کراهت دارد.

• برخی احکام نیابت:

۱. حکم کفارات:

اگر نایب در هنگام احرام، یکی از جنایات احرام، حرم یا نواقص اعمال را مرتکب شد، پرداخت کفاره‌ی آن بر عهده‌ی خود اوست مگر کفاره‌ی احصار که از مال منوب‌عنه پرداخت می‌شود.

علاوه بر کفارات، هزینه‌ی دم شکر نیز بر عهده‌ی نایب است، چراکه این دم متوجه کسانی است که مناسک را به‌جا می‌آورند.



۲. بهبودی پس از فرستادن نایب:

شخص بیماری که از بهبودی خود ناامید بوده است؛ در صورتیکه پس از فرستادن نایب، سلامتی خود را بدست آورد در این صورت لازم نیست دوباره خودش حج را به جا آورد.

اگر بیماری به گونه‌ای باشد که امید به بهبودی می‌رود، فرستادن نایب کفایت نمی‌کند و اگر بهبودی پیدا کرد باید خودش آن را اداء کند.

۳. واگذاری نیابت:

شخصی که نیابت را می‌پذیرد حق ندارد بدون اطلاع منوب‌عنه نیابت را به دیگری محول کند و اگر چنین کند حج از ذمه‌ی منوب‌عنه برداشته نمی‌شود و نایب اول، ضامن خواهد بود.

اگر منوب‌عنه اجازه دهد یا به نایب اختیار کامل داده باشد اشکال ندارد.

۴. عدم جواز حج تمتع:

در صورتیکه منوب‌عنه امر به حج کند و نوع آن را مشخص نکند، در این فرض بر نایب لازم است حج افراد را قصد کند، چراکه فقط حج وجوب دارد و عمره واجب نیست، هرچند می‌تواند حج قران نیز به جا آورد.

در صورت عدم تصریح به نوع حج، نایب نمی‌تواند حج تمتع را نیت کند، چراکه در حج تمتع، احرام حج از شهر مکه بسته می‌شود؛ درحالیکه باید در حج نیابتی، میقات منوب‌عنه رعایت شود.

در صورتیکه منوب‌عنه نوع حج را به انتخاب نایب بگذارد یا به حج تمتع تصریح کند؛ در این صورت بین فقیهان اختلاف است، برخی در این صورت نیز تمتع را جایز نمی‌دانند.

امروزه با توجه به اینکه برنامه‌ریزی‌های سفر را سازمان‌های دولتی تعیین می‌کنند، بنابراین در برخی موارد، نایب به ناچار مجبور به تبعیت است و باید به همان گونه‌ای که ممکن است حج به جا آورد.

۵. نیابت در حج و عمره مستحبی:

در حج و عمره‌ای که واجب نیست، در صورتیکه شرایط نائب مراعات شود، آن حج یا عمره نیابتی صحیح خواهد بود و ثواب آن برای منوب‌عنه لحاظ می‌شود.

۶. ناتوانی نائب از انجام حج:

اگر نائب بدون عذر شرعی و به‌خاطر کوتاهی نتواند حج را اداء کند، ضامن خواهد بود؛ ولی اگر معذور باشد و تقصیری نداشته باشد مثلاً راه بسته باشد یا بیمار شود، ضامن نخواهد بود.

اگر نائب حج را فاسد کرد لازم است کفاره‌ی آن را پرداخت کند و قضای آن حج فاسد را از جانب خودش به‌جا آورد و مبلغی را که منوب‌عنه داده است را نیز ضامن است.

۷. تاخیر در انجام حج:

اگر نائب در انجام حج تأخیر کند، مثلاً سال دوم یا سوم حج برود اشکال ندارد و حجة الاسلام منوب‌عنه اداء می‌شود.

۸. انجام حج با مال حرام:

در مورد شخصی که با مال حرام حجة الاسلام را به‌جا آورده است، بین فقیهان اختلاف است. برخی معتقدند حج او صحیح نمی‌باشد، بنابراین لازم است مجدداً حج به‌جا آورد و در صورت ناتوانی، نائب بگیرد یا وصیت کند. برخی دیگر معتقدند حجة الاسلام از او ساقط می‌شود، ولی آن حج مقبول و مبروری که منشأ آثار دنیوی و اخروی فراوانی می‌باشد، نخواهد بود.



• پرسش:

- ۱- احصار را تعریف کنید و حکم آن را پیش از وقوف عرفات و پس از آن بیان کنید.
- ۲- زنی که پیش از انجام طواف عمره‌ی تمتع عادات ماهیانه شده است و تا شروع مناسک حج فرصتی نمانده وظیفه‌اش چیست؟
- ۳- شرایط لازم برای صحیح بودن حج نیابتی و رفع ذمه‌ی منوب‌عنه را بیان کنید.
- ۴- شرایط نائب را شرح دهید؟
- ۵- واگذاری حج نیابتی توسط نائب اول به نائب دیگر چه حکمی دارد؟

درس پانزدهم: مدینه النبی (ص)

اهداف آموزشی:

آشنایی با:

- ۱- تاریخچه‌ی مدینه‌ی منوره و فضیلت آن
- ۲- آداب سفر به مدینه و کیفیت زیارت پیغمبر (ص)
- ۳- شرعیت و استحباب زیارت پیغمبر نزد همه‌ی مذاهب اسلامی و فضیلت این زیارت
- ۴- آداب و احکام اماکن مقدسه از جمله مسجدالنبی، قبرستان بقیع، شهدای احد و مسجد قبا
- ۵- وداع با پیغمبر و آداب بازگشت به وطن



مدینه النبی(ص)

شهر مدینه دومین شهر مقدس مسلمانان جهان است که با فاصله‌ی ۴۵۰ کیلومتر از مکه، در شمال غربی عربستان و در میانه‌ی نجد قرار گرفته است.

این شهر در دشتی هموار واقع شده است و آب و هوایی گرم و بیابانی دارد ولی نسبت به شهر مکه معتدل و دمای آن پایین‌تر است.

شهر مدینه پیش از هجرت پیامبر اکرم(ص)، یثرب نام داشت، که با هجرت ایشان در اولین شب ربیع‌الاول در سال ۱۴ بعثت، آن را مدینه النبی(یعنی شهر پیامبر) نامیدند، علاوه بر اینکه مبدأ تاریخ مسلمانان «تاریخ هجری» از همان سفر آغاز شد.

فاصله‌ی بین دو کوه عیر و ثور که شامل مدینه و اطراف آن می‌شود حرم امن الهی است، از این روی شکار و بریدن درختان بر انسان محلّ و محرم حرام است ولی نزد احناف کفارہ ندارد.

مسجدالنبی، مسجد قباء، مسجد ذوقبلتین، قبرستان بقیع و خانه‌ی پیغمبر از مهمترین زیارتگاه‌های مسلمانان است که در این شهر قرار دارند.

• فضیلت مدینه:

مدینه‌ی منوره که مرکز تأسیس حکومت اسلامی می‌باشد و مقبره پیامبر اکرم(ص) نیز در آن واقع شده است، محبوب‌ترین سرزمین‌ها نزد خداوند سبحان است.

این سرزمین در تاریخ اسلام همواره از اهمیت والایی برخوردار بوده است و در فضیلت این شهر تاریخی روایاتی از جانب پیغمبر اکرم(ص) بیان شده است، از جمله آن که، فرمودند:

«همانگونه که ابراهیم مکه را حرم قرار داد و برای مردم آن دعا کرد، من مدینه را حرم قرار دادم و برای خیر و برکت آن دعا کرده‌ام».

«به راستی که این شهر طیبه است و همانا پلیدی را دور می‌کند چنانکه آتش ناخالصی نقره را دور می‌سازد».

نشانه‌های دیگر بر فضیلت مدینه توصیه و ترغیب پیغمبر به ماندن در این شهر تا زمانی که

مرگ او فرا رسد و فرمودند کسی که در این شهر بمیرد برایش شفاعت خواهم کرد. شایسته است با ساکنین مدینه و مکه به جهت حسن هم‌جواری آنان، با نرمی و مهربانی و در کمال احترام و ادب رفتار کند و از شکایت و غیبت آنان بپرهیزد.

• آداب حرکت به سوی مدینه:

افضل آن است که هنگام عزم سفر با نیتی خالص و به شوق زیارت قبر پیغمبر اکرم(ص) رهسپار مدینه شود. کسی که برای سفر حج به حجاز سفر می‌کند بهتر آن است ابتدا به مکه رفته و پس از انجام مناسک به زیارت پیغمبر برود. در طول مسیر بر ذکر صلوات مداومت کند و هنگام آشکار شدن مدینه این دعا را بخواند: «اللهم هذا حرم نبیک فاجعله وقایة لی من النار و أماناً من العذاب و سوء الحساب».

• آداب ورود به مدینه:

مستحب است هنگام ورود به مدینه با طهارت باشد یعنی وضو بگیرد و یا در صورت امکان غسل کند. لباس‌های پاکیزه، آراسته و نو بر تن کند و خود را معطر نماید. به هر مقداری که می‌تواند پیاده به سمت مدینه حرکت کند و با در نظر گرفتن مقام و جایگاه پیغمبر با حالت خضوع و خشوع وارد شود. مستحب است هنگام ورود به مدینه این دعا را بخواند: «ربّ ادخلنی مُدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطاناً نصیراً، اللهم افتح لی ابواب رحمتک و ارزقنی من زیارة رسولک صلی الله علیه و سلم ما رزقت اولیاءک و اهل طاعتک و اغفر لی و ارحمنی یا خیر مسؤل».

در هنگام تشرّف به زیارت، حضور قلب داشته باشد و در طول اقامت در مدینه احترام و ادب این شهر را رعایت کند.



• امکان مقدسه:

در شهر مدینه، بیش از ۳۰ جایگاه زیارتی، اعم از مساجد و چاه‌های مختلف وجود دارد که متبرک به حضور پیغمبر است و از این روی زیارت و بازدید آن‌ها سنت می‌باشد و مهمترین این مکان‌ها عبارتند از:

۱. مسجد النبی:

مقدس‌ترین مکان مدینه منوره، مسجدالنبی می‌باشد؛ چراکه مقبره‌ی پیغمبر اکرم (ص) در آن واقع شده است و به فرموده‌ی پیغمبر، باغی از بوستان‌های بهشت است.^{۱۷۶}

از ویژگی‌های مسجدالنبی، مضاعف شدن ثواب نماز است؛ به طوری که خواندن هر رکعت نماز در مسجدالنبی با خواندن هزار رکعت نماز در مساجد دیگر برابر است. در مسجدالنبی ستون‌های متعددی است که هر کدام بنا به رویدادی به نامی مشهور شده‌اند، مانند ستون سریر، ستون علی (رض) یا الحرس، ستون توبه، ستون وفود و... .

زیارت پیغمبر:

برای تشریف به حرم بهتر آن است از باب جبرئیل وارد مسجدالنبی شود و همچنین مستحب است مانند سایر مساجد، هنگام ورود پای راست را مقدم بدارد.

در لحظه‌ی ورود به مسجدالنبی مستحب است دو رکعت نماز تحیت مسجد را به جا آورد؛ این حکم اختصاص به مسجدالنبی ندارد و شامل تمام مساجد می‌شود مگر مسجدالحرام که تحیت آن با انجام طواف است.

پس از به جا آوردن نماز تحیت با کمال ادب و فروتنی به سمت روضه مبارکه حرکت می‌کند و بدون بلند کردن صدا یا هل دادن دیگر زائرین به مرقد ایشان نزدیک می‌شود. سنت است هنگام زیارت روبه‌روی سر مبارک حضرت و پشت به قبله بایستد و این آیه را تلاوت کند:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»

سپس ۷۰ مرتبه صلوات بفرستد و هر چه می خواهد دعا کند.^{۱۷۷}
 بنا به تصریح آیات قرآن^{۱۷۸} و روایات فراوان، مستحب است پیغمبر را واسطه‌ی شفاعت و طلب مغفرت قرار دهد پس بگوید: «یا رسول الله أسئلك الشفاعة و اتوسلُّ بک الی الله فی ان أموت مسلماً علی ملتک و سنتک».

مستحب است در هنگام زیارت پیغمبر، دیگرانی که به او توصیه به دعا کرده‌اند را یاد کند و از جانب آنان اینگونه سلام دهد:

«السلام علیک یا رسول الله من فلان بن فلان یستشفع بک الی ربک».

بر زائر سزاوار است تا هنگامی که در مدینه اقامت دارد، فرصت را غنیمت شمرده و هر چه می تواند به مسجدالنبی برود و نمازهای یومیه را در آنجا بخواند و ختم قرآن کند. طواف مرقد پیغمبر و سجده بر آن جایز نیست، ولی چسباندن بدن به قبر ایشان و یا بوسیدن زمین حرم کراهت دارد.^{۱۷۹}

استحباب زیارت پیغمبر در نزد فرق اسلامی:

زیارت روضه مطهر حضرت خاتم النبیین(ص) در نزد همه‌ی مذاهب و فرق اسلامی از گذشته تاکنون اهمیت و فضیلت بسیار داشته است، و از بهترین مستحباتی است که بدان تأکید بسیار شده است؛ تاجایی که برخی^{۱۸۰} آن را نزدیک به واجب دانسته‌اند. بنابراین این ادعا که زیارت پیغمبر اختصاص به زمان حضور ظاهری ایشان دارد، و در ممات پیغمبر، عزیمت به مدینه به قصد زیارت جایز نیست، قطعاً باطل است.

ادله جواز و استحباب زیارت:

۱۷۷. دعای فراوانی در زیارت پیغمبر وارد شده است، که در کتب مفصل موجود است.

۱۷۸. «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا». نساء، ۶۴.

۱۷۹. بنابر مذهب تشیع، بوسیدن ارض و چسباندن بدن به مرقد پیغمبر، از باب تبرک جستن از این مکان مقدس (که محل رفت و آمد پیغمبر(ص) و ملائکه بوده است، مانند تبرک جستن از حجرالاسود و کعبه) مستحب است. ولی سجده بر ضریح پیغمبر به اتفاق همه‌ی فقیهان شیعیان حرام است؛ مگر آنکه نیت سجده‌ی شکر باشد.

۱۸۰. امام ابن همام در فتح القدر می گوید: کسی که برایش رفتن به زیارت روضه رسول مقبول مقدور باشد، نزدیک به وجوب است که به این



۱- اجماع مسلمین و سیره عملی مسلمانان و علمای سلف؛ در همین باره قاضی عیاض مالکی در کتاب شفا می‌گوید: «و زیارة قبره سنة مجمع علیه» و یا ابن هبیره در کتاب الاتفاق الاثمه می‌گوید: «اتفق المالک والشافعی وابوحنیفه واحمد بن حنبل علی ان زیارة النبی مستحبة».

۲- تصریح خود پیغمبر به عدم تفاوت بین زمان حیات و ممات؛ چراکه فرمودند: «هرکس حج به جا آورد سپس زیارت کند قبر مرا، مانند کسی است که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده».^{۱۸۱}

۳- در همه‌ی مذاهب اسلامی با سلام به پیغمبر «السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته» نماز را تمام می‌کنند و بدیهی است که هرگونه سلام و اظهار تحیت در صورتیکه به مخاطب آن برسد معنا خواهد داشت.

۴- تصریح پیغمبر به جواب دادن سلام، چراکه فرمودند: «هرکس بر من سلام کند خداوند سلام او را به من می‌رساند و من نیز پاسخ سلام او را خواهم داد».^{۱۸۲}

۵- برخی از آیات که بر حضور در نزد پیغمبر و شفیع قرار دادن ایشان دلالت دارد «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤوک فاستغفروالله واستغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً».

حضور در پیشگاه پیغمبر و شفاعت خواهی از ایشان در آیه بصورت مطلق بیان شد و منحصر به حیات ایشان نشده است؛ علاوه بر اینکه خود پیغمبر تصریح کردند زیارت ایشان در حیات و ممات برابر است و همان آثار را دارد. روایاتی زیارت پیغمبر را سبب شفاعت ایشان بیان می‌کند. این روایات در ذیل فضیلت زیارت بیان خواهد شد.

فضیلت زیارت پیغمبر:

در فضیلت زیارت پیغمبر روایاتی از جانب ایشان وارد شده است که به روشنی اهمیت آن را بیان می‌کند، رسول اکرم(ص) فرمودند:

۱۸۱. «مَنْ حَجَّ فَرَّارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی کَانَ کَمَنْ زَارَنِی فِی حَیَاتِی».

۱۸۲. «ما من أحد یسلم علیّ أَلّا رد الله علی روحی، حتی اردّ علیه السلام». سنن ابن داوود، ج ۱، ص ۴۷ و ۴۸.

- ۱- «هرکس به حج آید و مرا در مدینه زیارت نکند بر من ستم کرده است.»^{۱۸۳}
- ۲- «کسی که بعد از وفات من، قبر مرا زیارت کند مانند کسی است که در زندگی مرا ملاقات کرده است.»^{۱۸۴}
- ۳- «هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برای او واجب می‌شود.»^{۱۸۵}
- ۴- «کسی که به زیارت من بیاید و غیر از زیارت مقصودی نداشته باشد، بر من ثابت است در روز قیامت او را شفاعت نمایم.»^{۱۸۶}
- بعد از زیارت و سلام آنحضرت، دو قدم بطرف راست حرکت کند و به حضرت ابوبکر سلام عرض کند؛ دو قدم بعد از این حرکت به حضرت عمر سلام عرض کند.

۲. قبرستان بقیع (جنت البقیع):

بقیع^{۱۸۷} کهن‌ترین و مشهورترین قبرستان دوره اسلامی می‌باشد که در جانب شرقی مسجدالنبی قرار گرفته است. این قبرستان که شمار زیادی از خاندان پیغمبر و یاران و همسران آن حضرت در آن مدفون هستند از مکان‌های مقدس مسلمانان محسوب می‌شود و نقل شده است که پیغمبر شبانه به این قبرستان می‌رفت و برای اهل آن طلب بخشش و استغفار می‌کرد.

آداب زیارت اهل قبور:

مستحب است هر روز و به‌خصوص در روز جمعه به زیارت اهل قبور بقیع برود و این رفتن پس از زیارت پیغمبر باشد.

از قدم گذاشتن بر روی قبرها خودداری کند و در صورت امکان پا برهنه وارد شود.

برای مدفونین قبرستان، قرآن تلاوت کند و دعا بخواند و اینگونه بر آنها سلام کند:

۱۸۳. «من حج البیت ولم یزرنی جفانی».

۱۸۴. «مَنْ حَجَّ فَرَّارَ قَبْرِی بَعْدَ مَوْتِی کَانَ کَمَنْ زَارَنِی فِی حَیَاتِی».

۱۸۵. «مَنْ زَارَ قَبْرِی وَجَبَتْ لَهُ شَفَاعَتِی».

۱۸۶. «مَنْ جَاءَنِی زَائِرًا لَا یَعْلَمُهُ حَاجَةٌ إِلَّا زِیَارَتِی کَانَ حَقًّا عَلَیَّ أَنْ أُکُونَ لَهُ شَفِیعًا یَوْمَ الْقِیَامَةِ».

۱۸۷. بقیع در ابتدا به نام «بقیع الغرقد» مشهور بوده است؛ چراکه نوعی درخت خاردار در آنجا می‌رویده و نامش «غرقد» بوده است. سپس آن درخت از میان رفت، اما نامش ماندگار شد. برخی نیز گفته‌اند: بقیع غرقد، نام زمینی است که نوعی درخت بلند توت آن را پوشانده باشد.



«السلام عليك دار قوم المؤمنين و انا ان شاء الله بكم لاحقون أسئل الله لي ولكم العافية».

۳. کوه اُحد:

کوه احد در فاصله ۵ کیلومتری شمال شرقی مدینه، قرار دارد و به فرموده‌ی پیغمبر(ص) رکنی از ارکان بهشت می‌باشد. این کوه به‌خاطر جدا بودن از سایر کوه‌های منطقه احد نامیده شد.

در زمان پیغمبر پس از شکست مشرکین در جنگ بدر بار دیگر با مسلمانان پای این کوه رو در رو شدند که به‌خاطر کوتاهی برخی از صحابه، سپاه اسلام شکست خورد و ۷۰ نفر از آنان از جمله حمزه سیدالشهداء(عموی پیغمبر)، مصعب بن عمیر(اولین سفیر اسلام به مدینه)، حنظله(غسیل الملائکه)، عمر بن جموح و... به شهادت رسیدند.

آداب زیارت شهداء:

مستحب است که در روز پنجشنبه پس از اداء نماز صبح در مسجدالنبی و زیارت پیغمبر(ص)، به زیارت شهدای اُحد برود و از حضرت حمزه زیارتش را آغاز کند.

هنگام ورود به قبرستان احد بر آنان اینگونه سلام کند:

«السلام علیکم یا شهداء السلام علیکم یا سعداء السلام علیکم یا نجباء السلام علیکم یا اتقیاء السلام علیکم یا شهداء اُحد کافه ورحمة الله وبرکاته السلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار».

بهتر است پس از زیارت قبور شهدا برای اقامه‌ی نماز ظهر به مسجدالنبی بازگردد.

۴. مسجد قُبا:

«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ».^{۱۸۸}

مسجد قُبا نخستین مسجد جهان اسلام است که در جنوب غربی مدینه و با فاصله‌ی

۳ کیلومتر از این شهر در روستایی به نام قُبا واقع شده است. این مسجد که در سال اول هجری و در جریان هجرت پیغمبر از مکه به مدینه سنگ بنای آن را خود پیغمبر بنا نهاد و در قرآن نیز از آن یاد شده است، پس از مسجدالحرام، مسجدالنبی و مسجدالاقصی بافضیلت‌ترین مساجد می‌باشد.

آداب مسجد قبا:

خواندن دو رکعت نماز در مسجد قبا به فرموده‌ی پیغمبر(ص) با عمره برابر است؛ و در روز شنبه به خواندن دو رکعت نماز در این مسجد سفارش شده است. بهتر آن است در همان مواضعی که پیغمبر نماز خوانده‌اند و امروزه مشخص است، نماز بخواند.

• وداع با مدینه:

بر زائر مستحب است هنگام خروج از مدینه به مسجدالنبی برود و پس از اداء دو رکعت نماز، به زیارت مرقد پیغمبر شرفیاب شود و هر چه می‌خواهد دعا کند. پس از آخرین زیارت، با قلبی محزون و چشمی گریان با پیغمبر وداع کند و از خداوند بخواهد که این زیارت را آخرین زیارت او قرار ندهد و این دعا را بخواند:

«اللهم لا تجعل هذا آخر العهد بنبيك ومسجده وحرمة ويسر لي العود اليه والعكوف لديه وارزقني العفو والعافية في الدنيا والآخرة و ردنا الى اهلنا سالمين غانمين آمنين بفضلك وكرمك يا رب العالمين برحمتك يا ارحم الراحمين».

مستحب است هنگام خروج از شهر مدینه به فقرای آن مقداری صدقه بدهد تا در صحت و سلامت به وطن بازگردد.

شایسته است پیش از بازگشت به وطن، خانواده و آشنایان خود را آگاه سازد و در صورت امکان، در روز وارد وطن شود و هنگام رسیدن به منزل خود دو رکعت نماز به‌جا آورد و خداوند را شاکر باشد.



• پرسش:

- ۱- آداب زیارت پیغمبر و آثار معنوی زیارت را بیان کنید.
- ۲- احکام حرم نبوی(ص) و محدوده‌ی آن را مشخص کنید.
- ۳- مهمترین اماکن مقدسه و آداب هر یک را به اختصار توضیح دهید.
- ۴- چهار دلیل در شرعیت و استحباب زیارت پیغمبر(ص) در حال ممات ایشان بیان کنید.
- ۵- چهار مسجد مهم و بافضیلت مسلمانان کدامند؟
- ۶- آداب خروج از مدینه و وداع با پیغمبر(ص) کدام است؟